





۵

فرق تثبیت با ثابت بودن؟

دکتر عباس عرب مازار
استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی



۷

سیاست تثبیت را اجرا کنید، رشد اقتصادی تقویت خواهد شد

گفتگوی اختصاصی تازه‌های اقتصاد با پروفسور حسین عسکری، استاد اقتصاد دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا



۱۵

ایجاد چرخه مبادلات لیر-ریال و حذف دلار

مصطفی کایا، نماینده مجلس و معاون حزب سعادت ترکیه در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



۵۸

نتیجه رشد اقتصادی بزودی در زندگی مردم لمس خواهد شد

در میزگرد تازه‌های اقتصاد با حضور دکتر محمد جواد محقق نیا و دکتر عبدالمجید شیخی

نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری انتظارات تورمی

مایکل لاملا، دانشگاه اکسس
کولچستر انگلستان



۲۰

تجار ایرانی برای صادرات به آفریقا مشکل دارند

قائم‌مقام باشگاه تجار ایران و
آفریقا در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



۷۵



۵۳

شواهد می‌گوید تورم تا پایان سال کاهش خواهد بود

دکتر هادی قوامی، اقتصاد دان و معاون سابق وزیر اقتصاد در گفتگو با تازه‌های اقتصاد



۳۶

از رکودی که در دهه ۹۰ در آن بودیم خارج شدیم

در میزگردی با حضور دکتر محمد جعفری و دکتر جعفر مهدی زاده بررسی شد

۴	چرا تثبیت اقتصادی مهم است؟
۵	فرق تثبیت با ثابت بودن؟
۷	سیاست تثبیت را اجرا کنید رشد اقتصادی تقویت خواهد شد
۱۰	کاهش رشد نقدینگی منجر به رکود می شود؟
۱۵	ایجاد چرخه مبادلات لبر-ریال و حذف دلار
۱۹	چرا ایران در شرایط ابرتورم نیست؟
۲۰	نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری انتظارات تورمی
۲۳	نقش انتظارات در سیاست‌های تثبیت
۲۶	کنترل انتظارات عوامل و راهکارها
۳۱	انتظارات بازیگر خاموش تورم
۳۴	تورم چند درصدی را «ابرتورم» می‌گویند؟
۳۶	از رکودی که در دهه ۹۰ در آن بودیم خارج شدیم
۴۴	انتظارات تورمی بر مدار تعدیل
۴۷	سیاست تثبیت اقتصادی مانع شکل‌گیری دوره‌های باطل توسعه نیافتگی
۵۱	گام‌های درست بانک مرکزی در ثبات بخشی به اقتصاد
۵۳	شواهد می‌گوید تورم تا پایان سال کاهشی خواهد بود
۵۸	نتیجه رشد اقتصادی بزودی در زندگی مردم لمس خواهد شد
۶۴	چرا دیگر جلوی صرافی‌ها صف خرید ارز تشکیل نمی‌شود؟
۶۶	چرا رشد نقدینگی کاهشی شده است
۷۰	تسهیلات دهی در خدمت رشد اقتصادی
۷۵	تجار ایرانی برای صادرات به آفریقا مشکل دارند

• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاست‌گذاری:

مهدی مهرپور

• شورای سیاست‌گذاری:

اصغر بالسنینی، حسین لطفی،
حسین میرزایی و سید فرهاد موحدی

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• همکاران این شماره:

پوریا صادقی، محمدرضا مقامی فرد، مزگان فرجی،
ساناز کلاهدوز، حسین جعفری، امیرحسین موسوی،
مرتضی کریمی، حمید کمار، مرتضی عبدالحسینی
و جواد حیران نیا

• گرافیک و طراحی جلد:

میلا دبقایی

• صفحه‌آرایی

مهدی بخشی

• عکاس

مبین صدیقی

• نشانی

تهران، نرسیده به چهارراه استانبول،
بانک مرکزی، ساختمان شماره یک

• تلفن

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶

• نمابر

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۱

• لیتوگرافی و صحافی

نگار نقش

• چاپ و توزیع

احمد شیرازیان

چرا تثبیت اقتصادی مهم است؟

دکتر محمد رضا فرزین /

رئیس کل بانک مرکزی



اقتصاد کشور فعالیت‌های خود را تحت عنوان سیاست تثبیت اقتصادی، در سه محور اصلی «ثبات بخشی و پیش‌بینی پذیر نمودن بازار ارز»، «کنترل نقدینگی» و «تقویت نظام تنظیم‌گری (Regulation) در بازارهای مالی (پولی، ارزی و اعتباری)» آغاز کرد.

در این راستا، از مهم‌ترین اقدامات بانک مرکزی برای تعدیل انتظارات منفی در بازار ارز و غلبه بر ترس و نگرانی‌های به وجود آمده در جامعه، می‌توان به اقداماتی نظیر تأمین ارز مورد نیاز جهت واردات کالای اساسی در بستر سامانه‌ی نیما با نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومان به ازای هر دلار آمریکا، کاهش تعدد نرخ ارز به ۳ نرخ در نظام ارزی کشور (نرخ حواله کالاهای اساسی، اسکناس ETS و حواله ETS)، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران، اصلاح دستورالعمل اجرایی فروش اسکناس ارز از طریق واریز به حساب ارزی بانکی، تخصیص ارز مسافرتی به مسافران بعد از گیت فرودگاه، کاهش مدت زمان بازگشت ارز صادراتی، همکاری و هماهنگی با وزارت خانه‌ها و سایر نهادها، مذاخله حاشیه‌ای در بازار غیررسمی ارز و طلا از طریق فروش ارز به اشخاص و عرضه سکه در بورس کالا و... اشاره کرد. از این رو، همانطور که از آمار و ارقام برمی‌آید، در عمل نیز آنچه تاکنون از نتیجه اقدامات یادشده در اقتصاد کشور مشاهده شده: برقراری آرامش نسبی در فضای ملتهب نرخ ارز و بازگشت ثبات نسبی به اقتصاد کشور بوده است. اما نکته‌ای که باید در پایان اشاره نمود این است که دایره‌ی اقدامات بانک مرکزی، به اقدامات گفته شده محدود نخواهد بود. این نهاد در برنامه‌های آتی خود اقداماتی نظیر اصلاح سیاست‌های خرید و فروش ارز، توسعه مرکز مبادله ارز و طلای ایران، ایجاد صندوق تثبیت جهت کمک به تثبیت نرخ ارز در مواقع لزوم، ارتقای نظارت عملیاتی بر فعالیت تراستی‌ها و مدیریت فعال بانک مرکزی و همچنین تقویت و توسعه تعاملات با کشورهای همسایه و شرکای تجاری برای استفاده از ظرفیت آن‌ها در تسهیل مالی مبادلات می‌بایند و... را در دستور کار خود قرار داده است. امید است که با پیگیری این اقدامات از سوی بانک مرکزی و همکاری سایر نهادها، اجرایی کشور، شاهد آرامش بیشتری در فضای اقتصادی کشور باشیم.

بروز بحران‌های عمیق مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی در نتیجه مقررات‌زدایی‌های اقتصادی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی بود. این امر سبب شد تا در محافل دانشگاهی، سیاست تثبیت اقتصادی و به طور خاص بحث برتری نسبی نظام نرخ ثابت ارز در برابر نرخ شناور ارز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در نهایت این بحث در محافل دانشگاهی باعث شد که بسیاری از کشورهای جهان به دنبال تثبیت نرخ ارز در قالب نظام نرخ ثابت ارز باشند. در ادبیات اقتصادی آنچه که تحت عنوان سیاست‌های تثبیت می‌شناسیم به سیاست‌ها و اقدامات طراحی شده از سوی دولت و بانک مرکزی اشاره دارد که طی دوره بی‌ثباتی اقتصادی (شامل مواردی نظیر رکود، تورم، بیکاری، بحران بدهی و...) با هدف بازگرداندن ثبات به اقتصاد اتخاذ می‌شوند.

اقتصاد ایران همواره و به خصوص در سال‌های اخیر در معرض بی‌ثباتی‌های متعددی قرار گرفته است. در این بین شکل‌گیری بحران‌های ارزی بی‌دری در اقتصاد ایران سبب شده است تا بی‌ثباتی نرخ ارز به عنوان یکی از مهمترین عوامل بی‌ثباتی اقتصاد شناخته می‌شود. در این شرایط لزوم اتخاذ سیاست‌های تثبیت اقتصادی بیش از پیش بر همگان نمایان خواهد شد. زیرا که تثبیت اقتصادی لازمه اجرای سیاست‌های اصلاحی است و زمانی می‌توان از سیاست‌های اصلاحی سخن گفت که در وهله اول شرایط اقتصاد کشور در وضعیت پایدار و با ثبات قرار گیرد. از این رو، رسالت بانک مرکزی به عنوان بزرگ‌ترین نهاد پولی و ارزی کشور ایجاب می‌کند که در نقش یک سیاست‌گذار، به منظور کنترل نوسانات و بازگشت ثبات به اقتصاد، مذاخله و اقدامات لازم را انجام دهد.

در شرایط کنونی، بی‌ثباتی در متغیرهای کلان اقتصاد ایران موجب می‌شود تا ریسک و نااطمینانی فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد. این امر به صورت یک چرخه معیوب، موجب تضعیف سمت عرضی اقتصاد و تشدید بی‌ثباتی خواهد شد. بنابراین در این شرایط، ایجاد محیطی با ثبات و پیش‌بینی پذیر یکی از مهم‌ترین محورهای تقویت سمت عرضه اقتصاد کشور خواهد بود. بر همین اساس، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، با آغاز سال نو با هدف بازگشت ثبات به





فرق تثبیت با ثابت بودن؟

- موضوع تثبیت با ثابت بودن تفاوت دارد و همه دولت‌ها به نوعی تثبیت را دنبال می‌کنند
- تثبیت هموار کردن مسیری است که متغیرهای اقتصادی طی می‌کنند
- خوشبختانه بانک مرکزی در ماه‌های اخیر گام‌های خوبی برای مدیریت عرضه و تقاضای ارز برداشته است



اقتصادنا

شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲

دکتر عباس عرب‌مازار /

اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی



در بحث
نقدینگی ما
بیش از اینکه
نگران افزایش
رشد نقدینگی
باشیم، باید
نگران مدیریت
نقدینگی در
کشور باشیم

نظریاتی که در اقتصاد وجود دارد عمدتاً با توجه به شرایط زمانی و مکانی خود تنظیم شده و یک وحی منزل نیست که همیشه و همه جا کاربرد داشته باشد، بنابراین اگر در اجرای نظریات اقتصادی، شرایط داخلی موجود کشور را در نظر نگیریم، به مشکل برمیخوریم. اگر اقتصاد را تنها با یک نمودار و بدون مدل‌سازی تحلیل کنیم، نگاه ساده‌انگارانه به مسائل اقتصادی است.

همه مدل‌های اقتصادی هم پیش‌فرض‌هایی را در نظر می‌گیرند و بر اساس آن پیش‌فرض‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند.

بنابراین اگر دو مدل با پیش‌فرض مختلف را در نظر بگیریم نتایج متفاوتی به دست می‌آید، ساختارها، نهادها، انتظارات و حتی تحریم را باید در مدل‌ها آورد و این محدودیت‌ها را باید در نظر گرفت.

مدل‌ها وقتی درست هستند که بازیگران اقتصادی مسیر خود را آزادانه انتخاب کرده باشند، اگر ما محدودیت‌هایی را روی خرید، واردات، صادرات، تعرفه‌ها و انواع بازارها اعمال کنیم، طبیعی است که مدل‌هایی که می‌سازیم چیزی بیشتر از زجر دادن داده‌ها نیست.

نوسانات جزء جدایی‌ناپذیر اقتصاد است و در همه اقتصادها وجود دارد و چیز عجیبی نیست، مهم این است که این نوسانات از حد قابل قبولی عبور نکنند. سیاست‌های تثبیت اقتصادی نیز مسئله‌ای طبیعی است و در همه کتاب‌های اقتصاد کلان آمده که شما در ادوار تجاری و در جریان نوسانات اقتصادی باید شیب نوسانات را کاهش دهید و نگذارید انتقال شدیدی به اقتصاد وارد شود که در غیر این صورت آثار غیر قابل‌کنترلی خواهد داشت.

بنابراین موضوع تثبیت با ثابت بودن تفاوت دارد و همه دولت‌ها به نوعی تثبیت را دنبال می‌کنند. تثبیت هموار کردن مسیری است که متغیرهای اقتصادی طی می‌کنند. نوسانات اقتصادی می‌تواند لزوماً ریشه اقتصادی نداشته باشد، جنگ اوکراین تنش‌هایی در قیمت مواد غذایی و بیشتر بخش‌ها ایجاد کرده یا خشکسالی می‌تواند نوسانات شدیدی در بخش‌های مختلف ایجاد کند، بنابراین سیاست تثبیت با

ثابت کردن تفاوت دارد و در چنین مواردی می‌تواند به کار رود.

با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در آن قرار داریم، اقتصاددان باید تحریم را فرض کند و تحلیل کند.

برخی می‌گویند تحریم را بردارید، همه مسائل حل می‌شود، پس شما به عنوان اقتصاددان چه کاره‌اید؟ اینکه راه حل سیاسی است. باید در شرایط موجود اقتصاد، راه حل ارائه کنید. آیا می‌توان در این شرایط کاری کرد که شوک‌ها کاهش پیدا کند؟ بنابراین این شرایط مفروضات مدل‌سازی اقتصادی است.

تمرکز ما در این چند سال بر نوسانات تورم بوده است و برای اینکه این نوسانات را کنترل کنیم، طبیعی است که به عوامل تأثیرگذار بپردازیم.

مطالعات مختلف نشان داده که نرخ ارز حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌تواند تورم را تحت تأثیر قرار دهد و اثر آن قابل توجه است. نوساناتی که در بازار ارز ملاحظه می‌کنیم عمدتاً در بازار غیررسمی یا بازار سیاه اتفاق می‌افتد، حال این پرسش را باید طرح کرد که برای کنترل این نوسانات چه باید کرد؟ در این شرایط به نظر می‌رسد تنها راهی که برای ساماندهی به وضعیت ارز وجود دارد مدیریت عرضه و تقاضای ارز است که خوشبختانه بانک مرکزی گام‌های خوبی را برداشته است.

عمق دادن به بازار مبادله بسیار مهم است، اگر نرخ ارز بازار غیررسمی کماکان نرخ مرجع ما باشد، بازار رسمی تشکیل شده خیلی موثر نخواهد بود. تمام تلاش باید این باشد که نرخ ارز مرجع از بازار غیررسمی به بازار رسمی منتقل شود و این تنها کانالی است که می‌تواند انتظارات را مدیریت کند، در غیر این صورت ما هرچه تلاش کنیم بازار غیررسمی کار خود را انجام می‌دهد و علامت‌دهی خود را دارد و بر انتظارات اثر خواهد گذاشت.

در بحث نقدینگی هم ما بیش از اینکه نگران افزایش رشد نقدینگی باشیم، باید نگران مدیریت نقدینگی در کشور باشیم. ما باید در زمینه نقدینگی مدیریت داشته باشیم و این بخش را رها نکنیم و فقط تمرکز را بر حجم نقدینگی قرار ندهیم، که این کافی نیست. اگر بتوانیم مدیریت نقدینگی را انجام دهیم، آن زمان سیاست انقباضی اعمال شده به تولید لطمه وارد نخواهد کرد.



گفتگوی اختصاصی تازه‌های اقتصاد با پروفسور حسین عسکری،
استاد اقتصاد دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا:

سیاست تثبیت را اجرا کنید رشد اقتصادی تقویت خواهد شد



- اجرای سیاست تثبیت اقتصادی زمانی مناسب است که در شاخص‌های کلیدی اقتصادی، حرکت روبه‌بالا یا پایین سریع داشته باشیم
- در ایالات متحده، پل ولکر (Paul Volker)، رئیس فدرال رزرو حدود ۴۰ سال پیش برای کاهش تورم از سیاست تثبیت نرخ ارز استفاده کرد
- اگر تثبیت شامل سیاست‌های منسجم و منطقی باشد، باید رشد اقتصادی را در میان مدت و بلندمدت تقویت کند

به طور خاص، شما نیاز به اعتماد بین مردم، دولت و بانک مرکزی دارید. این سه عنصر کلیدی در این امر قابل توجه است و اینکه آیا سیاست های بانک مرکزی جواب داده و نتایج خوبی داشته است؟

پروفیسور «حسین عسکری» معتقد است اگر سیاست تثبیت اقتصادی شامل سیاست های منسجم و منطقی باشد، باید رشد اقتصادی را در میان مدت و بلندمدت تقویت کند. وی مشاور بانک جهانی و استاد دانشگاه جورج واشنگتن است. حسین عسکری مشاور وزارت دارایی عربستان (۱۹۷۸ میلادی) بوده و از او به عنوان معمار اقتصاد عربستان نیز یاد می کنند. عسکری استاد تجارت بین الملل و امور بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن آمریکاورئیس موسسه تحقیقات و مدیریت جهانی و رئیس پیشین دپارتمان تجارت بین الملل دانشگاه جورج واشنگتن بوده است. بنا بر اعلام «بانک نیویورک»، عسکری اولین کسی بود که کاهش قیمت نفت به ۴۰ دلار را در برهه ای که قیمت آن به بالای ۱۰۰ دلار رسیده بود، پیش بینی کرد. از سوابق اجرایی وی می توان به دو و نیم سال فعالیت در هیئت اجرایی صندوق بین المللی پول اشاره کرد. او در زمینه سیاست توسعه اقتصادی، سیاست های نفتی و اقتصاد و تجارت بین الملل مشاور وزیران دارایی، رؤسای بانک های مرکزی، وزیران نفت و دیگر مقامات در حاشیه کشورهای خلیج فارس بوده است. وی ۳۵ کتاب و بیش از ۱۴۰ مقاله درباره تحولات اقتصادی در خاورمیانه، تجارت و اقتصاد بین الملل، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد نفت و تحریم های اقتصادی منتشر کرده است. آنچه در ادامه می آید گفتگوی اختصاصی هفته نامه تازه های اقتصاد با این اقتصاددان برجسته معاصر است.

آقای دکتر تحلیل حضرتعالی از اعلام سیاست تثبیت اقتصادی چیست، به طور عمومی سیاست تثبیت اقتصادی چه مفهومی دارد و چه اهدافی را دنبال می کند؟

اجرای سیاست تثبیت اقتصادی زمانی است که اقتصاد بیش از حد ملتهب می شود یا افت سریعی را تجربه می کند، همچنین زمانی که شاخص های مهمی مانند تورم و بیکاری دچار مشکل می شوند، تثبیت اقتصادی هدفگذاری می شود. به صورت کلی، زمانی اجرای سیاست تثبیت اقتصادی مناسب است که در

شاخص های کلیدی اقتصادی حرکت رو به بالا یا نزولی سریع وجود داشته باشد.

در کدام کشورها سیاست تثبیت نرخ ارز استفاده شده و نتایج مثبت آن چگونه بوده است؟

در ایالات متحده، پل ولکر (Paul Volker)، رئیس فدرال رزرو حدود ۴۰ سال پیش برای کاهش تورم از سیاست تثبیت نرخ ارز استفاده کرد. با این حال، فدرال رزرو ایالات متحده در این روزها برای کاهش تورم، نرخ بهره را به سرعت افزایش داده است. اما اغلب به عنوان یک امر معمول، زمانی که کشورها دچار مشکل هستند، از سیاست تثبیت استفاده می شود؛ زمانی که کشورها با مشکلاتی مانند تورم بالا، نرخ بیکاری بیش از حد، ارزش بیش از حد ارزها، خروج سریع ارز خارجی، کسری بودجه ناپایدار و مشکلات تراز پرداخت ها مواجه هستند. گاهی موفق می شوند، اما نه همیشه. انسجام برقرار کردن میان چنین برنامه هایی دشوار است، زیرا آنها همواره مشقت هایی را دارند.

در حوزه علم اقتصاد، چه نظریات جدیدی در خصوص سیاست تثبیت اقتصادی وجود دارد؟ چه پژوهش های علمی و تجربی در این زمینه صورت گرفته و کدام نتایج و توصیه هایی را برای کشورهای مختلف داشته است؟

ارزیابی های زیادی از چنین سیاست هایی در ادبیات موضوع، به ویژه سیاست های تثبیت صندوق بین المللی پول وجود دارد.

بانک مرکزی ایران در دور جدید مدیریت خود، سیاست تثبیت اقتصادی را به عنوان راهبرد خود برگزیده است. به نظر شما، چه عوامل و شروطی برای پذیرش و پشتیبانی از این سیاست در جامعه وجود دارد تا ضرب موفقیت آن افزایش یابد؟

سیاست های تثبیت تا حد زیادی همیشه دشواری هایی را به همراه دارد، زیرا این امر مستلزم فداکاری، کاهش هزینه ها، کنترل کسری های دولت و کاهش ارزش پول است. بنابراین دولت باید به مردم توضیح دهد که چرا این کار را می کند.



آیا سیاست تثبیت اقتصادی، علاوه بر کنترل تورم می تواند بر رشد اقتصادی و اشتغال نیز تأثیرگذار باشد؟ به نظر شما چه رابطه‌ای بین سطح تورم و رشد اقتصادی وجود دارد؟ در این راستا چه شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی در کنار تورم مناسب هستند؟

در کوتاه مدت حتی ممکن است رشد اقتصادی تعدیل شود، اما اگر تثبیت شامل سیاست‌های منسجم و منطقی باشد، باید رشد اقتصادی را در میان مدت و بلندمدت تقویت کند. لذا، به همین دلیل است که یک دولت چنین رویکردی را اتخاذ می‌کند چون تورم در بیشتر موارد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. رشد اقتصادی واقعی با افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) یک کشور اندازه‌گیری می‌شود.

سیاست تثبیت اقتصادی بانک مرکزی ایران بر پایه کنترل بازار ارز، کنترل نقدینگی و قانونگذاری در بازارهای مالی است. به نظر شما، چقدر این سه عامل قادر به تأثیرگذاری بر ثبات قیمت‌ها، نظام بانکداری و رشد اقتصادی هستند؟ چه فواید و چالش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در پس اجرای این سیاست وجود دارد؟

به نظر من، متغیرهای کلیدی چون هزینه‌ها

و مخارج دولت، مالیات، کسری بودجه، نرخ بهره و نرخ ارز بازار علاوه بر مواردی که شما ذکر کردید نیز وجود دارند.

هدف نهایی سیاست تثبیت، کنترل تورم است. با توجه به شواهد تجربی و نظری، چگونه می‌توان تورم و حتی انتظارات تورمی را در این شرایط کنترل کرد؟ چه ابزارها و روش‌هایی برای ارتباط و اعتمادسازی بانک مرکزی با عموم مردم و اقتصاددانان وجود دارد؟

کار سختی است. دولت باید اعتماد را در این زمینه ایجاد کند. مردم هر وقت به دولت اعتماد داشته باشند، آن وقت به دستورات دولتی‌ها گوش خواهند داد. اگر دولت نتواند اعتماد عمومی ایجاد کند، کار بسیار سخت خواهد شد و دلیل آن نیز انتظارات است. اگر مردم اقدامات را قابل اعتماد نبینند، رفتار آنها به تورم دامن خواهد زد و کنترل آن را برای دولت سخت‌تر می‌کند. به طور خاص، شما نیاز به اعتماد بین مردم، دولت و بانک مرکزی دارید. سه عنصر کلیدی در این امر قابل توجه است و اینکه آیا سیاست‌های بانک مرکزی جواب داده و نتایج خوبی داشته است؟ موضوع دوم به مقابله با فساد مربوط می‌شود. موضوع سوم این است که آیا دولت سیاست‌ها را برای مردم توضیح داده است و آیا دولت می‌تواند به سیاست‌های خود ادامه دهد؟ باید منتظر ماند و دید که نتیجه سیاست تثبیت چه خواهد شد.

مردم هر وقت به دولت اعتماد داشته باشند، آن وقت به دستورات دولتی‌ها گوش خواهند داد. اگر دولت نتواند اعتماد عمومی ایجاد کند، کار بسیار سخت خواهد شد و دلیل آن نیز انتظارات است



اقتصاد

شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲





کاهش رشد نقدینگی منجر به رکود می شود؟

مرتضی عبدالحسینی /

پژوهشگر اقتصادی



● رشد سالانه نقدینگی در پایان خرداد ۱۴۰۲ در حدود ۲۹ درصد بوده که پایین ترین رقم از دی ماه ۱۳۹۸ بوده و افت ۳۰ درصدی در مقایسه با اعداد مهر و آبان ۱۴۰۰ را نشان می دهد.

● بانک مرکزی از سیاست هدایت اعتبار غافل نشده و با هدایت بانک ها به پرداخت تسهیلات هدفمند باعث شده تا در سال ۱۴۰۱ مجموع مانده تسهیلات پرداختی با رشد ۳۵ درصدی در مقایسه با سال ۱۴۰۰ به بیش از ۵۵۸۳ هزار میلیارد تومان رسیده باشد

۱۰



اقتصاد

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

آمار جدید پولی کشور نشان می‌دهد که بانک مرکزی با استفاده از کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها در مهار نقدینگی موفق بوده و رشد سالانه آن در خرداد ماه را به ۲۹ درصد رسانده است. این رقم از آن جهت اهمیت دارد که آخرین بار در دی ماه ۱۳۹۸ بود که متغیر نقدینگی به صورت سالانه کمتر از ۳۰ درصد رشد داشت و بعد از آن در یک کانال افزایشی به صورت ماهانه قرار گرفته است. براساس اطلاعات موجود، نقدینگی در مهر ۱۴۰۰ به سقف سالانه خود در ۲۰ سال اخیر رسید و با ثبت رکورد رشد ۴۲۰۸ درصدی جهش بزرگی را در یک سال تجربه کرد که روزهای پولی خوبی برای اقتصاد کشور نبود. از آن به بعد، اما با تغییر نگاه مرسوم در ایران که نقدینگی را مخلوق فعالیت دولت و کسری بودجه آن می‌دانست و نهایتاً در سیستم بانکی به دنبال ارتقا «کفایت سرمایه» بود به این موضوع که خلق نقدینگی از پایه پولی و ضریب فزاینده دیگر توضیح دهنده مکانیزم پول یک اقتصاد نخواهد بود، راه برای ورود سیاست‌گذار به سیستم بانکی و کنترل ترازنامه آن‌ها باز کرد. حال اما کنترل رشد نقدینگی توأم با وجود تورم ساختاری در اقتصاد کشور این ابهام را به وجود آورده که اولاً این شرایط به رکود و کاهش جریان نقد بخش تولیدی کشور منجر نشود و دوماً کنترل مقداری ترازنامه تا کی و به چه صورت می‌تواند همزمان اهداف ما در کنترل نقدینگی، کاهش تورم و رشد تولید را برقرار کند؟ در این گزارش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که ریشه ایجاد نگاه «کنترل مقداری ترازنامه» در بانک مرکزی به کجا برمی‌گردد و چرا و چگونه موفقیت در کنترل نقدینگی به قیمت رکود تمام خواهد شد؟

نسبت بانک‌ها با خلق نقدینگی

از گذشته تاکنون نگاه‌های متفاوتی به پول، ماهیت آن و نحوه خلق آن وجود داشته به طوری که تفاوت در کم و کیف این نگاه‌ها خود بنیانگذار مکاتب و نظام‌های اقتصادی متفاوتی بوده است. در کلاسیک‌ترین یا مرسوم‌ترین نگاه، پول یک واقعت خنثی در اقتصاد بوده و صرفاً نقش آن سنجش ارزش و حضور در مبادلات بوده است. در این دیدگاه، مخصوصاً در شاخه‌های کلاسیکی، نئوکلاسیکی و پول‌گرایان، پول به صورت برون‌زا تعریف شده و تنها خالق آن نیز

بانک مرکزی است و عرضه آن منجر به تغییر متغیرهای حقیقی از جمله تولید نخواهد شد و تنها افزایش نقدینگی دلیلی بر تورم خواهد بود. در این نگاه، سیستم بانکی به عنوان واسطه‌گر حضور دارد و صرفاً پول را از دست پس‌اندازکننده به دست تسهیلات‌گیرنده، خواهد رساند و هیچ تأثیری بر خلق و مکانیزم آن نخواهد داشت. به عنوان مثال، براساس این نگاه در اقتصاد کشور ما، پایه پولی در سال ۱۴۰۱ در حدود ۳۵ درصد معادل ۲۲۹ هزار میلیارد تومان رشد داشته و این رقم با ضریب فزاینده حدود ۷ واحدی به ۱۴۵۰ هزار میلیارد نقدینگی در این سال تبدیل شده است. در این مدل بانک‌ها واسطه‌گر پول بوده و هیچ نقشی در خلق و محو آن ندارند و آنچه به عنوان نقدینگی افزایش پیدا کرده، پایه پولی است که احتمالاً به دلیل استقراض دولت از بانک مرکزی افزایش داشته و با ضریب ۷ واحدی در سیستم بانکی جریان پیدا کرده است. نگاه دوم اما قائل به خنثی بودن پول و همچنین برون‌زا بودن آن نیست. اولاً پول را به عنوان یکی از عوامل تولید می‌داند و دوماً برای بانک‌ها نقش خالق پول بدون هیچ محدودیتی را می‌پذیرد. در این نگاه دیگر برای تحلیل نقدینگی تمام تمرکز به سمت پایه پولی و یکی از عوامل اصلی رشد پایه پولی که کسری بودجه است نمی‌رود، بلکه در یک تحلیل معکوس بانک‌ها خود به عنوان خالق پول در نظر گرفته می‌شوند که منجر به افزایش نقدینگی شده و پایه پولی بانک مرکزی را به دنبال خود می‌کشاند. در این نگاه گفته می‌شود که بانک‌ها نیازمند ورود سپرده از بانک مرکزی یا از سوی سپرده‌گذار معمولی نیستند که بخواهند با کسر ذخیره قانونی، آن را وام بدهند، بلکه این خود سیستم بانکی است که بدون هیچ پشتوانه‌ای در قالب اعداد، پول تولید می‌کند و تحت عناوین مختلف به حساب شما واریز می‌کند. در سال ۲۰۱۴ بانک مرکزی انگلستان به عنوان اولین نهاد سیاست‌گذاری به این موضوع ورود کرد و در قالب مقاله‌ای با تعریف این مکانیزم به دو اصطلاح «خلق پول از هیچ» و «پول درون‌زا» رسید. براساس این مقاله هر عملی که در ترازنامه یک بانک باعث ایجاد سپرده بانکی شود (اعم از اعطای تسهیلات، سود سپرده، هزینه‌های اداری و عمومی یک بانک)، باعث خلق پول نیز خواهد شد. حال این سوال وجود دارد که سپرده بانکی چگونه خلق می‌شود؟ تسهیلات پرداختی به اشخاص حقیقی و حقوقی، سود سپرده‌ها و پرداختی‌های یک بانک به کارمندان خود یا سپرده بانکی ایجاد





اساس بخشنامه بانک مرکزی در صورت تخطی هر بانک و عدم اصلاح آن، متناسب با درصد تخطی بانک‌ها نرخ سپرده قانونی بانک افزایش می‌یابد. همچنین معرفی هیئت مدیره بانک خاطی به هیئت انتظامی بانک‌ها نیز در دستور کار قرار دارد و اگر ظرف یکسال بانکی نتواند خود را با قوانین و مقررات منطبق کند، هیئت مدیره آن به هیئت انتظامی بانک‌ها معرفی و موارد تنبیهی براساس قانون بر آنها اعمال خواهد شد. این ضوابط در نهایت موفقیت خود را در شش ماه اخیر نشان داده به طوری که متوسط رشد سالانه نقدینگی در این مدت در حدود ۳۰ درصد بوده و این در حالی است که این رقم برای سال‌های ۹۹، ۱۴۰۰ و شش ماه اول ۱۴۰۱ برابر ۳۸ درصد بوده است. رشد سالانه نقدینگی در پایان خرداد ۱۴۰۲ در حدود ۲۹ درصد بوده که پایین‌ترین رقم از دی ماه ۱۳۹۸ بوده و افت ۳۰ درصدی در مقایسه با اعداد مهر و آبان ۱۴۰۰ نشان می‌دهد.

کاهش تسهیلات به معنی افزایش رکود نیست
 مشخص است که کنترل نقدینگی با استفاده از

می‌کند و با سپرده‌های قبلی را افزایش می‌دهد. در کشور ما تفسیر خلق پول در بانک‌ها ۴ مورد است. ۱) وام جدید دادن، ۲) استمهال وام‌های قبلی، ۳) اضافه برداشت بانک مرکزی و ۴) خرید دارایی مانند زمین، مسکن و ارز.

چرا کنترل ترازنامه؟

رویه خلق پول بانک‌ها که مرور شد تا مادامی که سودآور باشد توسط یک بانک ادامه پیدا می‌کند. سودآوری نیز اولاً به محدود بودن و یا نبودن ترازنامه بانک برمی‌گردد که آیا بانک می‌تواند بی‌رویه و بی‌اندازه ترازنامه خود را بزرگ کند و دائماً پول خلق کند. دوما هزینه منابعی که بانک از بانک مرکزی تامین منابع می‌کند نیز بسیار مهم است. در واقع اگر نرخ بهره منابعی که بانک مرکزی در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهد از نرخ بهره‌ای که بانک‌ها بر وام‌های پرداختی خود به افراد اعمال می‌کنند بیشتر باشد، دیگر برای بانک پرداخت وام سود آورد نبوده چرا که در صورت کمبود منابع مجبور به استقراض از بانک مرکزی با نرخ بهره بالاتر است. حال اگر بانک مرکزی در چنین موقعیتی بر یک دوراهی قرار دارد. راه اول راهی است که تا سال ۱۴۰۰ آن را رفته ایم و بانک مرکزی در مقابل خلق پول بانک‌ها به صورت منفعلانه عمل کرده و نهایتاً برخی از شاخص‌های سلامت بانکی مانند کفایت سرمایه را گاه به گاه زیر نظر داشته است و هدف خود را کنترل مقداری پایه پولی قرار داده است. راه دوم اما پذیرش این موضوع است که فعالیت بانک‌ها و حرکت ترازنامه سیستم بانکی باز نمی‌ایستد و کنترل نقدینگی از محل کنترل ترازنامه است که توفیقات بسیار بیشتری برای سیاست‌گذار پولی در بلندمدت حاصل خواهد کرد. در همین مورد یکی از اقدامات مثبت و موثر بانک مرکزی قانونی بود که حدود ۲ سال پیش تصویب و هدف آن کنترل رشد مقداری ترازنامه‌های بانک‌ها بود. بر اساس این قانون رشد ترازنامه برای بانک‌های تجاری ۲ درصد در ماه و برای بانک‌های تخصصی ۲۰۵ درصد در ماه است. بانک مرکزی نیز به صورت ماهانه این امر را رصد می‌کند و بانک‌هایی که این امر را رعایت نکنند، با افزایش سپرده قانونی مواجه می‌شوند. بر اساس اعلام بانک مرکزی آمار و اطلاعات بانک‌ها به صورت ماهانه دریافت و پردازش می‌شود و اگر بانکی مرتکب رشد مقداری ترازنامه در یک ماه بیش از حد مجاز باشد، این فرصت را ندارد که طی دو ماه نسبت به اصلاح روند اقدام کند و در غیر این صورت در پایان هر فصل با اقدامات تنبیهی مواجه خواهد شد. بر

رشد ۴۵ درصدی تسهیلات در سال ۱۴۰۱ و در مقابل رشد ۲۹ درصدی نقدینگی در این سال نشان می‌دهد که علی‌رغم کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها این مهم با تحت فشار گذاشتن تسهیلات مولد انجام نشده و از مسیرهای ضد مولد در حال دستیابی است



در سال جاری
 که شوک جهش
 نرخ ارز اجازه
 نداد که کنترل
 نقدینگی به
 هدف خود
 یعنی کنترل
 تورم دست پیدا
 کند و مشاهده
 شد که نرخ
 تورم در سال
 ۱۴۰۱ در حدود
 ۴۶ درصد و نرخ
 رشد نقدینگی
 ۳۱ درصد بود.
 اما شکی نیست
 که از الان به بعد
 با توجه به ایجاد
 ثبات در قیمت
 دلار می توانیم
 انتظار نزدیک
 شدن تورم به
 رشد سالانه
 نقدینگی را
 داشته باشیم



را انجام داده‌اند، اما آنچه در بازار مشخص است، گلابه مردم و فعالان اقتصادی از دشواری دریافت وام بانکی و تامین مالی از این مسیر است. این موضوع نشان می‌دهد که بخش بزرگی از تسهیلات بانکی با هدف -Gdp trans actions یا همان معاملات در بازار دارایی‌ها داده می‌شود.

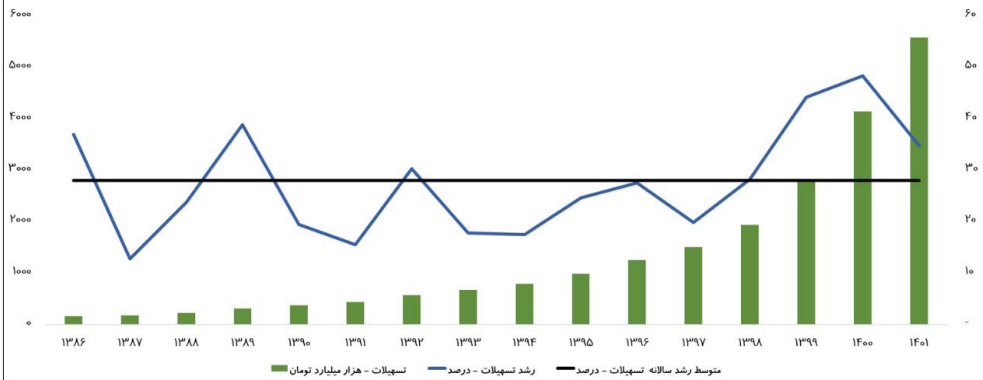
افزایش ۲۵ درصدی پرداخت تسهیلات بانکی

روند تسهیلات در اقتصاد کشور کمک می‌کند تا به این سوال که آیا رکود در کمین است، روشن‌تر و دقیق‌تر پاسخ دهیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اولاً؛ سرعت گردش پول کاسته شده و این مهم نیاز بانک‌ها به منابع را کمتر از قبل کرده و دست‌ان‌ها را برای پرداخت تسهیلات هدفمند باز می‌کند. دوماً؛ کسب و کارها و بنگاه‌ها در چنین شرایط اقتصادی میزانی از جریان نقد را برای خود پیش‌بینی و احتمالاً نگاه‌داری می‌کنند که خود ابزاری برای مقابله با رکود خرد و در سطح بنگاه‌هاست. سوماً؛ بررسی

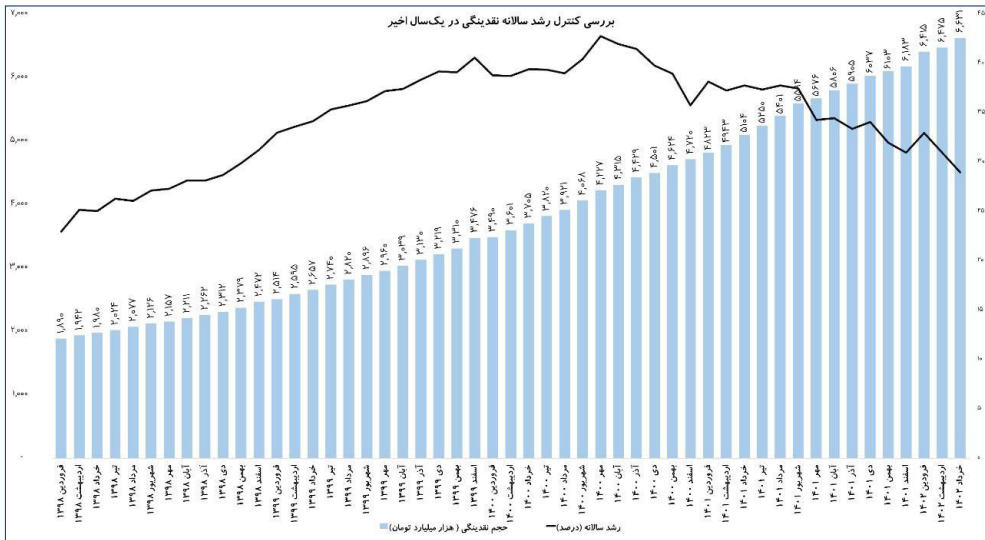
محدودیت ترانزنامه بانک‌ها یک سیاست دائمی نبوده و ادامه موفقیت آن در گرو افت تورم و افزایش تولید است. در سال جاری که شوک جهش نرخ ارز اجازه نداد که کنترل نقدینگی به هدف خود یعنی کنترل تورم دست پیدا کند و مشاهده شد که نرخ تورم در سال ۱۴۰۱ در حدود ۴۶ درصد و نرخ رشد نقدینگی ۳۱ درصد بود. اما شکی نیست که از الان به بعد با توجه به ایجاد ثبات در قیمت دلار می‌توانیم انتظار نزدیک شدن تورم به رشد سالانه نقدینگی را داشته باشیم. بعد از تورم به مسئله رشد تولید خواهیم رسید که تحقق و امکان تحقق آن با توجه به افت جریان نقدینگی مورد تردید برخی از کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است. لازم به توضیح است که کنترل ترانزنامه بانک‌ها هر چند به معنی افت پرداخت تسهیلات از سوی آنهاست، اما به معنی افت کیفیت تسهیلات نخواهد بود. دقت داشته باشید که رقم تسهیلات پرداختی از سوی بانک‌ها چندان اهمیتی در مقابل هدف تسهیلاتی ندارد. در سال‌های اخیر مرتباً اعلام می‌شود که بانک‌ها ۹۰ درصد تامین مالی تولید



عملکرد تسهیلات بانکی و متوسط رشد سالانه آن در اقتصاد کشور طی سال‌های ۱۳۸۶ تا پایان ۱۴۰۱



بررسی کنترل رشد سالانه نقدینگی در یک سال اخیر



ماهه ۱۴۰۱ نیز مجموعاً ۹۲۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده که نسبت به رقم دوره مشابه سال قبل به میزان ۲۵.۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. از کل تسهیلات پرداختی طی دوره مذکور، ۸۵.۲ درصد به صاحبان کسب و کار و ۱۴.۸ درصد به مصرف‌کننده نهایی (خانوار) تعلق داشته است. به طور کلی رشد ۴۵ درصدی تسهیلات در سال ۱۴۰۱ و در مقابل رشد ۲۹ درصدی نقدینگی در این سال نشان می‌دهد که علی‌رغم کنترل مقداری ترانزاکشن بانکی این مهم با تحت فشار گذاشتن تسهیلات مولد انجام نشده و از مسیرهای ضد مولد در حال دستیابی است.

روند مانده تسهیلات در کشور نشان می‌دهد که بانک مرکزی از سیاست هدایت اعتبار غافل نشده و با هدایت بانک‌ها به پرداخت تسهیلات هدفمند باعث شده تا در سال ۱۴۰۱ مجموع مانده تسهیلات پرداختی با رشد ۳۵ درصدی در مقایسه با سال ۱۴۰۰ به بیش از ۵۵۸۳ هزار میلیارد تومان رسیده باشد. این رقم از آن جهت اهمیت دارد که متوسط رشد سالانه تسهیلات در ۱۵ سال اخیر ۲۸ درصد بوده و رشد ۳۵ درصدی آن حکایت از افزایش ۲۵ درصدی این متغیر دارد. ۷۲ درصد از این تسهیلات با هدف «تامین سرمایه در گردش» و ۱۹ درصد آن با هدف «ایجاد کسب و کار» پرداخت شده است. در سه





مصطفی کایا، نماینده مجلس و معاون حزب سعادت ترکیه
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد تشریح کرد

ایجاد چرخه مبادلات لیر-ریال و حذف دلار

- حجم روابط اقتصادی ایران و ترکیه به راحتی می‌تواند به ۱۰ میلیارد دلار برسد
- برای اینکه از تحولات جهانی کمتر تاثیر بپذیریم، ابتدا باید متکی به خود باشیم

۱۵



اقتصاد تازه‌ها

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

ایران و ترکیه
حجم مبادلات
۳۰٫۱ میلیارد دلار
هدف گذاری
کرده اند.
تداوم فعالیت
و استفاده از
سازوکارهای
ایجاد شده برای
دستیابی به این
هدف اهمیت
دارد

ترکیه به عنوان کشور همسایه ایران در چند دهه اخیر فراز و نشیب‌هایی را در اقتصاد خود داشته است. مبارزه با تورم و برخی نابسامانی‌های اقتصادی دیگر همواره در دستور کار دولت‌هایی بوده که در این کشور روی کار آمده‌اند. امروزه نیز مسئله کاهش ارزش تورم در این کشور یکی از مسائلی است که سیاستمدان و اقتصاددانان ترک به ارزیابی آن می‌پردازند. این کشور به تازگی انتخابات ریاست جمهوری را پشت سر گذاشته و مردم ترکیه یکبار دیگر رجب طیب اردوغان را برای این پست انتخاب کرده‌اند. از ترکیه به عنوان کشوری یاد می‌شود که اغلب دچار مشکلات تورمی و همچنین از دست دادن ارزش لیر به عنوان پول ملی این کشور است. با وجود برخی اقدامات دولت‌های قبلی این کشور، اما طبق آمارهای موجود ارزش پول ملی ترکیه که دولت اردوغان تلاش کرده بود با فروش ذخایر خارجی خود از آن محافظت کند، در حال کاهش است. ارزش لیر ترکیه بلافاصله و پس از انتخابات ریاست جمهوری این کشور، به پایین‌ترین سطح در برابر دلار آمریکا رسید و هر دلار ۲۰۰۶ لیر معامله شد. به صورت کلی، ارزش لیر ترکیه در ۵ سال گذشته حدود ۸۰ درصد کاهش داشته است. بسیاری از اقتصاددانان، این اتفاق را ناشی از اقدام دولت اردوغان در کاهش حدود ۵۰ درصدی نرخ‌های بهره بانکی می‌دانند که از سال ۲۰۲۱ به عنوان ابزاری برای کنترل تورم به کار گرفته شده است.

معضل مهم دیگر ترکیه، مواجه بودن با نرخ‌های تورم بالا است به نحوی که طبق آمارهای رسمی از سوی موسسه آمار ترکیه، نرخ تورم سالانه در این کشور در پایان فصل نخست سال ۲۰۲۳، به میزان بیش از ۵۰ درصد بوده است. در این دوره، از مجموع ۱۴۳ ردیف کالایی اصلی در این کشور، نرخ ۱۱۱ کالا افزایش داشته و تنها نرخ ۲۴ کالا و خدمات کاهش داشته است. نکته حائز اهمیت درباره اقتصاد ترکیه، موضوع پیش‌بینی نرخ حدود ۵۰ درصدی انتظارات تورمی است که ۱۲ اقتصاددان مشهور ترکیه‌ای ارائه کرده‌اند. در عین حال، نرخ رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۲۳ میلادی، ۳٫۵ درصد برآورد شده است. برخی پیش‌بینی نرخ تورم کمتر از ۳۸ درصد در این کشور طی سال جاری که بانک مرکزی ترکیه ارائه کرده را خوشبینانه دانسته‌اند. مصطفی کابا، نماینده مجلس و معاون حزب

سعادت ترکیه در خصوص اقتصاد ترکیه، چالش‌ها و اقدامات صورت گرفته در این کشور برای غلبه بر تورم و حفظ ارزش لیر، همچنین ظرفیت‌ها و راهکارهایی که بین دو کشور همسایه ایران و ترکیه برای تقویت مناسبات تجاری وجود دارد، با هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد گفتگو کرده است. کابا معتقد است که پیش‌بینی افزایش حجم تجاری بین ایران و ترکیه به ۳۰ میلیارد دلار، نیازمند تلاش‌های دو جانبه است و باید تمامی فرصت‌های موجود برای استفاده از پول ملی در مبادلات دو جانبه مورد بررسی قرار گیرد. متن زیر حاصل گفتگوی این نماینده مجلس در ترکیه و معاون حزب سعادت این کشور با تازه‌های اقتصاد است.

طبق آخرین آمارها، حجم روابط اقتصادی دو کشور همسایه ایران و ترکیه در سال گذشته میلادی بالغ بر ۶٫۴ میلیارد دلار بود. چقدر ظرفیت برای توسعه همکاری‌های همه جانبه به ویژه اقتصادی بین دو کشور وجود دارد؟

در وهله اول باید این نکته را عنوان کنم که حجم روابط اقتصادی ایران و ترکیه به راحتی می‌تواند به ۱۰ میلیارد دلار برسد. همانطور که می‌دانید هر دو کشور حجم مبادلات را ۳۰ میلیارد دلار هدف‌گذاری کرده‌اند. تداوم فعالیت و استفاده از سازوکارهای ایجاد شده برای دستیابی به این هدف اهمیت دارد. بنابراین جلسات مشترکی که برگزار می‌شوند در صورتی کارایی خواهند داشت که نتایج مثبتی را به بار آورند. به منظور تسهیل روند تجارت، ضروری است که اقداماتی به طور همزمان و هماهنگ انجام پذیرد. معافیت‌های مالیاتی موسوم به موافقتنامه تجارت ترجیحی می‌تواند بر محصولات کشاورزی ایران و کالاهای نساجی ترکیه اعمال شود و دو کشور در این زمینه مبادلات تجاری خوبی را داشته باشند. در عین حال، پیش از هر چیز، تفاهمنامه‌های قبلی منعقد شده میان دو کشور باید به شیوه درستی اجرایی شود، در غیر این صورت برگزاری جلسات متعدد بدون آنکه اقدامی صورت گیرد پس از مدتی به یک روند عادی تبدیل شده و آسیب‌زا خواهد بود.

دو کشور با داشتن ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک و چندین قرن روابط دو جانبه، تا چه میزان





تجاری خواهد داشت.

موضوع حذف دلار از مناسبات اقتصادی و همچنین تبادل با ارزهای محلی یکی از ظرفیت‌های توسعه مبادلات اقتصادی بین دو کشور است. در این زمینه چه نظری دارید و تا چه میزان این اقدام می‌تواند حجم روابط دو کشور را توسعه دهد؟

این موضوع بسیار مهم است. امروزه استفاده از دلار به عنوان ذخیره ارزی کشورها باعث شده است که ایالات متحده فقط با پرداخت هزینه کاغذ و جوهر روند تجارت جهانی را تعیین کند. پروفیسور نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر پنجاه و چهارمین دولت ترکیه، پیشنهاد ایجاد واحد پول مشترک با عنوان «دینار اسلامی» را برای مقابله با این دور باطل مطرح کرده بود. در خصوص استفاده از لیر و ریال در مبادلات تجاری بین ایران و ترکیه، در وهله اول باید تمامی فرصت‌های موجود برای استفاده از پول ملی در مبادلات مورد بررسی قرار گیرد. طبیعتاً نزدیک بودن حجم تجارت کشورها به یکدیگر کمک مثبتی به این روند خواهد کرد، اما باید بدون در نظر گرفتن مقدار آن، بر استفاده از ارزهای ملی با فشاری کرد.

در امر تجارت و همکاری‌های اقتصادی می‌توانند پیشرفت کنند؟ چه بسترها و چالش‌هایی برای افزایش روابط تجاری متقابل وجود دارد؟

در واقع وجود ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک و قدمت روابط دو کشور، زیرساخت مهمی برای توسعه روابط است. اقتصادهای ترکیه و ایران مکمل یکدیگر هستند. به عنوان مثال، ظرفیت ایران در زمینه انرژی و پیشرفت‌های ترکیه در حوزه ماشین‌آلات، تجهیزات و برخی تولیدات فنی، زمینه مهمی را برای همکاری‌های متقابل فراهم می‌کند. اگرچه ایران در معرض تحریم‌های اقتصادی است، اما می‌توان با ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، دو کشور را به سطوح بهتری از همکاری‌ها رساند. همانطور که می‌دانید ترکیه دارای ۳ گذرگاه مرزی با ایران است که گوربولاغ، اسن‌دره و کاپی‌کوی نام دارند. اگر گذرگاه‌های مرزی دو کشور با تمام ظرفیت کار کنند، مبادلات تجاری با جدیت انجام خواهد شد. همچنین احداث مراکز تجاری در گذرگاه‌های مرزی باعث خواهد شد که هم مردم محلی ساکن در این مناطق و هم کل دو کشور از این فرصت بهره‌مند شوند. این امر می‌تواند برای توسعه گردشگری نیز مفید باشد. یقیناً گردشگری نقش مثبتی در روند



دو کشور ترکیه و ایران، حجم روابط اقتصادی خود را به میزان ۳۰ میلیارد دلار هدف گذاری کرده اند، با این حال در شرایط فعلی ایران و ترکیه به راحتی می تواند سطح مبادلات را به ۱۰ میلیارد دلار برسانند

مقابله با تورم در قالب طرح ویژه تثبیت اقتصادی در دستور کار بانک مرکزی ایران قرار دارد. کشور ترکیه در مقابله با تورم های بالا چه تجاربی دارد و چگونه با پدیده تورم مقابله می کند؟

ایران و ترکیه مدل های اقتصادی متفاوتی دارند. در حالی که نقش دولت در اقتصاد ایران پررنگ تر است، ترکیه اقتصاد بازار آزاد را دنبال می کند. بنابراین، استفاده از ابزارهای مشابه در این دو مدل متفاوت ممکن است اثر یکسانی نداشته باشند. در خصوص ترکیه باید گفت که در حال حاضر با تورم به درستی مقابله نمی کند. به عقیده من تنها با توسعه اقتصاد تولیدمحور است که می توان با مسائلی از قبیل تورم و نرخ بهره و مشکلات ارزی مقابله کرد. اگر واحد پول یک کشور بر تولید متکی نباشد، تحت تأثیر افت و خیزهای اقتصادی در جهان قرار خواهد گرفت. بنابراین، توسعه صادرات در عین حمایت از تولید داخلی، اقتصاد پابتابی را به ارمغان خواهد آورد.

چقدر این ظرفیت وجود دارد که بتوان مناسبات و همکاری های بانکی بین دو کشور ایران و ترکیه را افزایش داد؟ چه پیشنهادات ویژه ای را در این زمینه می توانید ارائه کنید؟

به دلیل تحریم هایی که بر علیه بانک های ایرانی صورت گرفته، بانک های خصوصی و یا دولتی ترکیه برای برقراری روابط مشکلاتی را دارند، اما معاملات پایایی می تواند روشی برای برطرف کردن این مشکل باشد. همچنین این روش را می توان در میان کشورهای D8 که ترکیه و ایران نیز عضو آن هستند بررسی و ارزیابی کرد. از سویی، تلاش های دیپلماتیک لازم برای احیای توافق هسته ای که در آن اولویت های ایران به صورت حداکثری حفظ شود، هم مثمرتر خواهد بود.

تا چه اندازه سیاست های نرخ بهره ای بانک مرکزی ترکیه با سیاست های نرخ بهره ای بانک های مرکزی دیگر کشورها، مخصوصا آمریکا، هماهنگ یا متفاوت است؟

یک سیستم جهانی ناعادلانه وجود دارد که علاوه بر دنبال کردن سیاست های منفعت طلبانه، نگاه آن به منطقه و اقتصاد ما منصفانه نیست. در اینجا این سؤال مطرح می شود که چرا وقتی آن

دولت ها در کشورهای خود نرخ بهره را پایین نگه می دارند، در ترکیه و ایران نرخ بهره باید بالا در نظر گرفته شود؟ چرا ما نباید به اقتصادهایی تبدیل شویم که به خود متکی باشند؟ به نظر من اگر به این سؤالات پاسخ ندهیم، کشورهایی تابع خواهیم بود نه پیشگام و تأثیرپذیر خواهیم بود بیش از آنکه تأثیرگذار باشیم.

چگونه مشارکت خصوصی و عمومی در پروژه های زیربنایی و توسعه ای در ترکیه به افزایش تقاضا، تولید و اشتغال کمک می کند و چگونه می توان از این پروژه ها برای کنترل تورم استفاده کرد؟ تا چه اندازه اعتماد و شفافیت را در همراه کردن مردم برای اجرای سیاست های بانک های مرکزی موثر می بینید؟

حوزه های مهمی وجود دارد که بخش خصوصی آن را سرمایه گذاری سودآوری برای خود نمی بیند و وارد آن نمی شود. در جایی که لازم است دولت باید بتواند وارد این حوزه ها شود و حتی شراکت و سرمایه گذاری کند. عنصر کلیدی برای موفقیت یک اقتصاد، اعتماد و شفافیت است. جایی که اعتماد نباشد سرمایه گذاری هم نخواهد بود. در جاهایی که قانون و عدالت به طور کامل اجرا نشود مشکلات اقتصادی از بین نمی روند. در صورت عدم برنامه ریزی صحیح، اقتصاد آستان رشد های موضعی و کاذب خواهد بود که پس از مدتی آسیب خود را نشان خواهد داد. توسعه اقتصاد به صورت افقی در سطح کشور با در نظر گرفتن ظرفیت های هر منطقه می تواند رشد خوبی را به دنبال داشته باشد.

چگونه نظام بانکداری و مالی ترکیه با شرایط نامساعد اقتصاد جهانی و نوسانات بازار مالی دست و پنجه نرم می کند؟

ترکیه در تلاش است که این مسائل را برطرف کند، اما به طور کامل نمی توان گفت که بر این مشکلات فایق آمده است. برای اینکه از تحولات جهانی کمتر تأثیر بپذیریم، ابتدا باید متکی به خود باشیم. کشورهای مثل ترکیه و ایران در کنار یکدیگر می توانند سریع تر به نتیجه برسند. ما ناگزیر هستیم که در عین رقابت، همبستگی را نیز یاد بگیریم. اگر ما نتوانیم این کار را انجام دهیم مشکلات روزه به روزه بیشتر شده و آثار منفی به دنبال خواهد داشت.



چرا ایران در شرایط ابرتورم نیست؟

- ابرتورم، تورمی بسیار بالاست و به صورت سریع، در یک اقتصاد راه می یابد و قابل کنترل نیست، اما اقتصاد ایران در چنین وضعیتی قرار ندارد
- در شرایط ابرتورم مردم شروع به احتکار می کنند و مهم نیست که چه نوع کالایی باشد و در مقابل فروشندگان نیز علاقه ای به فروش ندارند و ترجیح می دهند آنچه را قرار است امروز بفروشند، به فردا موکول کنند



دکتر جمشید دمویی /

استاد اقتصاد و مدیر مرکز بررسی های اقتصادی دانشگاه لوترن کالیفرنیا

ایران یکی از کشورهای جهان است که نسبت درآمدهای مالیاتی آن به تولید ناخالص داخلی در حد بسیار نازلی طی سال های طولانی بوده، به نحوی که درصد درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران ۷ درصد یا حتی زیر ۵ درصد طی سال های متوالی بود

بالاست (حدود ۵۰ درصد به بالا در هر ماه) و به صورت سریع، در یک اقتصاد راه می یابد و قابل کنترل نیست. نمونه های آن را اخیراً می توان در زیمبابوه مشاهده کرد. در شرایط ابرتورم مردم شروع به احتکار می کنند و مهم نیست که چه نوع کالایی باشد و در مقابل فروشندگان نیز علاقه ای به فروش ندارند و ترجیح می دهند آنچه را قرار است امروز بفروشند، به فردا موکول کنند.

راه چاره ابرتورم، ایجاد یک پول جدید است که باید به یک دارایی با ارزش به عنوان مثال طلا یا یک واحد پولی قابل اعتماد وابسته شود. به نظر من شرایط موجود ایران آن را در گروه کشورهایی که در ابرتورم هستند قرار نمی دهد. اینکه آیا ایران به صورت ناگهانی می تواند در ابرتورم غوطه ور شود بعید است. در مورد همه کشورهایی که با ابرتورم مواجه شدند، شرایط اقتصادی در طی سال های متوالی از بد به مراتب بدتر شده است. دولت های مختلف ایران در طی سال های گذشته به دلایل متفاوت، در جهت تأمین کسری بودجه خود به افزایش عرضه پول در اقتصاد ایران متوسل شده اند. ایران یکی از کشورهای جهان است که نسبت درآمدهای مالیاتی آن به تولید ناخالص داخلی در حد بسیار نازلی در طی سال های طولانی بوده است به نحوی که درصد درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران ۷ درصد یا حتی زیر ۵ درصد طی سال های متوالی بوده و اگر آن را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم، ایران به صورت مشخص در گروه کشورهایی است که برای تأمین بودجه خود به درآمدهای غیر مالیاتی از جمله درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز متوسل می شود. سیستم های مالی و بانکی ایران نیازمند دوباره سازی است. اصلاح نظام بانکی خود یکی از اقدامات برای ترمیم و دوباره سازی ساختار اقتصاد ایران است.

دلایل پیدایش تورم را به دو دسته از عوامل اقتصادی ارتباط می دهند که عبارتند از عوامل ناشی از افزایش تقاضا یا فشار تقاضا و افزایش هزینه تولید که به آن فشار هزینه تولید می گویند. در مورد افزایش تقاضا، جان کلام در این است که تورم بر پایه نابرابری در مورد میزان پول در گردش و میزان کالاها و خدمات موجود در اقتصاد به وجود می آید. ایران در شرایط حاضر از مشکل تورم مزمن رنج می برد. من آمار تاریخی تورم در ایران را از منابع بانک جهانی برای ۶۳ سال گذشته از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار دادم که نشان داد در ۶ دوره ۱۰ ساله، نرخ تورم در ایران دستخوش تغییراتی شده است.

در حال حاضر، کشورهای زیادی با تورم مواجه هستند و همانطور که قبلاً به آن اشاره کردم، ریشه های تورم را باید در فشار تقاضا و یا افزایش هزینه تولید جستجو کرد که گاه دلایل تورم ناشی از هر دو این شرایط است. با جنگ روسیه و اوکراین، قیمت نفت و گاز به شدت صعود کرد و در این میان شرکت های نفتی نیز از آب گل آلود ماهی گرفتند و به قیمت های خود افزودند و در مقابل سودهای سرسام آور به دست آوردند.

بیشتر کشورهای غربی برای باورند که تنها راه چاره تورم کاهش عرضه پول است و در واقع همیشه برای باور هستند که به تورم باید همواره به صورت یک پدیده پولی نگریست. از اینرو در اغلب این کشورها متوجه آن هستیم که نرخ بهره افزایش یافته و بانک های مرکزی از این روش به مبارزه تورم رفته اند. شکی نیست که کاهش عرضه پول از طریق افزایش بهره بانکی، منجر به افت تولید و ایجاد بیکاری خواهد شد، ولی این اقتصادها بر این باورند که کاهش تورم بر ایجاد بیکاری و کاهش تولید اولویت دارد. اما درباره ابرتورم باید گفت که ابرتورم، تورمی بسیار



نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری انتظارات تورمی

● پوشش اخبار پد اقتصادی همراه با لحن بد به طور
معناداری انتظارات تورمی را افزایش می‌دهد

مایکل لاملا /

دانشگاه اکسس کولچستر انگلستان



طی دهه‌های گذشته بسیاری از مطالعات اقتصادی، مدل انتظارات عقلایی با وجود اطلاعات کامل را به چالش کشیده و به شدت آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند. نتایج این مطالعات، محققان را تشویق می‌کند که بر فرآیند شکل‌گیری انتظارات متمرکز شوند. زیرا که این فرآیند، پیامدهای مهمی برای متغیرهای کلان اقتصادی خواهد داشت. از این رو مقاله حاضر تلاش می‌کند تا واکنش مصرف‌کنندگان به اطلاعاتی که رسانه‌ها ارائه می‌کنند را بررسی و تحلیل نماید. در این بین یکی از عواملی که نه تنها متضمن ثبات قیمت‌هاست و برای ثبات کلی اقتصاد نیز ضروری است؛ انتظارات تورمی و مدیریت انتظارات تورمی است. به نحوی که سیاست‌گذاران پولی، مدیریت انتظارات تورمی مصرف‌کنندگان را جز مهم‌ترین وظایف کاری خود قلمداد می‌کنند.

با توجه وجود شواهد بسیاری مبنی بر اینکه توانایی افراد برای پردازش اطلاعات محدود است؛ در سال‌های اخیر محققان بر توسعه مدل‌های شکل‌گیری انتظارات با اطلاعات ناقص تمرکز کرده و نقش شکل‌گیری عاملان اقتصادی را در تاثیرگذاری بر شرایط کلان اقتصاد را در این مدل‌ها بررسی کرده‌اند. با وجود این علاقه‌مندی در میان محققان، همچنان شواهد تجربی در مورد چگونگی شکل‌گیری انتظارات و نقش رسانه در ارتباط با آن کمیاب است.

بنابراین این مقاله سعی دارد رابطه و نقش رسانه‌های خبری را در شکل‌گیری انتظارات تورمی مصرف‌کنندگان را بررسی نماید. در ادبیات اقتصادی موجود، رسانه‌ها از این طریق با شکل‌گیری انتظارات مرتبط می‌شوند که عموم افراد یک جامعه، اطلاعات اقتصادی خود را از گزارش‌های خبری که در تلویزیون و روزنامه‌ها انتشار پیدا می‌کنند؛ به دست می‌آورند.

اثربخشی رسانه تنها به همین مورد خلاصه نمی‌شود و مطالعاتی نظیر مطالعه دل‌وینگ و کاپلان (۲۰۰۷) نشان داد که رسانه‌ها حتی بر رفتار مردم هنگام رای دهی نیز اثرگذار هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده از گزارش‌های خبری به عنوان یک منبع اطلاعات اقتصادی، انتخابی

منطقی برای مصرف‌کنندگان است. زیرا که این گزارش‌ها روشی کم هزینه برای کسب اطلاعات برای مصرف‌کنندگان قلمداد می‌شود. همچنین یکی از فروض اصلی که در مدل‌سازی رابطه میان رسانه و انتظارات تورمی وجود دارد؛ این است که اطلاعات رسانه‌های خبری از نوع اطلاعات چسبنده هستند.

به این معنی که در هنگام انتشار اطلاعات در رسانه‌های خبری، این اطلاعات تنها توسط بخشی از افراد جامعه دریافت، پردازش و مدل‌سازی می‌شود. سپس این اطلاعات در دوره‌های آتی در میان دیگر افراد جامعه پخش خواهد شد. بنابراین در اینگونه مدل‌ها هرچه گزارش‌های اقتصادی انتشار یافته در رسانه‌ها بیشتر باشد به موازات آن می‌توان انتظار داشت که پیش‌بینی‌های تورم توسط افراد جامعه نیز دقیق‌تر خواهد بود. علاوه بر موارد مطرح شده نیز مطالعه کارول (۲۰۰۳) نشان داد که در چارچوب این مدل‌ها، پوشش رسانه‌ای دارای دوائر خواهد بود.

نخست اینکه هر چه انتشار اطلاعات در رسانه‌های خبری افزایش یابد؛ احتمال دریافت و جذب اطلاعات جدید توسط افراد یک جامعه نیز بیشتر خواهد شد و مورد دوم نیز محتوای اخبار اقتصادی است. زیرا که محتوای اخبار اقتصادی تعیین خواهد کرد که افراد یک جامعه چه سیگنالی از اخبار اقتصادی دریافت کنند. بنابراین انتشار گزارش‌های اقتصادی در رسانه‌ها به افراد یک جامعه کمک خواهد کرد تا علاوه بر گسترش مجموعه اطلاعاتی خود، این مجموعه را نیز به روز رسانی نمایند. اما نکته‌ای که در این خصوص باید به آن توجه شود این است که مورد گفته شده تنها زمانی صادق خواهد بود که رسانه در پوشش اخبار اقتصادی با رعایت جوانب اخلاقی از رویکرد کاملاً بی‌طرفی برخوردار باشد و در غیر اینصورت، اگر گزارش‌های اقتصادی با لحنی نامطلوب در رسانه‌ها پوشش پیدا کند؛ شکل‌گیری انتظارات افراد نیز مختل خواهد شد.

پس از بحث در مورد کلیاتی از مقاله اکنون به توصیف داده‌های مقاله خواهیم پرداخت. در این مقاله برای بخش رسانه از داده‌های موسسه تحقیقاتی Mediatenor استفاده شده است. داده‌های رسانه موجود در این موسسه متمرکز بر اخبار اقتصادی انتشار یافته در روزنامه‌ها، مجلات اقتصادی و تلویزیون در بازه زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ برای کشور آلمان است.

رسانه در پوشش اخبار اقتصادی با رعایت جوانب اخلاقی باید از رویکرد کاملاً بی‌طرفی برخوردار باشد و در غیر اینصورت، اگر گزارش‌های اقتصادی با لحنی نامطلوب در رسانه‌ها پوشش داده شود؛ شکل‌گیری انتظارات افراد نیز مختل خواهد شد



شواهد نشان می‌دهد که در پوشش اخبار بد اقتصادی ممکن است برخی از تحولات اقتصادی به صورت اغراق آمیزی گزارش شوند و در نتیجه انتظارات تورمی مصرف‌کنندگان مفرضانه خواهد بود

داده‌های مربوط به انتظارات تورمی مصرف‌کنندگان از نظرسنجی ماهانه کسب و کار کمسیون اروپا گرفته شده است که در آن به صورت ماهانه از ۲۰۰۰ شهروند آلمانی پرسیده می‌شود که در ۱۲ ماه آینده انتظار دارند؛ قیمت‌ها افزایش، کاهش یا بدون تغییر خواهد ماند.

داده‌های کیفی این نظرسنجی با استفاده از رویکرد کارلسون و پارکین (۱۹۷۵) کمی سازی شده است. در این مقاله فرض شده است که پوشش اخبار اقتصادی در مورد افزایش یا کاهش تورم همراه با لحن خوب و بد همراه است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که پوشش اخبار بد اقتصادی همراه با لحن بد به طور معناداری انتظارات تورمی را افزایش داده است. از طرفی دیگر پوشش اخبار خوب اقتصادی از لحاظ آماری تأثیر معناداری بر انتظارات تورمی نداشته است. این دو یافته نشان می‌دهد که انتظارات تورمی نسبت به پوشش اخبار خوب و بد اقتصادی پاسخ نامتقارنی داشته است.

همچنین شواهد نشان می‌دهد که در پوشش اخبار بد اقتصادی ممکن است برخی از تحولات اقتصادی به صورت اغراق آمیزی گزارش شوند و در نتیجه انتظارات تورمی مصرف‌کنندگان مفرضانه خواهد بود. در خصوص گزارشاتی که دارای لحن خنثی هستند نیز اینگونه استدلال خواهد شد که این گزارشات از محتوای آموزشی برخوردار هستند.

علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که افزایش حجم انتشار گزارش‌های اقتصادی در رسانه‌ها، انتظارات تورمی را کاهش و دقت پیش‌بینی تورم را بهبود خواهد داد. در خصوص این یافته نیز اینگونه استدلال خواهد شد که با توجه به مدل نظری مقاله، پیش‌بینی تورم توسط افراد جامعه تحت تأثیر سوگیری رسانه‌ای قرار دارد و رسانه نقشی بی‌بدیلی در شکل‌گیری انتظارات خواهد داشت.

همچنین با فرض اینکه رسانه‌ها در پوشش اخبار اقتصادی رویکرد بی‌طرفی دارا هستند؛ افراد جامعه به اخبار بد اقتصادی نسبت به اخبار خوب اقتصادی بیش از حد واکنش نشان خواهند داد. در نهایت نتایج مقاله حاضر به صورت کلی نشان داد که حجم و محتوای گزارش رسانه‌ها در فرآیند شکل‌گیری انتظارات، هم‌از نظر آماری و هم‌از نظر اقتصادی تأیید می‌شود. در پایان و با توجه به نتایج گفته شده می‌توان عنوان نمود که تأثیراتی که رسانه‌ها بر انتظارات دارند واقعی بوده و افزایش انتظارات از توانایی مختل نمودن سیاست پولی برخوردار است.

این درحالی است که اگر بر جنبه مثبت نقش رسانه متمرکز شویم؛ پوشش اخبار اقتصادی بیشتر در رسانه‌ها به شکل‌گیری انتظارات تورمی بر مبنای منطق کمک خواهد کرد و با درک عموم افراد جامعه از سیاست‌های ضد تورمی، هزینه‌های مربوط به کاهش تورم کاهش خواهد یافت و ارتباطات بانک مرکزی تسهیل خواهد شد.



نقش انتظارات در سیاست‌های تثبیت

● کاهش انتظارات تورمی آینده می‌تواند به کاهش نرخ کنونی تورم منجر شود

ماریان باکستر /

دانشگاه کالیفرنیا



۲۳



اقتصاد پژوهش

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

سیاست به عنوان احتمال انتزاعی پیگیری یک قاعده سیاسی اصلاحی توسط دولت تعریف می‌شود. باورپذیری یک اصلاح در سیاست‌های پولی یا ارزی تابعی از پارامترهای هر دو سیاست پولی و مالی به شمار می‌رود. این نظریه در مورد اصلاحات ارزی آخر دهه ۱۹۷۰ در شیلی و آرژانتین کاربرد دارد.

این مقاله یک نظریه از فرایندی را بسط می‌دهد و می‌آزماید که در آن کارگزاران خصوصی در یک اقتصاد انتظارات مربوط به سیاست دولتی را شکل می‌دهند. کارگزاران دیدگاه‌های خود درباره وضعیت واقعی سیاست دولتی را در یک روش بیزی (Bayesian) شکل می‌دهند و آن را به روزرسانی می‌کنند. باورپذیری یک

سیاست تثبیت در شیلی موفقیت آمیز بود. پس از ۱۹ ماه کاهش سرعت رشد تورم، شیلی نرخ ارز را ثابت کرد. این نرخ به مدت سه سال ثابت ماند و پس از آن شیلی به نظام شناور مدیریت شده بازگشت

مقدمه

این حقیقت که باورپذیری اهمیت زیادی برای نتایج یک سیاست دارد بر کسی پوشیده نیست. سیاست‌گذارانی که قصد دارند سیاست‌های تثبیت را با هدف کاهش نرخ تورم به اجرا بگذارند معمولاً اعلامیه‌هایی عمومی را در این راستا انتشار می‌دهند. هدف آنها آن است که انتظارات تورمی آینده را کاهش دهند و بدین ترتیب هزینه‌های واقعی فرآیند کاهش تورم را پایین آورند. مشخص شده است که کاهش انتظارات تورمی آینده می‌تواند به کاهش نرخ کنونی تورم منجر شود. به عنوان مثال، این امر از طریق گنجاندن کاهش انتظارات تورمی در توافقات کنونی دستمزد و قیمت اتفاق می‌افتد. بنابراین، اگر اعلامیه‌ها بتوانند بر انتظارات تورمی آینده تأثیر بگذارند اثرات کاهش تورمی در سیاست تثبیت را تقویت خواهند کرد.

اما کارگزاران عقلایی به چیزی بیشتر از اعلامیه‌های اصلاحات نیاز دارند تا بپذیرند که باید در انتظاراتشان درباره سیاست‌های آینده دولت و نرخ‌های آینده تورم بازبینی کنند. آنها همچنین از تمامی اطلاعات موجود درباره سیاست‌های حال و گذشته دولت استفاده می‌کنند تا این احتمال را ارزیابی نمایند که اصلاحات به آن گونه که اعلام شده است قابل اجرا خواهد بود. با این وجود، پژوهش‌های اندکی به موضوع مدل‌سازی یا اندازه‌گیری تجربی باورپذیری سیاست‌های اقتصاد کلان اختصاص یافته‌اند.

این مقاله مدلی را برای اندازه‌گیری باورپذیری یک اقدام اصلاحی سیاستی اعلام شده معرفی و اجرا می‌کند. کارگزاران در اقتصاد از قواعد سیاستی دولت آگاه می‌شوند و با استفاده از تکنیک‌های بیزی این احتمال را ارزیابی می‌کنند که این قواعد به مجموعه‌ای از قواعد اصلاحی تعلق داشته باشند. بنابراین، باورپذیری را به عنوان احتمال انتزاعی اجرای واقعی یک اصلاح به آن گونه که توسط کارگزاران در یک اقتصاد ارزیابی شده است، تعریف می‌کنیم.

این تعریف از باورپذیری از جنبه عمومی کافی است تا بتوان آن را در هر سیاست اقتصادی بکار برد و به عنوان روشی برای محاسبه واقعی باورپذیری قلمداد کرد. با این وجود، تمرکز اصلی این مقاله بر ارزیابی باورپذیری سیاست‌هایی است که قصد دارند تورم را از طریق سیاست پولی انقباضی کاهش دهند. معیارهای تجربی باورپذیری برای اصلاحات اخیر در شیلی و آرژانتین ساخته شده‌اند تا این

فرضیه را بررسی نمایند که باورپذیری نقش مهمی در تعیین نتایج این اصلاحات دارد.

تجربیات اخیر شیلی و آرژانتین

در اواخر دهه ۱۹۷۰ هر دو کشور شیلی و آرژانتین با مشکل دوگانه ابرتورم و کسری شدید مواجهه شدند که تا مابین مالی آن بر عهده بانک مرکزی بود. در نتیجه، هر دو کشور اعلام کردند سیاست‌های تثبیت گسترده‌ای را در پیش می‌گیرند که در هر مورد سنگ زبربنایی آن یک جدول نرخ ارز از پیش اعلام شده بود. هدف آن بود که از طریق اعلام پیشاپیش مسیر نرخ ارز که در آن نرخ به تدریج کاهش می‌یافت انتظارات تورمی شکسته شود. امید می‌رفت که با رعایت موفق نرخ‌های ارز اعلام شده، اعتماد به اصلاحات ماه به ماه افزایش یابد و این افزایش اعتماد به اصلاحات خود را به عنوان مزیتی به شکل کاهش انتظارات تورمی نشان دهد و متعاقب آن نرخ تورم کاهش یابد.

سیاست تثبیت در شیلی موفقیت‌آمیز بود. پس از ۱۹ ماه کاهش سرعت رشد تورم، شیلی نرخ ارز را ثابت کرد. این نرخ به مدت سه سال ثابت ماند و پس از آن شیلی به نظام شناور مدیریت شده بازگشت. البته اکنون تورم در حال افزایش است و بیکاری هنوز مشکلی جدی به شمار می‌رود و چنین برآورد می‌شود که نرخ بیکاری ۲۵ درصد باشد.

در آرژانتین این سیاست از همان ابتدا موفقیت کمتری داشت. افزایش ۱۰ درصدی نرخ ارز که بدون برنامه و حدود دو سال پس از آغاز اصلاحات اتفاق افتاد، اعتماد عمومی به تعهد دولت به اجرای سیاست را خدشه‌دار ساخت و باعث شد مردم به ذخایر آرژانتین هجوم آورند. به دنبال آن افزایش بیشتر نرخ ارز و خروج سرمایه اتفاق افتاد. در زمان حال آرژانتین از یک نظام نرخ شناور مدیریت شده پیروی می‌کند، در حالی که کسری بودجه و نرخ تورم از سطوح خود در زمان اجرای سیاست تثبیت فراتر رفته‌اند.

چگونه این دو سیاست ظاهراً مشابه نتایج متفاوتی داشتند؟ بخشی از پاسخ را می‌توان به این حقیقت مرتبط دانست که شیلی حدود ۳ سال قبل از اعلام جدول نرخ ارز اصلاحاتی مالی را به اجرا گذاشته و به میزان زیادی نرخ رشد عرضه پول را کاهش داده بود. اما در آرژانتین کسری بودجه در سراسر دوره اصلاحات به میزان حدوداً پنج درصد تولید ناخالص ملی باقی مانده بود. همگان بر این باورند که کسری



با گذشت زمان، افراد اطلاعات مربوط به تحقق متغیرهای سیاستی را در پیش بینی‌های خود از مسیر آینده سیاست لحاظ می‌کنند. یعنی کارگزاران تحقق سیاست را با پیش زمینه خود ترکیب می‌کنند تا یک توزیع گذشته‌نگراز پارامترهای سیاست بسازند که برای

پیش بینی کردن سیاست آینده به کار می‌رود



موضوع باورپذیری به میان می‌آید چرا که مدلی که انتظارات را در بر می‌گیرد را نمی‌توان بدون تعیین دقیق چگونگی شکل‌گیری این انتظارات حل کرد.

این مسئله را در نظر بگیرید که چگونه در زمان اعلام یک تغییر یا اصلاح در یک سیاست دولت، کارگزاران تصمیم می‌گیرند که آیا بپذیرند اصلاحات واقعاً انجام خواهد شد یا خیر. در زمانی که اصلاحات اعلام می‌شوند افراد فقط مسیر گذشته دولت را در اختیار دارند و بر اساس آن انتظارات خود از مسیر واقعی آینده سیاست را شکل می‌دهند. به زبان نظریه آماری بیزی، افراد پیش‌زمینه‌ای در مورد پارامترهای قواعد سیاستی دولت دارند. با گذشت زمان، افراد اطلاعات مربوط به تحقق متغیرهای سیاستی را در پیش‌بینی‌های خود از مسیر آینده سیاست لحاظ می‌کنند. یعنی کارگزاران تحقق سیاست را با پیش‌زمینه خود ترکیب می‌کنند تا یک توزیع گذشته‌نگر از پارامترهای سیاست بسازند که برای پیش‌بینی کردن سیاست آینده به کار می‌رود.

برطبق تعریف، باورپذیری یک اقدام اصلاحی یک احتمال گذشته‌نگرانه از تبعیت دولت از قاعده سیاستی اصلاحی اعلام شده خواهد بود.

شدید بودجه به باورپذیری اصلاحات آسیب زد، چرا که نمی‌توان با یک نرخ ارز ثابت و سطوح پایین رشد پولی و تورم ناشی از آن برای دولت سود کافی ایجاد کرد تا بتواند تامین مالی کسری شدید را انجام دهد.

این مقاله مدلی را ارائه می‌دهد که بر پیوند بین سیاست‌های پولی و مالی و اهمیت انتظارات در این دوره‌ها تأکید دارد. یکی از کاربردهای نظریه مطرح شده در این مقاله آن است که کارگزاران عقلایی به چیزی فراتر از نرخ ارز و به بسته کامل سیاست‌های دولتی شامل سیاست‌های پولی و مالی نگاه می‌کنند. نتایج تجربی نشان می‌دهند که تفاوت نتایج اصلاحات در شیلی و آرژانتین را تا حدی می‌توان با توجه به این حقیقت توضیح داد که اصلاحات در شیلی باورپذیر بودند در حالی که اصلاحات آرژانتین چنین خصوصیتی نداشتند.

نظریه باورپذیری

کاربرد فرضیه انتظارات عقلایی در تحلیل سیاست اقتصاد کلان، اندیشه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران درباره سیاست و اثرات آن را متحول ساخت. به طور خاص اکنون به مدل‌سازی واکنش افراد نسبت به تغییرات سیاست توجه بیشتری می‌شود. به این ترتیب





کنترل انتظارات عوامل و راهکارها

- رسانه‌ها به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کنند تا نسبت به وضعیت فعلی اقتصاد آگاه شوند و انتظارات خود را بر اساس اطلاعات جدید تطبیق دهند
- ارتباطات موثر بین دولت و رسانه‌های یکی از راهکارهای مهم برای کنترل انتظارات اقتصادی است

دکتر سید فرهاد موحدی /

پژوهشگر اقتصادی



تحولات اقتصادی می‌شوند. در واقع مقوله انتظارات در اقتصاد یک کشور، همانند جهت‌دهنده یک قطار در ریل‌های اقتصادی است که تعیین می‌کند این قطار به کدام سمت حرکت می‌کند.

بی‌شک وضعیت اقتصاد یک جامعه بر پایه تصمیمات متعدد افراد و سیاست‌گذاران آن کشور استوار است. بسیاری از اوقات این تصمیمات تحت تاثیر انتظارات آینده قرار می‌گیرند و باعث شکل‌گیری پدیده‌ها و

۲۶



انتظارات

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

امروزه انتظارات نقش بسیار مهمی در تعیین شرایط اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. انتظارات مردم در خصوص آینده اقتصادی می‌تواند باعث ایجاد تغییرات مثبت یا منفی در رفتارهای مصرفی و تصمیمات سرمایه‌گذاری آنها شود.

به طور عمومی انتظارات اقتصادی به مجموعه نظرات و پیش‌بینی‌های افراد، سازمان‌ها و دولت در مورد وضعیت اقتصادی آینده گفته می‌شود. این انتظارات تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای اقتصادی خواهند داشت و می‌توانند عوامل موثری در تعیین سرنوشت اقتصاد یک کشور باشند. برای مثال، اگر افراد انتظار داشته باشند که قیمت‌ها در آینده بالا بروند، به طور عمومی تمایل خواهند داشت که در حال حاضر بیشتر خرید کرده و پس‌انداز کمتری داشته باشند تا در آینده مجبور به پرداخت مبالغ بالاتری برای خریدهای خود نباشند. لذا این رفتار منجر به افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات شده و فشار برای افزایش قیمت‌ها را به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر، انتظارات ناسازگار با واقعیت می‌توانند به خودی خود تحقق‌پذیر شده و منجر به شوک‌های اقتصادی شوند.

انتظارات اقتصادی توسط مجموعه عوامل متعددی شکل می‌گیرند. هریک از این عوامل به شکل خاصی بر تصویر ذهنی افراد از آینده اقتصادی اثر می‌گذراند و این تصویر ذهنی در نهایت رفتارهای اقتصادی آن‌ها را هدایت می‌کند.

از این رو، اهمیت این موضوع در جوامع امروزی به حدی رسیده است که نادیده گرفتن آن می‌تواند منجر به بروز نتایج اقتصادی نامطلوب شود. در اینجا سعی داریم تا به بررسی عوامل موثر بر انتظارات اقتصادی و راهکارهای کنترل آن‌ها جهت بهبود شرایط اقتصادی بپردازیم.

عوامل موثر بر انتظارات اقتصادی

از آنجا که انتظارات اقتصادی، نقش مهمی در تعیین رفتارهای مصرفی، مالی، سرمایه‌گذاری و حتی رفتارهای کلان اقتصادی دارند، لذا بررسی و درک عواملی که به شکل‌گیری این انتظارات منجر می‌شوند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

این عوامل می‌توانند بسیار گوناگون بوده و از بخش‌های مختلف اقتصادی و حتی غیراقتصادی نیز نشأت گرفته باشند. در عین حال، هریک از این عوامل می‌توانند از کانال‌های مختلفی بر انتظارات

افراد اثرگذار باشند. در این بخش، به بررسی برخی از این عوامل خواهیم پرداخت تا برای خوانندگان تصویر واضح‌تری از نحوه شکل‌گیری انتظارات و چگونگی تأثیر آنها بر رفتارهای اقتصادی جامعه ترسیم کنیم.

● **اطلاعات اقتصادی:** داده‌ها و اطلاعات مربوط به شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشد اقتصادی و غیره، از جمله اولین و مهم‌ترین عوامل موثر بر انتظارات اقتصادی هستند. اطلاعات موجود می‌تواند به عنوان یک پایه مهم و اساسی برای پیش‌بینی رفتارهای آینده اقتصادی عمل کنند.

در واقع این اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان اقتصادی چیزی بیش از داده‌های آماری هستند؛ این اطلاعات عملاً به عنوان «سیگنال‌هایی» در نظر گرفته می‌شوند که به افراد، شرکت‌ها و سیاست‌گذاران کمک کرده تا در خصوص آینده تصمیم‌گیری نمایند. به عنوان مثال، اگر نرخ تورم بالا برود، می‌تواند بیانگر آن باشد که ارزش پول ملی در حال کاهش است. لذا ممکن است سرمایه‌گذاران را ترغیب کند تا به دنبال خرید دارایی‌هایی بروند که ارزش آن‌ها در برابر تورم حفظ می‌شود.

به همین ترتیب، اگر رشد اقتصادی در حال کاهش باشد، می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از بروز یک رکود اقتصادی قلمداد شده و تصمیم‌گیری شرکت‌ها را به نحوی شکل دهد تا در مورد استخدام یا سرمایه‌گذاری‌های جدید خود صبر کنند.

از این رو، به دلیل اهمیت بسیار زیاد این داده‌ها و اطلاعات اقتصادی، غالباً بانک‌های مرکزی و دیگر سازمان‌های دولتی سعی می‌کنند تا به طور منظم این اطلاعات را منتشر کرده و به صورت شفاف با بازارها ارتباط برقرار کنند.

● **سیاست‌های دولتی:** سیاست‌های مالی و پولی که دولت‌ها اعمال می‌کنند، به عنوان یکی دیگر از عوامل موثر بر انتظارات اقتصادی شناخته می‌شوند. سیاست‌هایی که به تعادل اقتصادی کمک کنند، می‌توانند انتظارات مثبتی در مورد آینده اقتصادی ایجاد کنند. در مقابل، سیاست‌های غلط می‌توانند باعث بی‌ثباتی و ناامیدی در مورد آینده اقتصادی شوند. برای مثال، سیاست‌های مالی و پولی متعادل و پایدار می‌توانند سبب کاهش تورم، افزایش اشتغال و تقویت رشد اقتصادی شوند. در عین حال، سیاست‌های غلط یا نامناسب می‌توانند منجر به ایجاد ناپایداری، افزایش تورم و بیکاری و کاهش اعتماد به آینده اقتصادی شوند. لذا برای سیاست‌گذاران بسیار با اهمیت خواهد بود که بتوانند سیاست‌های خود را به صورت شفاف

سیاست‌هایی که به تعادل اقتصادی کمک کنند، می‌توانند انتظارات مثبتی در مورد آینده اقتصادی ایجاد کنند



نحوه نشر اخبار و گزارش‌های اقتصادی توسط رسانه‌ها می‌تواند تأثیر مهمی بر انتظارات مردم در جامعه داشته باشد. اخبار مثبت می‌تواند به افزایش اعتماد به آینده اقتصادی منجر شوند، در حالی که اخبار منفی ممکن است باعث نگرانی و بی‌ثباتی شوند

و بر اساس اطلاعات اقتصادی دقیق و به روز تنظیم کنند.

● **اخبار و رسانه‌ها:** نحوه نشر اخبار و گزارش‌های اقتصادی توسط رسانه‌ها می‌تواند تأثیر مهمی بر انتظارات مردم در جامعه داشته باشد. اخبار مثبت می‌تواند به افزایش اعتماد به آینده اقتصادی منجر شوند، در حالی که اخبار منفی ممکن است باعث نگرانی و بی‌ثباتی شوند.

رسانه‌ها به طور معمول اخبار و گزارش‌های مهم اقتصادی، نظیر انواع سیاست‌ها و یا داده‌های مربوط به تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و ... را منعکس می‌کنند. همچنین تحلیل کارشناسان و متخصصان اقتصادی نیز از دیگر مواردی است که توسط رسانه‌ها منتشر می‌شود. این گزارش‌ها و تحلیل‌ها می‌تواند تصویر شفاف‌تری از وضعیت فعلی اقتصاد نشان داده و بینش‌های عمیق‌تری را در مورد پتانسیل‌ها و وضعیت اقتصادی آینده ارائه دهند. لذا می‌تواند در شکل‌گیری انتظارات اقتصادی جامعه نقش بسزایی داشته باشند.

در عین حال، اخبار غیراقتصادی نیز می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر انتظارات اقتصادی داشته باشد. برای مثال، اخبار مربوط به تنش‌های سیاسی، جنگ‌ها، بحران‌های بهداشتی (مانند همه‌گیری‌ها)، یا تغییرات در سیاست‌های دولتی و ... می‌تواند به واکنش بازارها منجر شده و انتظارات را تغییر دهند. بطور کلی، رسانه‌ها به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کنند تا نسبت به وضعیت فعلی اقتصاد آگاه شوند و انتظارات خود را بر اساس اطلاعات جدید تطبیق دهند.

با این حال، توجه به این نکته نیز بسیار حائز اهمیت خواهد بود که ممکن است برخی از رسانه‌ها دارای جهت‌گیری‌های به خصوصی بوده و اخبار را به گونه‌ای تفسیر کنند که مناسب ترجیحات خاصی از مخاطبان باشند. در واقع این رسانه‌ها به جای گزارش صادقانه و بی‌طرفانه اخبار، آن‌ها را به گونه‌ای منعکس می‌کنند که منافع خود یا گروه خاصی را حفظ و تأمین کند. به عنوان مثال، بعضی رسانه‌ها ممکن است از حزب یا جریان سیاسی خاصی پشتیبانی کنند و یا از سوی نهاد به خصوصی تأمین مالی شوند. لذا اخبار را به نفع آن‌ها تحریف کرده و انتظارات جامعه را از واقعیت‌ها موجود دور می‌کنند. همچنین، بعضی از رسانه‌ها ممکن است به دلایل اقتصادی یا تبلیغاتی و به منظور جذب مخاطب بیشتر، اخبار را به نحوی ارائه دهند که به تهییج مخاطبان منجر شود. برای مثال، بعضی از رسانه‌ها ممکن است برخی اخبار ساده را با بیانی ترسناک یا هیجان‌انگیز ارائه دهند تا مخاطبان را نگران یا کنجکاو نموده و بازدید خبری بیشتری

دریافت کنند. از این رو، همیشه لازم است که فعالان اقتصادی منابع اطلاعاتی خود را نقد و بررسی کرده و چندین منبع خبری مختلف را برای شکل دادن به انتظارات خود مورد استفاده قرار دهند.

● **روابط بین‌المللی و جهانی:** روابط بین‌المللی و تغییرات جهانی به شدت می‌تواند بر انتظارات اقتصادی افراد در یک کشور تأثیر گذار باشند. به عنوان مثال، وقتی تعرفه‌های تجاری تغییر می‌کند یا تقاضای جهانی برای محصولات یک کشور افزایش می‌یابد، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی آن کشور و انتظارات مردم آن داشته باشد.

علاوه بر این، جریان سرمایه بین‌المللی، از جمله سرمایه‌گذاری‌های خارجی، می‌تواند بر ارزش پول ملی، نرخ بهره و بازار سهام تأثیر گذار باشد. همچنین، تصمیمات سیاسی، مانند تغییرات در سیاست‌های دولتی یا تنش‌های ژئوپلیتیکی، می‌تواند به شکل قابل توجهی بر انتظارات اقتصادی تأثیر گذاشته و به بروز نااطمینانی در کشور منتهی شود. علاوه بر این، کشورهایی که عضو اتحادیه‌های اقتصادی یا سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی هستند، نیز می‌تواند تحت تأثیر قوانین و مقررات این سازمان‌ها قرار بگیرند، که این موضوع نیز می‌تواند بر انتظارات اقتصادی آن‌ها تأثیر گذار باشد. همچنین، رویدادهای بزرگ و جهانی مانند همه‌گیری‌ها، جنگ‌ها یا بحران‌های جهانی، می‌تواند منجر به تغییرات چشمگیری در انتظارات اقتصادی شوند. بنابراین، روابط بین‌المللی و تغییرات جهانی بر انتظارات اقتصادی تأثیر زیادی خواهند داشت و نباید از آن‌ها غافل شد.

راهکارهای کنترل انتظارات در جهت بهبود شرایط اقتصادی

با در نظر گرفتن اهمیت انتظارات اقتصادی و تأثیر آنها بر شرایط اقتصادی جامعه، بررسی راهکارهای کنترل و بهبود این انتظارات از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. به طور معمول، یکی از اهداف اصلی اقتصاددانان و سیاستگذاران، ایجاد یک تصویر واقع‌بینانه و پایدار از آینده اقتصادی برای افراد و سرمایه‌گذاران است تا بتوانند به رشد و پایداری اقتصاد کشور کمک کنند. برای دستیابی به این هدف، لازم است از راهکارهای گوناگونی استفاده شود تا هر یک، در جنبه خاص خود، بتواند منجر به بهبود انتظارات اقتصادی شود. در ادامه به بررسی برخی از این راهکارها خواهیم پرداخت.

● **توسعه و بهبود دسترسی به اطلاعات:** فراهم کردن داده‌های اقتصادی به روز و قابل اعتماد برای عموم مردم و سیاست‌گذاران، کمک می‌کند تا نسبت بیشتری از انتظارات جامعه در مورد آینده



اقتصادی براساس اطلاعات واقعی شکل بگیرد. در واقع، راهکار توسعه و بهبود دسترسی به اطلاعات یکی از ابزارهای مؤثر در کنترل و هدایت انتظارات اقتصادی، از طریق کانال‌های زیارست:

تسهیل در تصمیم‌گیری: دسترسی به اطلاعات کیفی و کمی، به افراد، شرکت‌ها و سیاستگذاران اقتصادی کمک می‌کند تا تصمیمات اقتصادی دقیق‌تر و مؤثرتری بگیرند. این امر می‌تواند به کاهش انحرافات و خطاهای مرتبط با انتظارات اقتصادی منجر شود.

کاهش عدم قطعیت: دسترسی به اطلاعات کافی و قابل اعتماد می‌تواند به کاهش عدم قطعیت در اقتصاد جامعه کمک کند. این کاهش عدم قطعیت می‌تواند منجر به تثبیت انتظارات اقتصادی شده و باعث افزایش اطمینان (و به دنبال آن، کاهش ریسک) در بازارها شود.

بهبود پیش‌بینی‌ها: دسترسی به اطلاعات بیشتر می‌تواند به افراد و سازمان‌ها کمک کند تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از آینده اقتصادی داشته باشند. این امر سبب خواهد شد تا انتظارات اقتصادی براساس شواهد داده‌های قوی‌تری شکل بگیرد. تعاملات اقتصادی بیشتر و بهتر: دسترسی گسترده‌تر به اطلاعات اقتصادی می‌تواند به توسعه تعاملات اقتصادی بین افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها کمک کند. با این حال، برای این که این فرآیند مؤثر باشد، اطلاعات باید شفاف، دقیق و قابل فهم باشد. لذا، می‌توان گفت که به طور کلی، بهبود و توسعه دسترسی به اطلاعات می‌تواند به کنترل بهتر و هدایت انتظارات اقتصادی کمک کرده و در نتیجه، به بهبود شرایط کلی اقتصاد کشور منجر شود.

ارتباطات مؤثر دولت و رسانه‌ها: دولت باید در ارتباطات خود با رسانه‌ها و عموم مردم به صداقت و شفافیت پایبند باشد. این کار می‌تواند به ایجاد اعتماد به سیاست‌های اقتصادی و تقویت انتظارات مثبت کمک کند. ارتباطات مؤثر بین دولت و رسانه‌ها یکی از راهکارهای مهم برای کنترل انتظارات اقتصادی است. چرا که رسانه‌ها یکی از منابع اصلی اطلاعات، برای عموم مردم هستند و اغلب باعث شکل‌گیری انتظارات و نگرش‌های اقتصادی می‌شوند. بنابراین، استفاده مؤثر از این بستر می‌تواند در هدایت و تثبیت این انتظارات نقش پررنگی ایفا کند. در زیر، چگونگی عملکرد این راهکار را بررسی می‌کنیم:

تبلیغات و اطلاع‌رسانی مؤثر: دولت می‌تواند از رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی در مورد سیاست‌های اقتصادی جدید، برنامه‌های آتی یا تغییرات احتمالی استفاده کند. این اقدام می‌تواند به کاهش نااطمینانی و ایجاد پیش‌بینی‌های دقیق‌تر در مورد

آینده اقتصادی کمک کند.

افزایش شفافیت: دولت می‌تواند با ارائه اطلاعات دقیق و قابل فهم در رسانه‌ها، شفافیت را افزایش دهد. از این رو، افزایش شفافیت، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و انتظارات اقتصادی را بر پایه اطلاعات قابل اعتمادتر تنظیم می‌کند.

پاسخ به نگرانی‌ها و شایعات: دولت می‌تواند از طریق رسانه‌ها، به سرعت و به طور مؤثری به نگرانی‌ها، شایعات یا اطلاعات نادرست که ممکن است باعث تغییر ناگهانی در انتظارات اقتصادی شود، پاسخ دهد. این امر می‌تواند از تخریب اعتماد در بازارها جلوگیری کند. البته باید توجه داشت که پاسخ‌های غیراصولی و یا غیرواقعی، صرفاً به منظور کنترل انتظارات، می‌تواند نتیجه معکوس داشته و تا حد بسیار زیادی به اعتماد جامعه آسیب بزند و انتظارات جامعه را نسبت به واقعیت‌های اقتصاد، به طور چشمگیری واگرا کند. لذا در این راستا، صداقت و شفافیت یکی از ارکان مهم جهت حفظ اعتماد جامعه است.

تشویق به رفتارهای مطلوب: دولت می‌تواند از رسانه‌ها برای تشویق به رفتارهای اقتصادی مطلوب، مانند صرفه‌جویی یا سرمایه‌گذاری در بخش‌های خاص، استفاده کند. این رفتارها می‌تواند به بهبود شرایط کلی اقتصاد کمک کند. به طور کلی، ارتباطات مؤثر بین دولت و رسانه‌ها می‌تواند در کنترل و هدایت انتظارات اقتصادی نقش مؤثری ایفا کند و اقتصاد کشور را در مسیر صحیح و پایدار خود حفظ کند.

• **آموزش‌های اقتصادی:** افزایش سطح آگاهی و دانش اقتصادی مردم می‌تواند به کاهش تأثیر شایعات و اخبار نادرست بر انتظارات اقتصادی کمک کند. آموزش اقتصادی به مردم کمک می‌کند تا بتوانند اطلاعات و اخبار اقتصادی را به نحو مناسب‌تری تحلیل کرده و انتظارات دقیق‌تری نسبت به آینده اقتصادی داشته باشند تا براساس آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. آموزش‌های اقتصادی به عنوان یکی از راهکارهای کنترل انتظارات به شرح زیر عمل می‌کند:

افزایش درک اقتصادی: آموزش اقتصادی به افراد کمک می‌کند تا مفاهیم اقتصادی را بهتر درک کنند و بتوانند آثار اقتصادی تصمیمات خود و دیگران را بهتر ارزیابی کنند.

بهبود توانایی پیش‌بینی: افراد با داشتن دانش بیشتر در حوزه اقتصاد، می‌توانند تحولات اقتصادی آتی را بهتر پیش‌بینی کنند. به سبب این امر، انتظارات اقتصادی می‌تواند براساس تحلیل‌های دقیق‌تر و منطقی‌تر شکل بگیرند.

افزایش اعتماد به نظام اقتصادی: افراد با آگاهی

دسترسی به اطلاعات بیشتر می‌تواند به افراد و سازمان‌ها کمک کند تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از آینده اقتصادی داشته باشند. این امر سبب خواهد شد تا انتظارات اقتصادی بر اساس شواهد و داده‌های قوی‌تری شکل بگیرد.



کنترل انتظارات اقتصادی می تواند منجر به کاهش نااطمینانی، افزایش اعتماد، تشویق به سرمایه گذاری، رشد اقتصادی و پایداری اقتصادی شود

بیشتر در خصوص مکانیزم‌های اقتصادی، ممکن است اعتماد بیشتری به نظام اقتصادی و تصمیمات اقتصادی دولت پیدا کنند. این اعتماد می تواند به ثبات انتظارات کمک کند.

توانایی ارزیابی سیاست‌های اقتصادی: فرد آگاه از اقتصاد، قادر است تا سیاست‌های اقتصادی دولت را بهتر ارزیابی کند و در نتیجه، انتظارات دقیق‌تری در مورد اثرات آن‌ها داشته باشد. به طور کلی، آموزش اقتصادی می تواند منجر به شکل‌گیری انتظارات اقتصادی، مبتنی بر دانش و تحلیل شود، که در نهایت به بهبود شرایط اقتصادی کمک می کند. به این منظور، می توان از ابزارهای مختلف آموزشی مانند ویدئوها، فیلم‌نوشته‌ها، پوسترها، کتاب‌ها، دوره‌های آموزشی، وبینارها، وبسایت‌ها و مناظره‌های علمی و غیره استفاده کرد. لذا همکاری با رسانه‌ها، در این زمینه نیز می تواند بسیار موثر باشد.

توسعه سیاست‌های پایدار: دولت باید سیاست‌های اقتصادی پایدار و بلندمدت را توسعه دهد. سیاست‌های موفق در زمینه‌های مختلف اقتصادی می توانند به ایجاد انتظارات مثبت و کاهش بی‌ثباتی کمک کرده و منجر به کاهش نااطمینانی و افزایش اعتماد در جامعه شود.

توسعه سیاست‌های پایدار یکی از راهکارهای مهم در کنترل انتظارات و بهبود شرایط اقتصادی است. سیاست‌های پایدار، سیاست‌هایی هستند که با توجه به نیازهای فعلی، بدون زیان برای نیازهای آینده توسعه داده شده‌اند. در حوزه اقتصاد، این به معنی اجرای سیاست‌هایی است که تعادل بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را تضمین می کنند. این راهکار برای کنترل انتظارات اقتصادی به شرح زیر عمل می کند: ایجاد ثبات در اقتصاد: با اجرای سیاست‌های پایدار، دولت می تواند ثبات و پیش‌بینی‌پذیری را در اقتصاد ایجاد کند. این امر به نوبه خود می تواند انتظارات اقتصادی را کنترل کرده و اطمینان افراد را نسبت به آینده اقتصادی افزایش دهد.

افزایش اعتماد عمومی: وقتی دولت سیاست‌های پایداری را پیاده‌سازی می کند، اعتماد عمومی به دولت و تصمیمات اقتصادی آن افزایش می یابد. این اعتماد می تواند باعث شود تا افراد تصمیمات اقتصادی بهتر و بر مبنای انتظارات واقع بینانه‌تری از آینده اقتصادی بگیرند.

تشویق به سرمایه‌گذاری: سیاست‌های پایدار به طور قابل توجهی می توانند منجر به تشویق افراد، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور شوند. این سرمایه‌گذاری‌ها می توانند باعث رشد اقتصادی شوند و به نوبه خود به بهبود شرایط اقتصادی کمک کنند.

به طور کلی، توسعه سیاست‌های پایدار می تواند یک راهکار مؤثر برای کنترل انتظارات اقتصادی و بهبود شرایط اقتصادی باشد.

همکاری بین‌المللی: کشورها باید به تعامل و همکاری در سطح بین‌المللی برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی اهمیت بدهند. همکاری بین‌المللی یکی از راهکارهای قابل توجهی است که می تواند در کنترل انتظارات و بهبود شرایط اقتصادی نقش داشته باشد. این همکاری می تواند به شکل‌های متفاوتی از جمله تجارت آزاد، توافقات بین‌المللی، همکاری‌های مالی و تکنولوژی و همچنین تعاون‌های اقتصادی به صورت منطقه‌ای و چندجانبه انجام گیرد. این راهکار نیز در کنترل انتظارات اقتصادی به شرح زیر عمل می کند:

افزایش دسترسی به بازارهای جهانی: همکاری بین‌المللی می تواند بازارهای جدیدی را برای کشورها باز کند، که این امر می تواند باعث رشد اقتصادی شده و انتظارات مثبت از آینده اقتصادی را تقویت کند.

اشتراک دانش و تکنولوژی: همکاری بین‌المللی می تواند راهی برای اشتراک‌گذاری دانش و تکنولوژی باشد. این می تواند به بهبود رقابت‌پذیری کشورها کمک کند و به شکل مثبتی بر انتظارات اقتصادی تأثیر بگذارد.

جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری: همکاری بین‌المللی و اطمینان بیشتر به استقرار و پایداری اقتصادی می تواند باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شود. این سرمایه‌گذاری‌ها می توانند اقتصاد را تقویت کرده و انتظارات اقتصادی را بهبود بخشند.

پایداری و امنیت: همکاری بین‌المللی می تواند به پایداری و امنیت منطقه‌ای و جهانی کمک کند، که این امر از عدم قطعیت و نوسانات اقتصادی گسترده و به کنترل بهتر انتظارات اقتصادی کمک خواهد کرد. به طور کلی، همکاری بین‌المللی می تواند از راهکارهای مؤثر برای کنترل انتظارات و بهبود شرایط اقتصادی باشد. این موضوع به خصوص در دنیای امروز که به شدت، به هم وابسته و جهانی شده است، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

بنابراین، با توجه به آنچه مطرح شد، کنترل انتظارات اقتصادی می تواند منجر به کاهش نااطمینانی، افزایش اعتماد، تشویق به سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و پایداری اقتصادی شود. این عوامل می توانند به بهبود کیفیت زندگی مردم و تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کنند. بنابراین، کنترل انتظارات اقتصادی یکی از چالش‌ها و همچنین فرصت‌های مهم در سیاست‌گذاری اقتصادی است که باید با توجه و جدیت لازم پیگیری شود.



انتظارات بازیگر خاموش تورم

- کاهش چشمگیر نرخ رشد نقدینگی طی ۲۰ ماه اخیر، امیدها برای کاهش قابل توجه تورم در سال جاری رازنده و جدیت و کارآمدی بانک مرکزی در اجرای سیاست کنترل نقدینگی را بر همگان روشن کرد
- سیاست تثبیت اقتصادی به دنبال اصلاح انتظارات منفی شکل گرفته در سال های اخیر و بازگرداندن آرامش به بازارهاست

حمید کمار /

پژوهشگرافتصادی



اقتصاد

شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲

آخرین بار، بهمن ماه سال ۹۸ بود که نرخ رشد نقدینگی در کانال ۲۰ درصدی قرار داشت و پس از آن با طی مسیری صعودی، سعودی، حتی به رکورد ۴۲،۸ درصد در مهر ماه ۱۴۰۰ هم رسید. بازگشت نرخ رشد نقدینگی به کانال ۲۰ درصدی پس از گذشت ماه ها خبری بود که با استقبال مسئولان و البته بسیاری از کارشناسان اقتصادی همراه شد

۳۲



اقتصاد

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •

اظهارات رئیس کل بانک مرکزی در همایش اخیر سیاست‌های پولی نشان می‌دهد که سیاستگذار پس از موفقیت در کنترل رشد نقدینگی، کاهش سیالیت آن را مد نظر دارد و برای رسیدن به این هدف، مدیریت انتظارات را هدف قرار داده است. اساساً «سیاست تثبیت» که دکتر فرزین در بدو ورود به میرداماد مطرح کرد، را می‌توان از همین منظر ارزیابی کرد. سیاستی که در پی اصلاح انتظارات منفی شکل گرفته در سال‌های اخیر و بازگرداندن آرامش به بازارهاست.

طبق جدیدترین آمارهای بانک مرکزی، نرخ رشد نقدینگی در پایان خرداد ماه امسال به ۲۹ درصد رسید. آخرین بار، بهمن ماه سال ۹۸ بود که نرخ رشد نقدینگی در کانال ۲۰ درصدی قرار داشت و پس از آن با طی مسیری صعودی، حتی به رکورد ۴۲،۸ درصد در مهر ماه ۱۴۰۰ هم رسید. بازگشت نرخ رشد نقدینگی به کانال ۲۰ درصدی پس از گذشت ماه‌ها خبری بود که با استقبال مسئولان و البته بسیاری از کارشناسان اقتصادی همراه شد. اینکه دولت و به طور خاص، سیاستگذار پولی توانسته در هدفگذاری خود موفق عمل کند و حتی در مسیر کنترل رشد نقدینگی به فراتر از هدفگذاری خود دست یابد، نشانه‌ای مثبت از موفقیت دولت در مسیر کنترل تورم به شمار می‌رود. واکنش‌ها به آمار جدید رشد نقدینگی تا جایی پیش رفت که برخی کارشناسان حتی از امکان بروز رکود در صورت تداوم یا شدت گرفتن اجرای سیاست کنترل نقدینگی هم سخن گفتند و حتی خواستار هدفگذاری انبساطی تر بانک مرکزی در موضوع کنترل نقدینگی شدند.

در مجموع اما کاهش چشمگیر نرخ رشد نقدینگی طی ۲۰ ماه اخیر، امیدها برای کاهش قابل توجه تورم در سال جاری را زنده و جدیت و کارآمدی بانک مرکزی در اجرای سیاست کنترل نقدینگی را بر همگان روشن کرد. پیش از این بانک مرکزی بارها در دوره‌های مختلف، در رسیدن به اهداف سیاستی خود ناکام مانده بود. شاید یکی از مشهورترین مصادیق ناکامی بانک مرکزی در دستیابی به اهداف سیاستی طی دوره‌های اخیر، سیاست هدفگذاری تورم ۲۲ درصدی در سال ۹۹ بود که در نهایت، تورم آن سال به ۴۷،۱ درصد رسید که به معنای شکست کامل سیاستی هدفگذاری تورم بود. با چنین پیشینه‌ای، کاهش نرخ رشد نقدینگی به

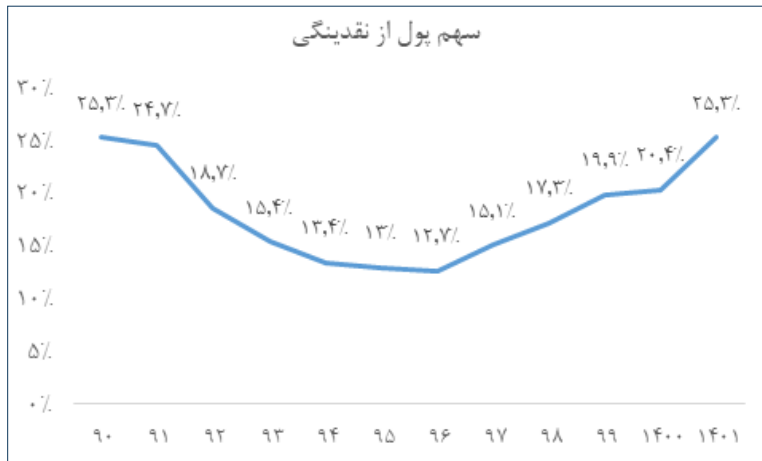
۲۹ درصد در خرداد امسال با وجود هدفگذاری رشد ۲۵ درصدی برای پایان سال جاری، به وضوح موفقیت بانک مرکزی در اجرای سیاست مذکور را نشان می‌دهد.

گاهی به وضعیت عوامل موثر بر تورم نشان می‌دهد که دیگر عوامل اثرگذار نیز همچون نقدینگی، در مسیر ثبات قرار گرفته‌اند. در شرایط فعلی، ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شده و همچون گذشته، تورم ناشی از حذف این رانت ارزی وجود ندارد. همچنین نیروهای موثر بر نرخ ارز نیز طی ماه‌های پایانی سال گذشته تخلیه شده و اکنون نرخ ارز به عنوان عامل مهمی در تورم، به ساحل ثبات رسیده و جهش مجدد آن در سال جاری بسیار بعید به نظر می‌رسد. علاوه بر اینها، وضعیت مالی دولت به مراتب بهتر از دو سال اخیر است و خطری از بابت بروز کسری بودجه و پولی شدن آن و در نتیجه تشدید تورم، کشور را تهدید نمی‌کند. از دیگر سو، تورم جهانی پس از رسیدن به قله سال گذشته، در حال کاسته شدن است و از این منظر هم چشم‌انداز نزولی برای تورم قابل ترسیم است.

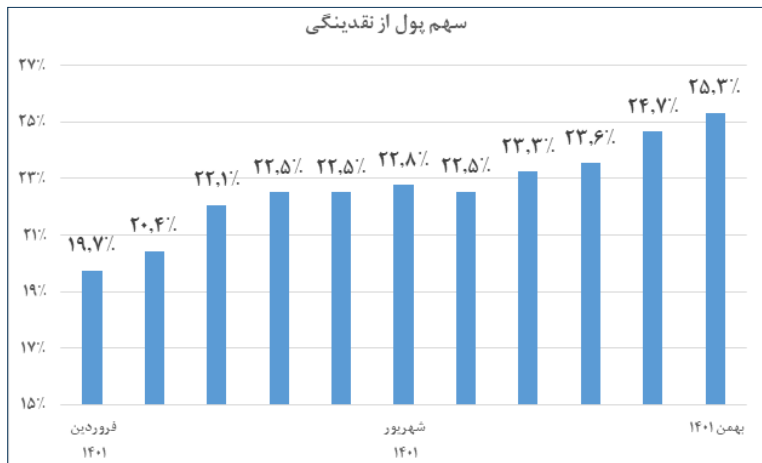
با همه این شرایط، یک عامل همچنان بیش از دیگر عوامل موثر بر تورم، پایدار باقی مانده و کاهش تورم را به چالش می‌کشد. انتظارات تورمی، اکنون به عنوان مهم‌ترین عامل باقی مانده، دستیابی به هدفگذاری تورمی را تهدید می‌کند. بررسی روند تغییرات «سهام پول از نقدینگی» به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش انتظارات تورمی، نشان می‌دهد این شاخص در سال‌های گذشته، روندی صعودی داشته که نشانگر تیره شدن چشم‌انداز اقتصاد کشور در اذهان جامعه طی سال‌های اخیر است. (نمودار یک)

نمودار فوق که برگرفته از گزارش‌های پولی بانک مرکزی است، نشان می‌دهد پس از بازگشت تحریم‌ها در سال ۹۷ و بروز آثار سیاست‌های غلط اقتصادی پیش از آن نظیر سرکوب نرخ ارز، تورم رو به فزونی گذاشت که یکی از مهم‌ترین دلایل آن، تیره شدن چشم‌انداز اقتصادی کشور و تخلیه این انتظارات به شکل تبدیل شبه پول به پول بود. روند پرشتاب تبدیل شبه پول به پول باعث افزایش سیالیت نقدینگی و ورود آن به بازارهای مختلف و در نهایت تشدید تورم شد. این روند در تمام سال‌های پس از بازگشت تحریم‌ها ادامه یافته تا جایی که سهم پول از نقدینگی از ۱۲،۷ درصد در سال ۹۶ به بالای ۲۵

سهام پول از نقدینگی



سهام پول از نقدینگی



به کاهش چشمگیر رشد نقدینگی، از لزوم مدیریت «انتظارات» گفت و بر ایجاد ثبات برای اطمینان بخشی به بازارها تاکید کرد. اظهارات رئیس کل بانک مرکزی در همایش اخیر پولی نشان می دهد که سیاستگذار پولی پس از موفقیت در کنترل رشد نقدینگی، کاهش سیالیت آن را مد نظر دارد و برای رسیدن به این هدف، مدیریت انتظارات را هدف قرار داده است. اساساً «سیاست تثبیت» که فرزین در بدو ورود به میرداماد مطرح کرد را می توان از همین منظر ارزیابی کرد؛ سیاستی که در پی اصلاح انتظارات منفی شکل گرفته در سال های اخیر و بازگرداندن آرامش به بازارهاست.

درصد در بهمن ماه ۱۴۰۱ رسید. حتی بررسی روند ماهانه این شاخص در سال ۱۴۰۱ نشان می دهد با بروز ناآرامی ها در نیمه دوم سال اخیر و رشد نرخ ارز، سهم پول از نقدینگی افزایش یافته که بازتابی از بدتر شدن انتظارات در جامعه است. (نمودار ۲)

نگاهی به شاخص سهم پول از نقدینگی نشان می دهد در تمام سال های پس از بازگشت تحریم ها، این شاخص تقریباً بدون وقفه در مدار صعود قرار داشته و سوخت تورم را تأمین کرده است. شاید راز سخنان دکتر محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در همایش سیاست های پولی و بانکی را بتوان در همین مساله یافت؛ جایی که فرزین با وجود علم

نمودار ۱
سهم پول از نقدینگی

نمودار ۲
سهم پول از نقدینگی





تورم چند درصدی را «ابرتورم» می‌گویند؟

دکتر محمد جلیلی /

تحلیلگر مسائل اقتصادی، رئیس سابق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر



- از نظر اعداد و ارقام و درصد، تورم‌های ۵۰ یا حتی ۱۰۰ درصدی در یک سال و تداوم آن در سال‌های مختلف با مفهوم واقعی ابرتورم قابل مقایسه نیست
- در ادبیات علمی، شاخص یا نشانگر متعارف برای ترسیم شرایط ابرتورمی در یک اقتصاد، افزایش بیش از ۵۰ درصدی طی یک ماه است که اولین بار در سال ۱۹۵۶ توسط فیلیپ کاگان، استاد اقتصاد در دانشگاه کلمبیا پیشنهاد شد

۳۴



اقتصاد

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●



در شرایط عادی تورم وقتی بوجود می‌آید که افزایش عرضه پول به پشتوانه رشد اقتصادی که توسط تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شود نباشد و در این شرایط عرضه پول موجب تورم می‌شود

کشورهای درگیر در ابرتورم در طول ۱۰۰ سال اخیر با آن مواجه شده‌اند نیز در پاسخ به سوال فوق (چرا ایران دچار ابرتورم نمی‌شود؟) مفید فایده خواهد بود.

در شرایط عادی تورم وقتی بوجود می‌آید که افزایش عرضه پول به پشتوانه رشد اقتصادی که توسط تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شود نباشد و در این شرایط عرضه پول موجب تورم می‌شود. اگر تولید ناخالص داخلی که شاخصی برای تولید محصولات و خدمات است، رشد نکند، کسب و کارها برای افزایش سودآوری و حفظ و بقای خود به ناچار به افزایش قیمت‌ها روی می‌آورند.

به عبارتی مردم پول بیشتری در اختیار می‌گیرند؛ بنابراین برای خرید کالا پول بیشتری هم پرداخت می‌کنند و این چرخه موجب افزایش تورم می‌شود. هر چقدر تولید ناخالص داخلی با کاهش بیشتری مواجه شود، اوضاع اقتصادی وخیم‌تر شده و قیمت‌ها بالاتر می‌روند، مصرف‌کنندگان پول بیشتری پرداخت می‌کنند و بانک مرکزی نیز پول بیشتری چاپ می‌کند که نتیجه این فرآیند، یک دور باطل تورمی است.

اما چنین دور باطلی لزوماً به ابرتورم ختم نخواهد شد.

برای ابرتورم شرایط بسیار وخیم اقتصادی و تا حدودی صفر شدن تولید ناخالص داخلی بر اثر شرایط غیرعادی مانند جنگ‌های بزرگ و ویرانگر که تمام زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی یک کشور را به طور کامل نابود نماید یا با توقف مواجه کند، مورد نیاز است.

این در حالی است که ایران بویژه در ۵۰ سال اخیر، جنگ بزرگ ۸ ساله و بعدها تحریم‌های سنگینی را پشت سر گذاشته که هیچ کدام نتوانستند تولید ناخالص داخلی ایران را متوقف نمایند.

در بدترین حالت‌ها که هیچگونه وارداتی از بیرون کشور هم اتفاق نیفتد باز هم توان داخلی ایران در حوزه‌های مختلف مانند کشاورزی و صنعت می‌توانند نیازهای ضروری را تامین نمایند. ضمن اینکه قدرت سیاسی و سایر مولفه‌های ژئوپلیتیک ایران هیچگاه اجازه توقف کامل چرخه تولید را نمی‌دهد. بنابراین اصولاً بسترهای ابرتورم در ایران (چه به صورت بالفعل و چه به صورت بالقوه) وجود ندارد.

اگرچه واژه ابرتورم یک اصطلاح شناخته شده در ادبیات اقتصادی است و دهه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، اما طی سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ کشور ونزوئلا با ثبت تورم ۶۵ هزار درصدی، رکورد جدیدی از تورم در جهان را به جای گذاشت که در نوع خود بی‌نظیر بوده است و همین مساله رکورد جدیدی از تورم در جهان امروز نشان داد.

در ادبیات علمی، شاخص یا نشانگر متعارف برای ترسیم شرایط ابرتورمی در یک اقتصاد، افزایش بیش از ۵۰ درصدی طی یک ماه است که اولین بار در سال ۱۹۵۶ توسط فیلیپ کاگان، استاد اقتصاد در دانشگاه کلمبیا پیشنهاد شد. بنابراین از نظر اعداد و ارقام و درصد، تورم‌های ۵۰٪ حتی ۱۰۰٪ درصدی در یک سال و تداوم آن در سال‌های مختلف با مفهوم واقعی ابرتورم به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. از طرفی بررسی شرایطی که





در میزگردی که با حضور دکتر محمد جعفری، رئیس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه و دکتر جعفر مهدی زاده، مدیرکل اقتصادی بانک مرکزی، بررسی شد

از رکودی که در دهه ۹۰ در آن بودیم خارج شدیم

در این نشست تخصصی به این سوال پاسخ داده شده است
که چگونه رشد بالای ۴ درصدی اتفاق افتاد؟

- جعفری: ایران به لحاظ کیک اقتصادی و براساس گزارش های بین المللی رتبه ۱۸ و براساس سرانه جمعیت نیز رتبه ۸۴ را در دنیا دارد. یکی از مهم ترین دلایل کاهش روند منفی رشد اقتصادی طی چند سال اخیر در کشور، وابستگی کمتر اقتصاد ایران به موضوع اقتصاد جهانی بود
- مهدی زاده: در سال های اخیر برگشتی را به روندهای بلندمدت شاهد بودیم و در سال ۱۳۹۹ رشد اقتصادی کشور ۴۱ درصد مثبت شد. در سال ۱۴۰۰ نیز این رقم به ۴۰۴ درصد و در سال گذشته به ۴ درصد رسید که این امر موجب شد عملاً از رکود خارج و وارد روند بلندمدت شدیم

۳۶



اقتصاد

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •

جعفری: یکی از عوامل مهم در رشد اقتصادی کشور، بخش نفت از جهت قیمت و مقدار است و طبق پیش بینی های صورت گرفته قیمت نفت در سال ۲۰۲۳ در هر بشکه حدود ۷۵ دلار به فروش رسید و وضعیت رشد نیز روی ۴ درصد مثبت مانده است



آمارهای جدید منتشر شده درباره وضعیت رشد اقتصاد ایران در پایان سال ۱۴۰۱، نشان از ادامه اقدامات موثر دولت و بانک مرکزی در تحقق رشد مثبت اقتصادی دارد. پس از یک دهه در جا زدن اقتصاد ایران و تجربه رشدهای صفر و زیر یک درصد، ریل گذاری های دولت سیزدهم توانسته است تا اقتصاد ایران را به مسیر درست بازگرداند و توقف چرخه رشدهای منفی وارد هشتمین فصل مستمر شود. آمارها حاکی از رشد ۴ درصدی اقتصادی در سال ۱۴۰۱ است و نگاهی به نمودارهای رسمی منتشره درباره رشدهای بانفت و بدون نفت در فصول سال گذشته نشان می دهد که بهبود وضعیت اقتصادی در فصول مختلف سال به صورت پیاپی ادامه داشته است.

اقتصادی بانفت در سال گذشته، ۴ درصد اعلام شده است. همچنین رشد اقتصادی بدون نفت نیز که در فصل نخست سال گذشته به میزان ۱۰۷ درصد بود، با ادامه روند مثبت رشد در زمستان سال گذشته به ۴۰۷ درصد رسید و مجموع رشد بدون نفت اقتصاد ایران در سال گذشته هم ۳۰۵ درصد از سوی بانک مرکزی برآورد و اعلام شد. نگاهی به رشدهای ثبت شده در سایر بخش ها نیز حاکی از آن است که شاخص تولید کارگاه های بزرگ صنعتی که حدود ۷۰ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت را پوشش می دهد، در سال ۱۴۰۱ به نسبت سال قبل از آن، ۹۰۶ درصد رشد داشته است. نکته حائز اهمیت درباره رشد کارگاه های بزرگ صنعتی در این است که رشد ۲۳ رسته فعالیت عمده صنعتی این بخش در سال گذشته مثبت بوده است.

از سویی، ارزش سرمایه گذاری های صورت گرفته در بخش ساختمان طی سال گذشته در مناطق شهری کشور به قیمت های جاری طی سال ۱۴۰۱، نسبت به سال قبل از آن، ۳۴ درصد افزایش یافت. علاوه بر این، به صورت کلی بررسی

رشد اقتصادی بانفت که در بهار سال گذشته به میزان ۱۰۹ درصد بود، با ادامه روند بهبود وضعیت در فصول بعدی، نهایتاً به ۵۰۳ درصد در زمستان سال گذشته رسید که در مجموع متوسط رشد

۳۷



اقتصاد

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •

مهدی زاده:
در سال
۹۴ و ۹۵ با
پیشرفت‌هایی
که در حوزه
مذاکرات
خارجی اتفاق
افتاد، رشد
مثبت داشتیم
و با برگشت
تحریم‌ها مجدد
شاهد رشد
منفی بودیم. در
سال ۱۳۹۹ نیز با
شیوع ویروس
کرونا، شوک
در دو سمت
عرضه و تقاضا
به اقتصاد کشور
وارد شد که تأثیر
آن را نیز بر رشد
اقتصادی کشور
شاهد بودیم

سهام فعالیت‌های مختلف اقتصادی در رشد تولید ناخالص داخلی سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که ارزش افزوده فعالیت‌های گروه‌های اصلی صنایع و معادن، خدمات، نفت و کشاورزی به ترتیب با سهمی معادل ۱۰،۶، ۱۰،۵، ۰،۸ و ۰،۱ واحد درصد، نقش عمده‌ای در رشد اقتصادی ۴ درصدی سال ۱۴۰۱ ایفا کرده‌اند.

از اقدامات اثرگذار بر تحقق رشد اقتصادی مثبت در سال ۱۴۰۱، رشد صادرات و واردات کالاها و خدمات بوده به نحوی که طی سال ۱۴۰۱ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵، نسبت به سال قبل از آن، به ترتیب از نرخ‌های رشد ۸،۲ و ۷،۵ درصدی برخوردار بوده‌اند.

هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد برای بررسی ابعاد مختلف تحقق رشد مثبت اقتصادی در سال ۱۴۰۱ در میزگردی با حضور دکتر محمد جعفری رئیس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه و مدرس دانشگاه و دکتر جعفر مهدی زاده، مدیر کل اقتصادی بانک مرکزی، ابعاد گوناگون تحقق رشد مثبت اقتصادی در هشتمین فصل پیاپی را مورد بررسی قرار داد.

محمد جعفری، رئیس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه معتقد است که از سال ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۱ وضعیت نوسانی را در رشد اقتصادی کشور داشتیم و تقریباً هیچ‌گاه متوسط این عدد بیش از ۳ درصد نبوده که موجب شد رشد مثبت و کم‌تر از یک درصد در کل دوره تجربه کنیم.

همچنین جعفر مهدی زاده، مدیر کل اقتصادی بانک مرکزی نیز بیان داشت: در سال‌های اخیر برگشتی را به روندهای بلندمدت شاهد بودیم و در سال ۱۳۹۹ رشد اقتصادی کشور ۴،۱ درصد مثبت بود که در سال ۱۴۰۰ نیز این رقم به ۴،۴ درصد و در سال گذشته هم به ۴ درصد رسید که این امر موجب شد عملاً از رکود خارج و وارد روند بلندمدت رشد شدیم که جای خوشحالی دارد. مشروح میزگرد چالش‌ها و راهکارهای تداوم رشد مثبت اقتصادی به این شرح است:

آخرین آمارها حاکی از تداوم رشد مثبت اقتصادی کشور است. تحولات صورت گرفته در این زمینه و روندهای طی شده چه چیزی را نشان می‌دهد؟

• **محمد جعفری:** در برنامه هفتم توسعه در بندهای متفاوتی به صورت مستقیم به رشد اقتصادی پرداخته شده و بر اساس آن برنامه تحولی مدنظر تدوین و ارائه شده است. بر اساس پیش‌بینی‌هایی که از سوی مراکز

بین‌المللی پولی و بانکی از جمله صندوق بین‌المللی پول (IMF) ارائه شده در سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ رشد اقتصادی ایران به ترتیب ۳ و ۲ درصد پیش‌بینی شده بود که خوشبختانه در ایران علی‌رغم روند منفی رشد اقتصادی که از سال ۱۳۹۷ تشدید و با ظهور کرونا نیز بدتر شده بود، اما بالاخره رشد ۴،۸ درصدی در سال ۱۴۰۱ محقق شد.

یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش روند منفی رشد اقتصادی طی چند سال اخیر در کشور، وابستگی کمتر اقتصاد ایران به موضوع اقتصاد جهانی بود و همین امر موجب شد که نه تنها شیوع کرونا تأثیر منفی و حتی خطرناکی را که بر اقتصاد سایر کشورها داشت، برای ایران نداشته باشد، بلکه فرصتی شد تا شاهد ظهور و بروز برخی فعالیت‌های اقتصادی باشیم. به طوری که طبق فرمول‌های اقتصادی، نیروی کار توانست با تولید ارزش افزوده بیشتر، سوددهی بیشتری را نیز حاصل کند.

طی این مدت، بسیاری از فعالیت‌های خانگی و یا دیجیتال موجب شد تا به ثروت و درآمد ملی افزوده شود و با روی کار آمدن دولت جدید و اقدامات رییس‌جمهور فعلی، واکسیناسیون عمومی نیز انجام شد که این روند و گسترش فعالیت‌های داخلی موجب آغاز روند رو به رشد و تحقق رشد ۴ درصدی در سال ۱۴۰۰ و ۴،۸ درصدی در سال ۱۴۰۱ شد.

اثر افزایش فروش نفت بر رشد اقتصادی ایران چگونه بود؟ بالاخره پس از چند سال ناکامی فروش نفت در دولت گذشته، دولت سیزدهم توانست نفت بیشتری بفروشد و پول آن را نیز وصول کند.

یکی از عوامل مهم در رشد اقتصادی کشور، بخش نفت از جهت قیمت و مقدار است و طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته قیمت نفت در سال ۲۰۲۳ در هر بشکه حدود ۷۵ دلار به فروش رسید و وضعیت رشد نیز روی ۴ درصد مثبت مانده است.

افزایش قیمت نفت و بهبود روابط بین‌المللی و همچنین سهولت نقل و انتقال ارز، موجب افزایش ارزآوری و درآمدها در ماه‌های اخیر شد. همچنین همانطور که مطلع هستید. در همین ماه‌های اخیر شاهد هستیم رئیس کل بانک مرکزی فعالیت‌های ویژه‌ای را در ابعاد بین‌المللی انجام داده که این اقدامات نیز بدون



اگر مروری بر رشد اقتصادی در برنامه اول تا ششم داشته باشیم، علی رغم برنامه ریزی های خوبی که در این زمینه صورت گرفت، به غیر از برنامه اول توفیق خاصی نداشتیم. در برنامه ششم و هفتم بسیاری از ظرفیت ها پر شده و نیاز به ظرفیت های جدید بود که متأسفانه اتفاق نیفتاد



دنیا قرار دارد، در بین مردم وجود ندارد. مادر برخی حوزه های مهم و استراتژیک با مشکل سرمایه گذاری مواجه ایم؛ حوزه هایی همچون ناوگان حمل و نقل که ادامه روند گذشته موجب بروز مشکلات عدیده ای می شود، اما خوشبختانه در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ میزان سرمایه گذاری ها از روند منفی خارج شده و ارقام رشد ۴،۴ و ۷،۳ درصد را به ترتیب در این دو سال تجربه کردیم.

اگر دولت متمرکز بر این بخش باشد و با حمایت و حذف مقررات دست و پاگیر گمرکی و ... روند را تسریع ببخشد، بی شک می توانیم رشد با کیفیتی از این حوزه را شاهد باشیم. در زمینه واردات کالا و خدمات نیز در سال ۹۷ و ۹۸ با اجرای سیاست های انقباضی ارزی، رشد منفی ۳۶،۶ درصد و ۸،۳ درصد را شاهد بودیم. در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تا حدودی به دلیل افزایش درآمدهای ارزی در این زمینه تسهیل گری هایی صورت گرفت، اما اگر محصولی وارد نشود، شاهد تورم خواهیم بود، از طرفی باید نرخ ارز نیز کنترل شود.

روند سال ۸۵ تا ۱۴۰۰ حاکی از آن است که استهلاك سرمایه به سرمایه گذاری های جدید نزدیک شده و موجودی سرمایه ناخالص کشور نیز ثابت مانده بود و استهلاك موجود، سرمایه گذاری های جدید را نیز خنثی می کرد و باید گفت در واقع در زمینه سرمایه گذاری ثابت مانديم.

دهه ۹۰، دهه خوبی برای کشور نبود و از جهت علم اقتصاد یادمان باشد اگر اقدامی در سایر

شک به افزایش رشد اقتصادی خواهد انجامید. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۱ وضعیت نوسانی را در رشد اقتصادی داشتیم و تقریباً هیچ گاه متوسط این عدد بیش از ۳ درصد نبوده که موجب شد رشد مثبت و کمتر از یک درصد را در کل دوره تجربه کنیم. نوسانی بودن شرایط اقتصادی بسیار خطرناک است، زیرا حاکی از این است که قیمت یا میزان فروش نفت، تحت تاثیر تحولات نفت در جهان خواهد بود و این یعنی اقتصاد نفتی است و این شرایط ادامه دار خواهد بود. بر همین اساس باید در برنامه هفتم احکامی پیش بینی شود تا وابستگی به این حوزه کمتر شود.

اگر مروری بر رشد اقتصادی در برنامه اول تا ششم داشته باشیم، علی رغم برنامه ریزی های خوبی که در این زمینه صورت گرفت، به غیر از برنامه اول تا سوم، تقریباً توفیق خاصی نداشتیم. در برنامه ششم و هفتم بسیاری از ظرفیت ها پر شده و نیاز به ظرفیت های جدید بود که متأسفانه اتفاق نیفتاد.

از سویی، قبل تر و در سال ۹۱ و ۹۲ شاهد رشد منفی بالای ۴ درصد بودیم و در سال ۹۵ و ۹۶ نیز به دلیل برجام، گشایش هایی را در فروش نفت داشتیم و شاهد رشد ۱۴ درصدی بودیم، اما تجربه سال های ۹۷ و ۹۸ نشان می دهد که رشد این دو سال به صورت متوسط منفی ۶ درصد بود. ایران به لحاظ کیک اقتصادی و بر اساس گزارش های بین المللی رتبه ۱۸ و براساس سرانه جمعیت نیز رتبه ۸۴ را در دنیا دارد، اما حس اینکه ایران جز ۸۰ کشور برتر



سمت عرضه و تقاضا بودیم که کل اقتصاد کشور درگیر و متاثر از این موضوع شد.

تحولات اقتصادی در دهه ۹۰ نشان می‌دهد که دهه‌ای را داشتیم که باید از آن به عنوان دهه از دست رفته یاد شود. در سال ۹۴ و ۹۵ با پیشرفت‌هایی که در حوزه مذاکرات خارجی اتفاق افتاد، رشد مثبت داشتیم و با برگشت تحریم‌ها مجدد شاهد رشد منفی بودیم. در سال ۱۳۹۹ نیز با شیوع ویروس کرونا، شوک در دو سمت عرضه و تقاضا به اقتصاد کشور وارد شد که تأثیر آن را نیز بر رشد اقتصادی کشور شاهد بودیم. خوشبختانه در سال‌های اخیر برگشتی را به روندهای بلندمدت شاهد بودیم و در سال ۱۳۹۹ رشد اقتصادی کشور ۴٫۱ درصد مثبت شد. در سال ۱۴۰۰ نیز این رقم به ۴٫۴ درصد در سال گذشته به ۴ درصد رسید که این امر موجب شد عملاً از رکود خارج و وارد روند بلندمدت رشد مثبت شدیم که جای خوشحالی دارد. با توجه به مختصات اقتصاد کشور در تمامی چهار فصل گذشته رشد مثبت و فزاینده داشته و روند صعودی بود است. مضاف بر روند رشد فصلی، در تمامی گروه‌های فعالیتی نیز رشد مثبت محقق شد و طبق آمار در گروه کشاورزی ۱۰٫۱ درصد، نفت ۱۰ درصد، صنایع و معادن ۶٫۵ درصد و خدمات نیز ۲٫۷ درصد رشد را شاهد بودیم.

نکته مثبت درباره رشد سال گذشته، رشد حوزه صنایع و معادن بوده که همراه با رشد ۹٫۵ درصدی در بخش صنعت، رشد کارگاه‌های صنعتی در تمامی فصول سال مثبت بوده است. در فصل تابستان سال ۱۴۰۰ مشکلاتی در حوزه قطعی برق داشتیم که خوشبختانه در تابستان سال ۱۴۰۱ با مدیریت در زمینه توزیع و مصرف برق، رشد ۲۳ درصدی را در شاخص کارگاه‌های بزرگ صنعتی تجربه کردیم که عملکرد پررنگ و خوبی داشته‌اند.

در سمت تقاضای کل نیز عملکرد مثبت بوده و بهبود مشخصی را در مصرف بخش خصوصی داشتیم و ۷٫۸ درصد مصرف بخش خصوصی در سال ۱۴۰۱ که تا حدودی متأثر از تغییرات رقم یارانه‌های پرداختی بود، صورت گرفت. نکته مثبتی که سال گذشته داشتیم، عملکرد مثبت رشد سرمایه‌گذاری بود که سال گذشته به ۶٫۷ درصد رسید که از رشد ۱۵ درصدی ماشین‌آلات و ۱۲ درصدی سرمایه‌گذاری در ساختمان ناشی شد. رقم مشابه در سال ۱۴۰۰ در این بخش، صفر درصد بوده است. ارزیابی من این است که بعد از یک دوره پر



بخش‌های غیراقتصادی کشور رقم می‌خورد، تأثیر آن را در اقتصاد کشور هم بسنجیم. در غیر اینصورت صرفاً با تحرکات بخش‌های اقتصادی نمی‌توان شاهد بروز اتفاق‌های خوبی بود و نیاز به تصمیمی جمعی است. باید گفت در زمینه نیروی کار نیز به بیشتر شدن ارتباط صنعت و دانشگاه نیاز است و نباید این موضوع را محدود به همایش‌ها و سخنرانی‌ها کنیم و در عمل نیز باید شاهد نتایج آن باشیم چون اجرای سیاست‌هایی که منجر به رفاه در کشور شود، جز اولویت‌ها است.

● **جعفر مهدی زاده:** وضعیت رشد اقتصادی طی سال‌های دهه ۹۰ دچار یک سری شوک‌های برون‌زا بوده که بخشی از شوک‌ها از ناحیه تحولات حوزه سیاست خارجی و تحریم‌ها ناشی شده است. بعضی از شوک‌ها سمت عرضه اقتصاد بوده و در سال ۹۴ نیز کاهش قابل توجه قیمت نفت را داشتیم که موجب شد تا درآمدهای حاصل از صادرات نفت در بخش گاز تا حدودی کاهش یابد، اما متعاقباً در سال ۹۶ و ۹۷ دوباره با برگشت تحریم‌ها شوک‌هایی به اقتصاد کشور وارد شد و در اواخر دهه ۹۰ نیز با شیوع ویروس کرونا در دنیا، شاهد شوک در دو





نوسان رشد اقتصادی در دهه ۹۰، در دهه ۱۴۰۰، همزمان با آغاز برنامه هفتم توسعه روندهای بلندمدتی نیز در عرصه اقتصادی در حال آغاز است. اهداف و رشد هدفگذاری شده در این برنامه تفاوت محسوسی با عملکرد برنامه فعلی دارد که الزامات و قواعد خاص خود را می‌طلبد. برنامه هفتم توسعه در سازمان برنامه و بودجه با همکاری سایر نهادها از جمله بانک مرکزی تهیه و لایحه آن به مجلس شورای اسلامی تحویل داده شده است.

وقتی از رشد اقتصادی سخن گفته می‌شود، نمی‌توان چالش‌ها و موانع را نادیده گرفت. برای رفع چالش‌های حوزه رشد چه اقداماتی لازم است؟

● **جعفری:** بر اساس محاسباتی که انجام شده، باید در بخش‌های مختلف اقتصادی به خصوص در شروع برنامه هفتم جهش‌هایی را داشته باشیم. عملکرد مادر بخش اقتصاد حاکی از این است که در سال ۱۴۰۱ حدود ۲ هزار و ۵۶۰ همت سرمایه‌گذاری داشتیم که اگر این رقم در سال ۱۴۰۲ به عنوان سال اول برنامه به سمت رشد ۸ درصدی حرکت داشته باشد، باید به صورت متوسط تا سال ۱۴۰۶، جهش تقریباً ۱۰۰ درصدی را در سرمایه‌گذاری داشته باشیم که سخت، اما مهم است. در سال ۱۴۰۱ به قیمت ارز آزاد ۵۰ میلیارد یورو تجدید سرمایه داشتیم که این رقم در سال ۱۴۰۲ به عنوان سال اول باید به حدود ۸۰ میلیارد یورو برسد.

تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی، رشد و جهش در تمامی بخش‌ها را نیاز دارد و باید بتوانیم ارز کافی تجهیز کنیم و بهره‌وری افزایش یابد. کشور باید احکامی را دنبال کند که حتی اگر پول هم داشته باشد بدان پول را در چه جهتی خرج کند تا ثروت با کیفیتی برای کشور ایجاد شود. این موضوع سختی است که در این مسیر از راهنمایی‌های صندوق بین‌المللی پول نیز استفاده شده است. در مسیر تحقق رشد ۸ درصدی به تغییر رویه صندوق‌ها، فعالیت بانک‌ها، نحوه استفاده و قیمت انرژی و ... با هدف توسعه، کاهش ناترازی‌ها و افزایش بهره‌وری نیاز داریم. مطالبه‌گری اینکه این ارقام به مقام عمل برسد، اقدامی است که از سوی بخش‌های پژوهشی، رسانه‌ها و ... دستگاه‌های مختلف باید پیگیری شود، زیرا این برنامه حاصل عقل جمعی است.

یک موضوع درباره آمارها در کشور همواره وجود دارد که بعضاً به آن پرداخته می‌شود و آن هم تفاوت آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران به عنوان مراجع رسمی آمار کشور است. دلیل تفاوت آمارهای این دو بخش در چیست؟

● **مهدی زاده:** درباره پردازش حساب‌های ملی، استانداردهای جهانی مشخصی وجود دارد. در بانک مرکزی و مرکز آمار نیز از این استانداردها به صورت یکسان استفاده می‌شود، اما آنچه باعث افتراق نتایج پردازش بانک مرکزی و مرکز آمار است، اطلاعات و داده‌هایی است که در این مسیر استفاده می‌شود. یکی از تفاوت‌های اصلی بانک مرکزی و مرکز آمار درباره آمارهای رشد اقتصادی، موضوع سال پایه است. در بانک مرکزی اطلاعات بر اساس سال ۱۳۹۵ پردازش و منتشر می‌شود، اما در مرکز آمار از اطلاعات سال پایه ۱۳۹۰ استفاده می‌شود. این موضوع باعث می‌شود قیمت‌های نسبی دو سال متفاوت باشند و نتایج نیز متفاوت است.





دستیابی به متوسط رشد برنامه در سال پایانی برنامه هفتم توسعه چیست؟

در سال‌های اخیر به روندهای بلندمدت و با ثبات دست یافته‌ایم و اگر بخواهیم عقب ماندگی‌های دهه ۹۰ را جبران کنیم، باید سطوح رشد اقتصادی را افزایش دهیم. برای این افزایش نیاز به عواملی است از جمله نیروی کار داریم. در حال حاضر، متقاضیان کار به تعداد کافی وجود دارند و پیش‌بینی این است که در تخصص‌های جاری کشور با مشکل خاصی مواجه نشویم، اما در زمینه موجودی سرمایه در سال‌های اخیر این ارقام ثابت و سرمایه‌گذاری انجام شده تنها برای پوشش استهلاک بوده است و نیاز به یک حجم بالای سرمایه‌گذاری داریم. ارقام سرمایه‌گذاری در روش معمول طی سال‌های گذشته از سوی نظام بانکی تامین شده، اما اکنون به دلیل مشکلاتی که در نظام بانکی داریم، باید برای بهبود تامین مالی توسط بانک‌ها، برنامه‌های اصلاح نظام بانکی را داشته باشیم. همچنین

نکته بعدی که باعث این تفاوت‌ها است، مبنای محاسباتی است، زیرا مبنای ارزش افزوده در بانک مرکزی براساس قیمت عوامل تهیه می‌شود، اما در مرکز آمار اطلاعات از آمارهای بر مبنای قیمت بازار منتشر می‌شود که تفاوت آنها در بحث خالص مالیات‌ها است.

یکی از نکات دیگر این اختلاف، طرح‌های آماری است که در هر دو نهاد متفاوت است و تمامی این موارد موجب نتایج متفاوت آماری در این دو دستگاه است. به صورت کلی، روندهای یکسان است و ارقام نیز اختلاف زیادی ندارند، اما در زیربخش‌هایی هم تفاوت‌هایی وجود دارد.

**در اغلب برنامه‌های قبلی
توسعه، تحقق رشد ۸ درصدی
اقتصاد پیش‌بینی شده بود که
تقریباً محقق نشد. در برنامه
هفتم توسعه نیز تحقق رشد
اقتصادی متوسط ۸ درصدی
پیش‌بینی شده است. ملزومات**



مادر سال
گذشته به دلیل
برخی اخبار و
اتفاق‌ها شاهد
نوسانات و
تغییرات در بازار
ارز بودیم و با
توجه به اهمیتی
که این موضوع
در شکل‌گیری
انتظارات تورمی
در جامعه
داشت، نیاز بود
این نوسانات
مدیریت و
کاهش یابد

دستگاه‌ها در انجام وظایف خود، می‌توانند در برقراری ثبات و آرامش اقتصادی در کشور موثر و تعیین‌کننده باشد؟

● **جعفری:** نقشه راه توسط دستگاه‌های تخصصی در کشور تدوین شده و نیاز است تا دستگاه‌های اجرایی خود را ملزم به اجرا و تحقق این برنامه بدانند. مدل توسعه صنعتی کشور نیاز به بازنگری دارد و در برنامه هفتم نیز اولویت بندی‌ها به صورت کلی ذکر شده است که به نظرم نیاز به توجه بیشتر به جزئیات و نانترای‌های مختلف در بخش‌های اصلی اقتصاد است. موضوع انرژی نیاز به تصمیم‌گیری جدی و اساسی دارد، اما در زمینه خودروسازی و استفاده از ناوگان عمومی نیز نیاز به بازنگری و برنامه ریزی‌های جدی است. به صورت کلی، ثروت خوبی داریم که به بدترین شکل از آن استفاده می‌کنیم

● **مهدي زاده:** ما در سال گذشته به دلیل برخی اخبار و اتفاق‌ها شاهد نوسانات و تغییرات در بازار ارز بودیم و با توجه به اهمیتی که این موضوع در شکل‌گیری انتظارات تورمی در جامعه داشت، نیاز بود این نوسانات مدیریت و کاهش یابد. مضاف بر اینکه ریشه این نوسانات یک سری مسائل واقعی نبود؛ هرچند اثر خود را به صورت منفی در نرخ‌های بازار گذاشت، اما ریشه واقعی نداشت. رویکرد بانک مرکزی در سال گذشته تثبیت نرخ ارز در راستای جلوگیری از شوک‌های حاصل از اخبار نامطلوب به اقتصاد کشور بود. در برنامه‌های پیش‌رو نیز، هدف کاهش تاثیر این نوسانات بر سفره مردم است که براساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته واردات کالاهای اساسی با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان صورت خواهد گرفت. در سال جاری نیز پس از اعلام شعار سال از سوی مقام معظم رهبری، اقداماتی با همکاری وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه در قالب یک پکیج حمایت از تولید و حمایت از رشد اقتصادی و مهار تورم در شورای اقتصاد به تصویب رسید و وظایفی برای هر یک از دستگاه‌های مذکور تعیین شد.

● **جعفری:** طی ماه‌های اخیر نوسانات زیادی حاصل شد که بانک مرکزی برای کمک به اطمینان بخشی به فعالان اقتصادی، در جهت ثبات نرخ ارز در یک کریدور مشخص تصمیم‌گیری کرد، زیرا نااطمینانی و عدم ثبات، تورم ایجاد می‌کند. به صورت کلی، برنامه ریزی‌ها به سمتی است که مردم از تامین معیشت خود اطمینان داشته باشند.



اهدافی نیز در برنامه هفتم برای تحقق نرخ تورم تک رقمی لحاظ شده و الزاماتی نیز برای تنظیم رشد نقدینگی و افزایش پرداخت تسهیلات بانکی داریم که برای تامین این موارد باید اتکا به منابع خارجی با جذب سرمایه‌گذاری از خارج افزایش یابد تا شرایط برای بهبود رشد فراهم شود.

نکته دیگر اینکه ما باید اولویت‌های خود را در توسعه اقتصادی بشناسیم، زیرا به جایی رسیده‌ایم که باید منابع محدود فعلی را به شکل بهینه مدیریت و استفاده کنیم. برای تحقق این امر لازم است برنامه توسعه استراتژیک داشته باشیم، به خصوص در حوزه صنعت نیز باید با شناسایی اولویت‌ها و هدایت منابع، علی‌رغم وجود سرمایه شاهد تحقق اهداف مدنظر باشیم.

برنامه‌های اخیر بانک مرکزی در زمینه تحقق تثبیت اقتصادی و ارزی یک اقدام بزرگ و کلیدی است. تا چه میزان همراهی



دکتر کامران ندری، اقتصاددان
و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

انتظارات تورمی برمدار تعدیل

- نوسانات اقتصادی و ارزی در کشورمان کاهش پیدا کرده و همچنین شاهد کاسته شدن از انتظارات تورمی هستیم که به کنترل و مهار تورم کمک می‌کند
- برخلاف گذشته، شاهد هستیم که بانک مرکزی در دوره جدید، سیاست‌های ارزی خود را اصلاح کرده است

۴۴



انتظارات

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •



در سال‌های گذشته اقتصاد ایران دچار چالش‌هایی در بازارها بوده است. تصمیم‌گیری اشتباه و پرهزینه پرداخت دلار ۴۲۰۰ تومانی، نه تنها قیمت‌ها را در بازارها تعدیل نکرد، بلکه نتوانست از افزایش قیمت کالاهای اساسی نیز جلوگیری کند. با این حال، دولت وقت تا واپسین روزهای فعالیت خود، در رابرویی یک پاشنه چرخاند و بانک مرکزی را مجبور کرد تا ارز را به نرخ بالای ۱۵ هزار تومان تهیه کند و به قیمت ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالاهای اساسی تخصیص دهد. این اقدام در بازار ارز نه تنها آرامش به همراه نیاورد، بلکه با دامن زدن به انتظارات تورمی، باعث افزایش نرخ تورم نیز شد. در دولت سیزدهم، یک تصمیم شجاعانه لازم بود تا اشتباه ۴۲۰۰ تومانی را متوقف کند که چنین نیز شد. حال امروز، دولت از طریق بانک مرکزی سیاست‌هایی را در قالب تثبیت اقتصادی دنبال می‌کند که نتیجه آن آرام شدن بازارها، به ویژه بازار ارز و تعدیل انتظارات تورمی خواهد بود. ماحصل تمامی اقدامات، طبق اظهارات رییس کل بانک مرکزی به کاهش نرخ تورم خواهد انجامید که نشانه‌های آن در کاهش ۱۲ درصدی تورم نقطه به نقطه خردادماه مشاهده شده است.

برای بررسی بیشتر ابعاد اقدامات بانک مرکزی برای اعمال کنترل‌های تورمی و جلوگیری از بروز انتظارات تورمی با دکتر کامران ندری گفتگو کردیم. ندری استاد اقتصاد دانشگاه است و پیش از این نیز معاون پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی بوده است. وی ۳ کتاب در موضوعات طراحی مدل عملیاتی اوراق بهادار (صکوک)، موضوع شناسی ربا و مفاهیم و کاربرد جدول داده‌ستانده دارد. متن زیر حاصل گفتگوی هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با دکتر کامران ندری است:

صف‌های خرید ارز در مقابل صرافی‌ها مدتی است برچیده شده و دیگر خبری از فعالیت‌های واسطه‌گری در بازار ارز نیست و به نظرمی‌رسد دلایلی ارزی دیگر صرفه خود را از دست داده است. اقدامات بانک مرکزی در مدت اخیر،

چگونه منجر به جمع آوری صف‌ها شده است؟

شاهد هستیم که با اقدامات ارزی بانک مرکزی در ماه‌های اخیر همچون کاهش سهمیه فروش ارز با کارت ملی و الزام به داشتن حساب ارزی برای دریافت اسکناس ارز، دیگر خبری از صف کشیدن برای خرید دلار در مقابل صرافی‌ها نیست. این برچیده شدن صفوف خرید ارز سهمیه‌ای در راستای حذف بی‌سابقه دلایلی ارز در بازار، اقدام مثبتی بوده است، چرا که در گذشته بسیاری از افرادی که حتی نیاز به ارز نیز نداشتند، به دلیل شرایط آسان برای خرید ارز سهمیه‌ای و فروش آن در بازار آزاد، راهی صف خرید ارز با کارت ملی در مقابل صرافی‌ها می‌شدند تا بتوانند سود چند میلیونی بادآورده به جیب بزنند. در نهایت با اقدام مناسب بانک مرکزی از ابتدای امسال، این رویه غلط گذشته بازارساز به موقع اصلاح شد و در حال حاضر به دلیل شرایط و پیش‌نیازهای تعیین شده برای خرید ارز با کارت ملی همچون داشتن حساب ارزی در بانک، خبری از تشکیل صفوف خرید ارز در بازار و صرافی‌ها نیست. اصلاح این نوع رویه‌های اشتباه توسط بانک مرکزی، اثربخش و موثر بوده که نشان از توجه رئیس کل بانک مرکزی به توصیه‌های کارشناسان دارد.

انتظارات تورمی به عنوان یک عامل مهم در بروز چالش در فضای اقتصادی فروکش کرده و جامعه به بهبود شرایط امیدوارتر شده است. کدام دسته عوامل و اقدامات باعث شده تا از میزان انتظارات منفی کاسته شود؟

در هفته‌های اخیر شاهد فروکش کردن انتظارات تورمی در جامعه هستیم که دلیل این اتفاق به عوامل و اخبار مثبت داخلی و خارجی مرتبط است. در این مدت شاهد ثبات نسبی در فضای اقتصادی و کاهش انتظارات تورمی هستیم و این مساله می‌تواند در تعدیل نرخ تورم نیز نقش داشته باشد. بانک مرکزی به درستی گفته است که در سال‌های گذشته برای تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی، این بانک مجبور بوده تا ارز را با نرخ بالاتری خریداری کرده و به نرخ ۴۲۰۰ تخصیص دهد. در این شرایط با درس گرفتن از گذشته باید مراقب بود تا شرایط گذشته تکرار نشود. هرچند در حال حاضر به دلیل اینکه اوضاع به طور نسبی

با اقدام مناسب بانک مرکزی از ابتدای امسال، رویه غلط گذشته بازارساز به موقع اصلاح شد و در حال حاضر به دلیل شرایط و پیش‌نیازهای تعیین شده برای خرید ارز با کارت ملی همچون داشتن حساب ارزی در بانک، خبری از تشکیل صفوف خرید ارز در بازار و صرافی‌ها نیست



بانک مرکزی
به درستی
گفته است که
در سال های
گذشته برای
تامین ارز ۴۲۰۰
تومانی، این
بانک مجبور
بوده تا ارز را با
نرخ بالاتری
خریداری کرده
و به نرخ ۴۲۰۰
تخصیص دهد



دهند. به نظر می رسد که در حال حاضر نوسانات اقتصادی و ارزی در کشورمان کاهش پیدا کرده است و همچنین شاهد کاسته شدن از انتظارات تورمی هستیم که به کنترل و مهار تورم کمک می کند. باید در این شرایط به این نکته توجه داشت که در سال های اخیر یک سری از مسائل و مشکلات ساختاری را در اقتصادمان داریم. به نظر بنده در این شرایط بهتر است تا بانک مرکزی، در شرایط بازار ارز تغییر زیادی ایجاد نکند تا شاهد تداوم ثبات در بازار ارز باشیم.

پیشنهاد می شود تا بانک مرکزی در حال حاضر بیشتر وقت و انرژی خود را صرف اصلاح نظام بانکی کند و به دولت فشار بیاورد تا ارتباط بودجه دولت با منابع پولی و بانکی را قطع کند. البته می دانیم که کار بسیار سختی است، اما با توجه به آرایش و ثبات نسبی در بازار ارز، فرصت مناسبی است تا بانک مرکزی از این آرایش ارزی استفاده کند تا در گام نخست، به سراغ اصلاح نظام بانکی برود و به وضعیت بانک های ناتراز رسیدگی کند تا مشکلات این بانک ها حل شود. بنابراین با توجه به فضای با ثبات شکل گرفته در بازار ارز، بهتر است تا رئیس کل بانک مرکزی به سراغ مسائل و مشکلات عمقی و مبنایی تر برود و برای آنها چاره اندیشی شود.

خوب و انتظارات تورمی تعدیل شده است، مشکلی در این بخش قابل تصور نیست. اما باید در نظر داشت که اگر روند افزایش نرخ ارز در هفته های گذشته ادامه پیدا می کرد، قطعاً نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی برای دلار، مشکل ساز می شد. بهتر است در این شرایط بانک مرکزی در بازار ارز و نرخ ارز تغییری ایجاد نکند و شرایط موجود را حفظ کند. شرایط ارزی و اقتصادی تحت تاثیر مسائل داخلی و مذاکرات بین المللی قرار دارد و باید به این مولفه توجه داشت. برخلاف گذشته، شاهد هستیم که بانک مرکزی در دوره جدید، سیاست های ارزی خود را اصلاح کرده است.

سیاست تثبیت اقتصادی و همچنین اعمال کنترل های جدید در بازار ارز برای مهار تورم در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفته است. چه پیشنهاد و یا توصیه ای برای بهتر شدن روند سیاست های بانک مرکزی در بحث تثبیت اقتصادی دارید؟

مساله اصلی بانک مرکزی کنترل نرخ تورم است و کار تمام بانک های مرکزی در دنیا نیز این است که نوسانات را در اقتصاد کاهش





سیاست تثبیت اقتصادی مانع شکل‌گیری دوره‌های باطل توسعه نیافتگی

● نقطه مقابل دور باطل، دور با فضیلت (Virtuous Circle) نامیده می‌شود که با تقویت نرخ ارز و ثبات قیمت‌ها همراه است



دکتر اصغر بالسنی /

اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی



۴۷



افق‌ها

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

غلبه بردورهای
باطل توسعه
نیافتگی در
اقتصادهایی
مانند اقتصاد
ایران از مسیر
ثبات نرخ ارز
و پیش بینی
پذیر کردن این
متغیر کلیدی
می گذرد و
اگر قرار است
اقتصاد به ثبات
بلندمدت
برسد چاره‌ای
نیست جز اینکه
بانک مرکزی
با در اختیار
داشتن ابزارها و
اختیارات کامل
به مدیریت بازار
بسیار حساس
و کلیدی ارز
بپردازد

۴۸



اقتصاد پژوهش

• شماره ۲- تیر ۱۴۰۲ •

باروی کارآمدن دکتر فرزین در بانک مرکزی آنچه بیش از پیش به چشم می خورد مدیریت بازار ارز و اقتصاد کشور بر اساس یک تئوری مشخص و مدون علمی است که وجه تمایز فرزین با روسای سابق بانک مرکزی به شمار می آید. در واقع بانک مرکزی با شناخت درست از این مساله که بی ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی عملاً امکان برنامه ریزی برای رشد را از بین می برد به دنبال اجرای سیاست تثبیت به معنای ثبات بلندمدت و پیش بینی پذیر کردن متغیرهای اقتصادی است.

در این بین مدیریت با ثبات نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات مخرب این متغیر کلیدی نقطه شروع سیاست تثبیتی اقتصادی است چرا که بی ثباتی نرخ ارز عامل اصلی بی ثباتی اقتصاد به شمار می رود. این مساله از آن جهت اهمیت می باید که توجه داشته باشیم نرخ ارز در سال های گذشته عامل جدی برهم زدن تعادل اقتصاد و شکل گیری امواج جدیدی از دوره های باطل توسعه نیافتگی و فقر بوده است. حال ببینیم دور باطل فقر چیست و چرا باید این دور باطل را شکست؟

مفهوم دور باطل فقر و توسعه نیافتگی را برای اولین بار راگنارنورکس در کتاب مسائل تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه (۱۹۵۳) مطرح کرد و سپس سایر اقتصاددانان توسعه آن را بسط و توسعه دادند. نورکس بر مبنای ویژگی های ساختاری کشورهای توسعه نیافته و تحت تاثیر بحث اهمیت رابطه میان اندازه بازار و میزان تقسیم کار معتقد بود به دلیل بازارهای محدود و پس اندازهای پایین، موانع ساختاری پیش روی انباشت سرمایه وجود دارد. وی این موانع را بصورت آنچه دور باطل فقر می داند پردازش نظری کرده و به دو نوع تقسیم بندی می کند: در طرف تقاضا به علت پایین بودن تقاضای موثر، بازار محدود می شود و در نتیجه انگیزه ای برای انباشت سرمایه وجود ندارد. به علت انباشت سرمایه پایین سطح تولید و درآمد پایین است و به علت سطح پایین درآمد میزان تقاضای موثر پایین است. در طرف عرضه به علت درآمد کم، میزان پس انداز پایین است، به این علت منابع کافی برای سرمایه گذاری وجود ندارد و در نتیجه میزان تولید و درآمد ناچیز است و به علت درآمد ناچیز میزان پس انداز کم است. نورکس با نقش تجارت خارجی در رابطه با

گسترش بازار محصولات داخلی و نهایتاً ایجاد توسعه اقتصادی مخالف بود و در مقابل بر نقش بازارهای داخلی تاکید می کرد. نورکس معتقد بود که گریز از بن بست دوره های فقر نیازمند سرمایه گذاری های گسترده و همزمان در دامنه وسیعی از صنایع مختلف است. از آنجا که سرمایه گذاری های گسترده در بخش های مختلف نیازمند سرمایه زیاد است تامین سرمایه لازم برای اجرای نظریه رشد متعادل در کشورهای توسعه نیافته که عمدتاً با کمبود سرمایه لازم برای اجرای نظریه رشد متعادل مواجه هستند مسئله ای اساسی است. او در این زمینه عقیده داشت که نظریه رشد متعادل قبل از هر چیز به وجود تقاضا برای سرمایه تاکید دارد چرا که تقاضای سرمایه باعث عرضه آن می شود.

نورکس در مورد دوره های باطل فقر میگوید این دوره ها همانند برج های فلکی ساخته از عواملی هستند که مایلند از طریق کنش ها و واکنش های خود به سمت های مختلف شریاطی را ایجاد نمایند که کشورهای فقیر کماکان فقیر باقی بمانند. برای مثال همانند یک فرد فقیر که ممکن است به دلیل آنکه غذا به اندازه کافی برای خوردن ندارد از سوء تغذیه رنج می برد، دچار ضعف بنیه می باشد و از نظر فیزیکی فوق العاده ضعیف می شود و ظرفیت کار کردن او محدود است. یک چنین شریاطی نیز برای کشورهای فقیر وجود دارد. تمام این مطالب را می توان در یک جمله بیان کرد: کشور فقیر است چون فقیر است!

دور باطل اصلی از این حقیقت نشأت می گیرد که در کشورهای در حال توسعه بهره وری و کارایی کل به دلیل کمبود و عدم کارایی سرمایه، ناکامل بودن بازار، عقب ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی اندک است. دور باطل هم در طرف عرضه و هم در طرف تقاضا وجود دارد. نوع سومی از دوره های باطل در کشورهای در حال توسعه وجود دارد که در نتیجه توسعه نیافتگی منابع انسانی و طبیعی ظاهر می شود. توسعه مواد اولیه و منابع طبیعی بستگی به ظرفیت بهره وری مردم یک کشور از این منابع دارد. اگر مردم بی سواد و عقب مانده فاقد تکنیک های لازم مهارت دانش و قوه خلاقیت باشند منابع طبیعی یک کشور یا به صورت دست نخورده باقی خواهد ماند و یا اگر به مرحله بهره برداری برسند به صورت غیر اقتصادی و ناکافی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. از طرف دیگر مردم این



▲
جان کنت گالبرایت استاد
برجسته اقتصاد دانشگاه
هاروارد

۴۹



اقتصاد

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

خواهند بود مگر اینکه کارفرمایان در اقتصاد وارد شوند و متغیر ترغیب به سرمایه‌گذاری را زیاد کنند در این صورت آنها با این عمل خود تغییرات بنیادی ساختاری در عوامل تولید ایجاد خواهند کرد.

جان کنت گالبرایت استاد برجسته اقتصاد دانشگاه هاروارد هم در اثر ارزشمند خود یعنی ماهیت فقر عمومی به وجه دیگری از این معضل در کشورهای در حال توسعه با نام تعادل فقر (Poverty equilibrium) اشاره می‌کند. به اعتقاد وی، آنچه واقعیت دارد آن است که کشور غنی به افزایش درآمد تمایل دارد و تمایلات کشور فقیر به سمت یک تعادل فقر است. در یک کشور فقیر ممکن است تمایل به سمت ایجاد یک تعادل فقر باشد یعنی ممکن است افزایش درآمد نیروها و عواملی را به حرکت در آورد که اساساً اضافه درآمد را محو نمایند و سطح قبلی محرومیت را باز گردانند. به عبارت دیگر ترقی و اصلاحات خود، خودش را از بین می‌برد. به اعتقاد گالبرایت فقر نوعی بند و وابستگی در فقیر ایجاد می‌کند. در یک کشور مرفه و ثروتمند، بهبود سطح درآمد باعث افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود.

کشورها از نظر اقتصادی به دلیل عدم استفاده درست از منابع موجود دچار عقب ماندگی می‌شوند بنابراین از یک طرف منابع طبیعی توسعه نیافته عامل ایجاد شدید فقر است و از طرف دیگر توسعه نیافتگی منابع طبیعی خود به دلیل فقر است. بنابراین فقر و توسعه نیافتگی اقتصادی در یک کشور در حال توسعه مترادف‌اند. اگر کشوری فقیر است به دلیل آن است که توسعه نیافته است و اگر کشوری توسعه نیافته است به دلیل آن است که فاقد منابع لازم برای شتاب دادن به روند توسعه اقتصادی است.

نورکس البته راه حل‌هایی نیز برای برون رفت از این دوره پیشنهاد می‌کند. به اعتقاد وی، اگر امکان داشته باشد که ارزش هر متغیر مثلاً ترغیب به سرمایه‌گذاری را با لایبرد کلیه متغیرها رو به افزایش می‌گذارند. نورکس در میان امکاناتی که برای تغییر دوره‌های باطل وجود دارد این موارد را پیشنهاد می‌کند: کاهش یا حداقل متوقف کردن رشد جمعیت، اجباری کردن پس‌انداز و دریافت وام‌های بین‌المللی. با این وجود او استدلال می‌کند که بسیاری از موارد پیشنهادی احتمالاً غیر موثر

بطور کلی می‌توان بیان داشت که دور باطل از فرآیند تعدیل در یک اقتصاد نشات می‌گیرد. تعدیلی که خود ناشی از یک شوک حقیقی یا پولی است که تعادل پایدار در سیستم را دچار چالش می‌کند. الگوی تعدیل پس از ایجاد شوک در اقتصاد نیز به نوبه خود به ماهیت اختلال اولیه بستگی دارد

این پس‌انداز توسعه پیدا می‌کند و افزایش می‌یابد زیرا در دسترس نیست و برای مصارف شخصی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. تصمیم به پس‌انداز کردن در واقع به صورت گسترده‌ای آن هم نه توسط اشخاص بلکه توسط سازمان‌ها و برای آنها گرفته می‌شود. اما در کشور فقیر هر نوع اضافه درآمدی تحت فشار بسیار شدید مصرف‌قرار می‌گیرد. بدیهی است این فشارها تا بی‌نهایت ایجاد فقر می‌کنند لذا پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به حداقل می‌رسد در حالی که ارتقای سطح تکنولوژی معمولاً نیاز سرمایه‌گذاری است. به طور خلاصه حتی اگر در کشور فقیر سیاستی برای نجات از فقر به اجرا درآید عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زیادی به حرکت در می‌آیند تا مجدداً کشور را به سمت فقر سوق دهند و تعادل ایجاد شده در سطح پایین را حفظ کنند.

بدین ترتیب دور باطل توسعه نیافتگی را می‌توان فرایندی دانست که طی آن اعمال هر سیاستی با هدف خروج از توسعه نیافتگی به دلیل برخی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی مجدداً اقتصاد را به نقطه قبلی و حتی بدتر از آن بازگرداند و سیاست اعمال شده را به ضد خودش تبدیل نماید. مثلاً سیاست ضد تورمی دولت اگر مجدداً تورم را در اقتصاد شعله‌ور سازد و یا سیاست ارزی دولت که با هدف بهبود تراز پرداخت‌ها به اجرا در می‌آید چنان تورم و رکودی در اقتصاد ایجاد کند که هدف اولیه تحت الشعاع آن قرار گیرد. در اقتصادهای در حال توسعه به دلیل ویژگی‌های ساختاری و ارتباطات خاص بین متغیرها اعمال سیاست‌های نسنجیده می‌تواند به شکل‌گیری و تعمیق دوره‌های باطل بیانجامد. حال ببینیم دور باطل نرخ ارز و توسعه نیافتگی چطور شکل می‌گیرد؟

از دهه ۱۹۷۰ میلادی که رژیم نرخ ارز شناور به اشکال مختلف و با شدت متفاوت در کشورهای مختلف به اجرا درآمده تجارب مشابهی وجود دارد که نشان می‌دهد سیاست کاهش ارز پول ملی (Depreciation) موجب سرعت گرفتن تورم در اقتصاد شده که از آن به دور باطل تورم و نرخ ارز (exchange rate Vicious Circle) یاد می‌شود. در ساده‌ترین شکل این مفهوم در رژیم‌های نرخ ارز شناور هر عامل مخرب نرخ ارز چه داخلی باشد چه خارجی موجب شکل‌گیری یک فرآیند تجمعی می‌شود که در نتیجه آن تورم به وجود آمده و تورم به وجود آمده نیز مجدداً کاهش ارزش پول ملی را اجتناب

ناپذیر کرده است. این امر بدان معناست که اثر کاهش ارزش پول ملی بر قیمت‌ها و هزینه‌های داخلی تولید کالاها در نهایت باعث تقلیل بیشتر ارزش پول ملی می‌شود. نقطه مقابل دور باطل، دور با فضیلت (Virtuous Circle) نامیده می‌شود که با تقویت نرخ ارز و ثبات قیمت‌ها همراه است.

بطور کلی می‌توان بیان داشت که دور باطل از فرآیند تعدیل در یک اقتصاد نشات می‌گیرد. تعدیلی که خود ناشی از یک شوک حقیقی یا پولی است که این شوک نیز تعادل پایدار در سیستم را دچار چالش می‌کند. الگوی تعدیل پس از ایجاد شوک در اقتصاد نیز به نوبه خود به ماهیت اختلال اولیه بستگی دارد.

در هر حال نتیجه این فرآیند در نهایت سرعت گرفتن رشد تورم قیمت‌ها و دستمزدها در اقتصاد و ایجاد و تعمیق بیکاری و نهایتاً کاهش بیشتر ارزش پول ملی خواهد بود. البته در غیاب سیاست‌هایی که با دستمزدها و افزایش تورم تطبیق داشته باشند بیکاری افزایش می‌یابد و اقتصاد به نقطه تعادل و ثبات جدیدی حرکت می‌کند. در برخی کشورها ممکن است سیاست‌گذاران اقتصادی به امید پایان دادن به دوران بیکاری با اقدام به اتخاذ سیاست‌هایی نمایند. این سیاست‌ها به نوبه خود اثراتی بر قیمت‌ها و دستمزدها داشته و نهایتاً با وارد ساختن اقتصاد به دوران رکود تورمی عملاً موجب تاخیر در رسیدن اقتصاد به نقطه ثبات جدید خود می‌شوند. اگر سیاست‌گذاران به تداوم سیاست‌گذارانی خود با شرایط یاد شده ادامه دهند عملاً ورود اقتصاد به دور باطل، افزایش تورم و کاهش بیشتر ارزش پول ملی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازند.

بدین ترتیب پس از طی یک فرآیند تعدیل در اقتصاد نرخ ارز مجدداً افزایش یافته و دور باطل تورم و نرخ ارز شکل می‌گیرد. این تجربه خصوصاً پس از فروپاشی نظام برتون وودز در دهه ۱۹۷۰ میلادی و رواج رژیم‌های نرخ ارز شناور در بسیاری از کشورها مشاهده شده است.

نتیجه‌گیری آنکه غلبه بر دوره‌های باطل توسعه نیافتگی در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران از مسیر ثبات نرخ ارز و پیش‌بینی پذیر کردن این متغیر کلیدی می‌گذرد و اگر قرار است اقتصاد به ثبات بلندمدت برسد چاره‌ای نیست جز اینکه بانک مرکزی با در اختیار داشتن ابزارها و اختیارات کامل به مدیریت بازار بسیار حساس و کلیدی ارز بپردازد.





گام‌های درست بانک مرکزی در ثبات بخشی به اقتصاد

● بانک مرکزی با اعمال سیاست‌هایی در بازار ارز، کاهش فعالیت دلالان ارزی، الزام برای افتتاح حساب ارزی و... توانست گام‌های موثری را در ثبات بخشی به اقتصاد کشور بردارد



دکتر جعفر قادری /

اقتصاد دان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

۵۱



افق‌ها

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

شاخص‌های مختلف اقتصادی مانند کاهش نرخ تورم یا افزایش حجم سرمایه‌گذاری ناخالص تا به اینجا نشان‌دهنده شرایط اقتصادی رو به بهبود است که می‌تواند امیدآفرینی کند و شرایط به صورت مثبت در آینده پیش برود

۵۲



اقتصاد

• شماره ۲-۱۴۰۲ •

بانک مرکزی و مجموعه دولت برای مدیریت بازار ارز و ثبات بخشی اقتصادی چند اقدام مهم را انجام داد که تعاملات اقتصادی، اصلاح ناترازی، کاهش فعالیت دلان و الزام برای افتتاح حساب ارزی از جمله این موارد است. یکی از بخش‌هایی که به طور مستقیم از سیاست‌های ارزی تأثیر می‌پذیرد، بخش تجارت خارجی است و درآمد ارزی از عوامل اثرگذار در این بخش به حساب می‌آید که به درستی مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته است. بر همین اساس در دولت تلاش فراوانی جهت توسعه تعاملات بین‌المللی صورت گرفت و همچنان هم این روند ادامه دارد.

از نمونه این تعاملات می‌توان توافقاتی که با کشورهای همسایه و کشورهای دورتر مانند چین، روسیه، آمریکای لاتین و... به سرانجام رسید را مورد اشاره قرار داد. این رفت و آمدها در نهایت منجر به افزایش درآمدهای ارزی و در نتیجه افزایش فروش نفت و صادرات شده است.

در حقیقت تلاش‌های دولت در این زمینه امکان تسهیل کسب درآمدهای ارزی را نسبت به گذشته بیشتر کرد؛ زیرا به این طریق زمینه صادرات نفتی و غیرنفتی بیشتری فراهم آمد و انتظارات فعالان اقتصادی تا حدودی برآورده شد و بخشی از نگرانی‌ها نسبت به افزایش نرخ ارز نیز کاهش یافت. علاوه بر این مسئله، کارهای دیگری هم برای مدیریت نرخ ارز صورت گرفته که کاهش ناترازی بودجه‌ای، ارزی و ناترازی در حوزه‌های مختلف مانند بارانه، انرژی و مسائل اینچنینی از جمله این موارد است. از سویی، سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه نفت، برق و دیگر موارد صورت گرفته که باعث شد تا نگرانی‌هایی که از گذشته نسبت به قطعی برق و گاز وجود داشت، برطرف شده و تولید وضعیت با ثباتی پیدا کند و در کنار اینها بانک مرکزی تقاضاهای مشروع را هم در مرکز مبادله ارزی پاسخ داده است. در رابطه با ارز، یک بازار آزاد وجود دارد که نوعاً تقاضای آن برای سفته‌بازی یا انتقال سرمایه خارج از کشور است که طبیعتاً

امکان پاسخ برای آنها وجود ندارد، ولی سایر تقاضاهای مشروع در حال پاسخ است و در کنار آن هم کاری که در مجلس صورت گرفت؛ مانند وضع مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر زمین‌های رها شده و خانه‌های خالی نیز کمک کننده بود.

با به کارگیری این سیاست‌ها تقاضای سفته‌بازی برای مجموعه کالاهایی که مصارف دوگانه مانند زمین، مسکن و ارز دارند از بین می‌رود و اگر هم وجود داشته باشد، شدیداً کاهش پیدا خواهد کرد. تخلیه حبابی که قبل از این برای قیمت‌ها شکل گرفته بود، باعث می‌شود، دیگر در این بازارها تقاضای سفته‌بازی را شاهد نباشیم. علاوه بر کارهای انجام شده، الزام برای افتتاح حساب ارزی و انجام نقل و انتقالات از این طریق بسیار کار سنجیده‌ای بود؛ زیرا توسط بانک مرکزی قابل رصد است و جلوی خرید و فروش‌هایی که در خیابان انجام می‌شود، با این روش گرفته خواهد شد. با وجود چنین امکانی فراهم آوردن ارز از دلال باید به عنوان کار قاچاق تلقی شود و با خریداران و فروشندگان برخورد قضایی صورت گیرد. برای توسعه این سیاست توسط بانک مرکزی، کافی است ارز به حساب ارزی واریز و هدف از تقاضای دریافت این ارز هم مشخص شود. همچنین برای مدیریت بازار ارز به طور کلی باید مجموعه عوامل مختلفی دست در دست هم دهند.

جلوگیری از هزینه استقراض از بانک مرکزی برای طرح و پروژه‌های عمرانی و ورود نقدینگی‌ها در بخش‌های مولد از جمله این موارد است. مخصوصاً بحث مولدسازی خیلی در حل مشکلات و گره‌های کشور کمک کننده خواهد بود. نباید از نظر دور داشت، شاخص‌های مختلف اقتصادی مانند کاهش نرخ تورم یا افزایش حجم سرمایه‌گذاری ناخالص تا به اینجا نشان‌دهنده شرایط اقتصادی رو به بهبود است که می‌تواند امیدآفرینی کند و شرایط به صورت مثبت در آینده پیش برود. چنانچه روش‌های صحیح علمی با دقت مورد توجه قرار گیرد، مشکلات برطرف شده و آینده چهره امیدوارانه‌تری به خود خواهد گرفت.

دکترهادی قوامی، اقتصاددان و معاون سابق وزیر اقتصاد
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

شواهد می‌گوید تورم تا پایان سال کاهشی خواهد بود

- روند نرخ تورم نقطه به نقطه در خرداد ماه کاهشی شده و این نشان دهنده آن است که متوسط تورم تا پایان سال هم کاهشی خواهد بود
- هدف‌گیری بانک مرکزی در اجرای تثبیت اقتصادی به درستی انجام شده است
- حذف شدن صف‌های خرید ارز و کاهش نرخ ارز و مجموعه تدابیر اتخاذ شده توسط بانک مرکزی در ماه‌های اخیر، نشان می‌دهد بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای در اختیار خود، شرایط را به سمت مثبت شدن و حرکت منطقی بازار ارز پیش می‌برد



حذف شدن
صف‌ها و
کاهش نرخ
ارز و مجموعه
تدابیر اتخاذ
شده توسط
بانک مرکزی،
نشان می‌دهد
بانک مرکزی
با استفاده از
ابزارهای در
اختیار خود،
شرایط را به
سمت مثبت
شدن و حرکت
منطقی بازار ارز
پیش می‌برد

بانک مرکزی با طراحی سیاست تثبیت اقتصادی، برای کنترل نرخ تورم از طریق مدیریت بازار ارز، کنترل نقدینگی، تنظیم‌گری در بازارها، تقویت مرکز مبادله ایران و ... هدف‌گذاری کرده است. در خردادماه امسال، نرخ تورم نقطه به نقطه به میزان ۱۲ درصد کاهش یافته و طبق پیش‌بینی رییس کل بانک مرکزی، روند کاهش نرخ تورم در ماه‌های آینده نیز ادامه‌دار خواهد بود.

در این رابطه با دکتر هادی قوامی، معاون سابق امور حقوقی و مجلس وزارت اقتصاد و نماینده سابق مجلس در ادوار هشتم تا دهم به گفت‌وگو پرداختیم که با هم می‌خوانیم:

کدام ویژگی‌ها در اقتصاد ایران وجود دارد که باعث می‌شود تا ابرتورم شکل بگیرد؟

یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران وجود تورم دورقمی است. تا سال ۹۷ متوسط تورم در اقتصاد ایران ۲۰ درصد بود که نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش‌ها برای تک‌رقمی شدن نرخ تورم، موفقیتی به دست نیامد و دوباره به آن متوسط بلندمدت ۲۰ درصدی خود برگشت. البته این متوسط تورم بعد از سال ۹۷ به مرز ۴۰، ۷۰ و حتی ۸۰ درصد هم در برخی بخش‌ها رسید، اما هیچگاه متوسط نرخ تورم در اقتصاد ایران ۸۰ درصد و بیشتر نشده و نخواهد هم شد. شکل نگرفتن ابرتورم با تمام پیش‌فرض‌هایی که در این رابطه طرح می‌شود، به ویژگی‌های اقتصاد کشور ما برمی‌گردد. در بهار امسال و به ویژه در خردادماه، روند نرخ تورم نقطه‌ای کاهشی شده و این نشان دهنده آن است که متوسط تورم تا پایان سال هم کاهشی خواهد بود.

مشخصاً کدام ویژگی‌ها باعث می‌شود تا اقتصاد ایران دچار ابرتورم نشود؟

ایران چند دهه با تورم روبرو بوده و چنانچه ویژگی ونزوئلایی شدن را تا به امروز داشت، در یکی از مقاطعی که تحریم‌های سخت‌تری به ما تحمیل شد و تکانه‌ای به اقتصاد ایران وارد آمد، این اتفاق روی می‌داد. با این وجود، واقعیت این است که از سال ۹۷ به این طرف متوسط بالایی از نرخ تورم را تجربه کرده‌ایم که حتماً باید کاهش پیدا کند. البته هدف‌گیری در برنامه هفتم و رساندن تورم در سال پایانی آن به

۹۰،۵ درصد نشان می‌دهد که جهت‌گیری دولت و سیاست‌گذار پولی و مالی به سمت و سویی است که تورم کنترل شود. البته سال قبل به دلیل حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، تورم رشد داشت، ولی امروز شرایط ما نسبت به سال ۱۴۰۱ بهتر است و چشم‌انداز آینده و پیش‌بینی این است که متوسط تورم تا پایان سال با روند کاهشی، به ۳۵ درصد خواهد رسید.

بانک مرکزی طرح تثبیت اقتصادی را در دست اجرا دارد. هدف اصلی آن هم مهار نرخ تورم از طریق تثبیت بازار ارز، کنترل نقدینگی، رگولیشن بازارها و ... است. اجرای سیاست تثبیت چقدر به بهبود عملکرد اقتصاد ایران کمک خواهد کرد؟

در خصوص کنترل تورم، یک ضریب همبستگی بین نرخ تورم و متغیرهای مهم تأثیرگذار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد نوسانات نرخ ارز، حجم نقدینگی و تغییرات پایه پولی از عواملی به حساب می‌آیند که در تغییرات نرخ تورم اثر بالایی دارند. در کنار این عوامل اثرگذار بر نوسانات تورمی، افت و خیز نرخ ارز نیز از پراهمیت‌ترین متغیرهاست. بنابراین هدف‌گیری بانک مرکزی در اجرای طرح تثبیت اقتصادی به درستی انجام شده؛ زیرا صیانت از ارزش پول ملی جزء وظایف این نهاد پولی محسوب می‌شود تا بتواند با استفاده از ابزارهای موجود، ارزش ریال را حفظ و اقتصاد کلان را به ثبات برساند. بنابراین بانک مرکزی باید برای کنترل نقدینگی، مهار پایه پولی و نوسانات نرخ ارز برنامه جامعی در اختیار داشته باشد تا تورم را کاهش دهد.

نرخ ارز و نوسانات این بازار همواره یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری پولی در ایران است. چقدر سیاست‌های دولت‌های گذشته منجر به این شد که نرخ ارز حرکت هزینه‌زایی را در اقتصاد ایران داشته باشد؟ چه عواملی در حرکات سینوسی نرخ ارز مؤثر بودند؟

به صورت کلی می‌توان گفت که غیر از دهه ۸۰، در ۴ دهه گذشته بنا به دلایلی شاهد جهش‌های ارزی بوده‌ایم. اولین آن خروج سرمایه، به



خصوص پس از انقلاب است که محدودیت ارزی برای کشور ایجاد کرد. مسئله بعدی کاهش درآمدهای نفتی در سال های جنگ و نیمه دوم دهه ۷۰ است که این هم خودش عامل مهمی به حساب می آید؛ زیرا نرخ ارز از ۶۰ تومان و ۱۰۰ تومان به سطوح بالاتر رسید. نکول بازپرداخت بدهی خارجی دولت در نیمه نخست دهه ۷۰ هم عامل قابل توجه دیگری است که نباید دور از نظر داشت و در نهایت تحریم های مالی و اقتصادی به خصوص در دهه ۹۰ است که گرفتاری های زیادی برای ما به وجود آورده بود.

در دولت های گذشته معمولاً معضلی به اسم صف خرید ارز وجود داشت و در همین رابطه برخی هم سرمایه هایشان را از دست می دادند. خوشبختانه در مدت اخیر با کنترل نوسانات ارزی و جلوگیری از رشد نرخ ارز، دیگر شاهد این صف ها نیستیم و به نظر می رسد، سواگران از این بازار خارج شده اند و این بازار دیگر برای دلان سودآور نیست. نظر شما درباره این اقدامات بانکی مرکزی و برچیده شدن صف های ارز چیست؟

بانک مرکزی در زمینه جمع آوری صف دلان، نسبتاً موفق عمل کرده است؛ زیرا در غیر این صورت باید همچنان این صف های طولی را مشاهده می کردیم. به عبارتی دیگر حذف شدن صف های خرید ارز و کاهش نرخ ارز و مجموعه تدابیر اتخاذ شده توسط بانک مرکزی در ماه های اخیر، نشان می دهد بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای در اختیار خود، شرایط را به سمت مثبت شدن و حرکت منطقی بازار ارز پیش می برد. یکی از کارهایی که در این زمینه از سوی دولت انجام شده، ارتباطاتی است که با کشور عربستان صورت گرفت. تقویت دیپلماسی اقتصادی از عواملی است که بازار را به سمت شوک مثبت انتظارات پیش می برد و هرچه جو مثبت افزایش یابد، نرخ ارز کاهش بیشتری را تجربه خواهد کرد و مسیر به سمت ثبات بیشتر پیش می رود. البته در این زمینه و برای جلوگیری از جهش های ارزی، باید سیاست های کوتاه مدت و بلندمدت با هم دیده شود. اقدام به اصلاحات ساختاری در بودجه و رفع مشکلاتی که به کسری منتهی می شود از جمله

مسائلی است که بر عملکرد نظام بانکی کشور تأثیرگذار خواهد بود. رفع ناترازی ها در نظام بانکی مسئله دیگری است که البته بانک مرکزی برای آن برنامه مشخصی دارد. مجموع این اقدامات نشان می دهد که نرخ تورم به سمت کاهش بیشتری تا پایان سال در حرکت است.

آمارها حاکی از رشد اقتصادی است. اقتصاد ایران هشتمین فصل پیاپی رشد مثبت را پشت سر گذاشته و شواهد نشان می دهد که این روند ادامه دار خواهد بود. چه عوامی بر ادامه روند رو به رشد موثر است؟

رشد اقتصادی از دهه ۹۰ به این طرف فراز و فرود زیادی داشته، به این معنا که در سال هایی به ۱۲ درصد و در یک سال منهای چهار درصد بوده است، ولی طی چهار فصل سال ۱۴۰۱ تغییرات مثبتی در رشد اقتصادی به وجود آمد که مثبت ارزیابی می شود. یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، بهره وری است که برای کسب آن به یک فکراساسی نیاز داریم. تمام سیاست های پولی و مالی، اقدامات و قانون گذاری ها چه در قالب طرح و لویایح و یا اقدام دیگر در اقتصاد کلان، باید به افزایش بهره وری و کاهش هزینه ها معطوف شود. در برنامه هفتم مانند برنامه های قبل پیش بینی شده تا یک سوم از رشد متوسط سالیانه هشت درصدی از کانال بهره وری فراهم شود، این خواست زمانی به شکل عملیاتی در می آید که طرحی نو داشته و نگاه جدیدی حاکم شود. بهره وری کل عوامل تولید، سرمایه، نیروی کار و... زمانی افزایش پیدا می کند که از طریق آن بتوان رشد را تأمین کرد. چنانچه رشد از کانال بهره وری محقق شود، می توانیم رشدهای تا ۸ درصد پیش بینی برنامه را نیز به صورت مستمر داشته باشیم.

اگر بخواهیم اولویت بندی کنیم، به نظر شما دولت برای دستیابی به رشد باید چه اقداماتی را در اولویت قرار دهد و بر چه مواردی تأکید داشته باشد؟

برای این که به رشد بادوام و متوسط بالا دست پیدا کنیم باید کانال های تولید رشد فعال شوند. مسئله بعدی، استفاده از منابع دیگران است و این همان کاری است که کشورهای پیشرفته

بانک مرکزی در زمینه جمع آوری صف دلان، نسبتاً موفق عمل کرده است؛ زیرا در غیر این صورت باید همچنان این صف های طولی را مشاهده می کردیم





هدف‌گیری
بانک مرکزی
در اجرای
طرح تثبیت
اقتصادی به
درستی انجام
شده؛ زیرا
صیانت از ارزش
پول ملی جزء
وظایف این نهاد
پولی محسوب
می‌شود

صادر کرد. با این کار هم برای کشور مبدأ ایجاد ارزش افزوده می‌کند و هم کارخانه‌های داخلی ما فعال باقی می‌مانند. عامل دیگر استفاده از منابع طبیعی و امکانات داخل کشور است. علاوه بر این مسئله نباید از تأثیر پر اهمیت سرمایه‌گذاری در رشد غافل ماند. سرمایه‌گذاری از دو نوع القایی و مستقل تشکیل شده که هر یک اهمیت خاص خود را در فضای اقتصادی به دنبال دارد. سرمایه‌گذاری القایی از کانال نرخ بهره تهییج می‌شود، به این معنا زمانی که نرخ بهره پایین می‌آید، سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا نرخ بهره بالا هزینه‌های تأمین مالی را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری مستقل نوع دیگر است که متأسفانه در دهه ۹۰ همواره نزولی بوده، حتی استهلاک سرمایه نیز در دوره ۱۰ ساله ۹۰ جبران نشده است. برای این که بتوان

انجام می‌دهند. زمانی کشورهای پیشرفته از طریق غارت مستقیم کشورهای در حال توسعه، رشدشان را تأمین می‌کردند، امروز همان کار را به صورت غیرمستقیم انجام می‌دهند. در ایران اعتقادی به استثمار دیگر کشورها وجود ندارد، ولی با حفظ رابطه خود با کشورهای همسایه و کشورهای آسیای میانه از نظر اقتصادی شرایط بهبود پیدا خواهد کرد و از ظرفیت آنان می‌توان برای تأمین رشد اقتصادی استفاده برد.

این کار را باید چگونه انجام دهیم؟

یک نمونه اینکه اکنون که در فصل برداشت گندم قرار داریم، از آنجا که کارخانه‌های زیادی برای تولید آرد در کشور وجود دارد، می‌توان گندم کشورهایی مانند قزاقستان را با دریافت کارمزد به آرد تبدیل و مجدد به همان کشور



سرمایه‌گذاری
مستقل در
دهه ۹۰ همواره
نزولی بوده،
حتی استهلاک
سرمایه نیز در
دوره ۱۰ ساله ۹۰
جبران نشده
است



گواهی آمار مرکز آمار ایران به ۸۱۵ هزار نفر رسید. در واقع یک چهارم کارآفرینان در اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۹۵ از بین رفته‌اند، در صورتی که اگر به کارآفرینان در اقتصاد تحت عنوان یک محصول نگاه شود و تعدادشان افزایش یابد، دانش فنی هم توسعه پیدا می‌کند و کشف منابع جدید نیز اتفاق می‌افتد. درباره کارآفرینان باید این نکته را اضافه کرد که ترکیب آنها با بنگاه‌های تولیدی و اندازه این بنگاه‌ها اهمیت دارد. این ویژگی‌ها باعث می‌شود، دانش فنی بالا برود و منابع جدید کشف و سرمایه‌گذاری اتفاق افتد. تمام موارد اشاره شده در نهایت به بالا رفتن رشد اقتصادی منجر خواهد شد. باید برای کارآفرینان شرایط اجتماعی مساعدی فراهم آید تا بر تعدادشان اضافه شود و مانند لوکوموتیو بقیه بخش‌ها را به دنبال خود بکشند.

سرمایه‌گذاری را به نرخ بالایی رساند، نیاز است تا زمینه فعالیت سرمایه‌گذاری مستقل مهیا شود؛ زیرا سرمایه‌گذاری مستقل تابع کشف منابع جدید و دانش فنی است. بسیاری از کارخانه‌ها را در طول سال‌های گذشته وارد کشور کردیم، انتقال تکنولوژی هم صورت گرفت، ولی تکنولوژی وارداتی در داخل ایجاد نشد و همین موضوع هزینه‌های انتقال تکنولوژی را در کشور بالا برد.

برای حل این مشکل باید چه کاری انجام داد؟

آنچه در این خصوص بسیار مهم به نظر می‌رسد، افزایش دانش فنی است که باید ارتقا و توسعه پیدا کند، البته دانش فنی تابع توسعه کارآفرینی است. متأسفانه تعداد کارآفرینان که حدود یک میلیون و ۲۳۰ هزار نفر در سال ۸۲ تا ۹۵ بود، به

۵۷



اقتصادنا

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •



در میزگرد تازه‌های اقتصاد با حضور دکتر محمد جواد محقق‌نیا، استاد اقتصاد و دکتر عبدالمجید شیخی، اقتصاددان بررسی شد

نتیجه رشد اقتصادی بزودی در زندگی مردم لمس خواهد شد

- محقق‌نیا: نتیجه این افزایش تولید و رشد اقتصادی در زندگی مردم قطعاً خودش را نشان خواهد داد و باعث رفاه و افزایش سطح رضایت مندی مردم نیز خواهد شد
- شیخی: فضا در دهه نود برای فعالیت‌های غیرمولد فراهم شده بود و فعالیت‌های مولد تضعیف شد که در نتیجه به تولید لطمه خورد

۵۸



اقتصاد

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●

محقق نیا: نباید
 اجازه دهیم
 منابع بانکی
 به دست کسی
 برسد که به
 دنبال دلالی
 و سودجویی
 است. چرا
 باید به دست
 کسانی برسد
 که فعالیت‌های
 غیررسمی
 دارند و مالیاتی
 هم پرداخت
 نمی‌کنند؟
 بنابراین باید
 برای این مسائل
 چاره‌اندیشی
 شود که در
 حقیقت
 همان اقتصاد
 مقاومتی است
 که در گذشته
 توسط رهبر
 انقلاب مورد
 تاکید قرار
 گرفت



سوالات، بهانه میزگردی شد در هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با حضور دکتر محمدجواد محقق نیا، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر عبدالمجید شیخی اقتصاددان و استاد دانشگاه که به سوالات مختلف در زمینه چالش‌ها و دلایل عدم رشد اقتصادی در دهه ۹۰ پاسخ گفتند.

وقتی از رشد اقتصادی صحبت می‌کنیم، ممکن است تعابیر متفاوتی به ذهن برسد. تعریف مشخص شما از رشد اقتصادی چیست؟ آیا مردم نتیجه رندهای مستمر اخیر را در زندگی خود خواهند دید؟

• **محقق نیا:** رشد به معنای ازدیاد و افزایش کمی تولید (بخش‌های کشاورزی، صنعت، تجارت و ...) در کشور است. مثلاً در بخش خودرو ۱۰۰ هزار دستگاه تولید شده و حالا به ۱۲۰

کشور برای توسعه و گردش چرخ‌های تولید نیازمند رشد است. رشد مثبت و مستمر؛ اما این رشد در دوره‌های قبل اتفاق نیفتاد، آن هم نه یکسال و دو سال؛ بلکه یک دهه در دولت‌های گذشته، رشد اقتصادی کشور در حد صفر باقی ماند. حالا شرایط تغییر کرده و دولت سیزدهم برنامه‌ریزی موثری برای برون رفت از این شرایط تدبیر کرده است. نتیجه آن شد که امروز کشور هشتمین فصل پیاپی رشد اقتصادی مثبت را نیز پشت سر گذاشت و رشد اقتصادی در پایان سال گذشته به بیش از ۴ درصد رسید و قرائن موجود نشان از آن دارد که این رشد مثبت در سال جاری نیز ادامه‌دار خواهد بود. اما چرا در دهه ۹۰ موتور رشد اقتصاد ایران خاموش شد؟ زیان عدم رشد مثبت چه بود؟ نتایج تصمیمات اشتباه اقتصادی در سطح کلان چه خسارت‌هایی را متوجه اقتصاد ایران کرد؟ دریافت پاسخ این





در اقتصاد شود. ولی وقتی همراه با پیشرفت می‌شود، قاعدتا به یک رشد اقتصادی متوازن و باکیفیت برای همه آحاد جامعه و به خصوص برای دهک‌های کم درآمد می‌رسیم.

● **شیخی:** از دیدگاه قرآنی رشد یک مفهوم بسیار عمیقی است که در بردارنده هم کمیت و هم کیفیت است. ولی متأسفانه در ادبیات اقتصادی از رشد فقط به عنوان یک شاخص کمی استفاده می‌شود. از دیدگاه ادبیات متعارف اقتصادی، توسعه یک فرآیندی فراتر از رشد است؛ یعنی علاوه بر اینکه یک افزایش کمی در درون متغیر وجود دارد، کیفیت هم افزایش پیدا می‌کند. لذا از واژه توسعه با عنوان رشد کمی و کیفی استفاده می‌کنند.

وقتی می‌گویند اقتصاد رشد

هزار دستگاه خودروساز رسیده است، این به معنای رشد در تولید است. بنابراین وقتی رشد کمی اتفاق می‌افتد، به این مفهوم است که زندگی و رفاه مردم بهتر می‌شود. نتیجه این رشد این است که رفاه و سطح زندگی مردم بهتر می‌شود. در مقابل رشد کمی، ما توسعه را داریم. به بیان دیگر در کنار رشد کمی، رشد و توسعه کیفی را هم داریم. در نتیجه هنگامی که این دو مولفه کمی و کیفی را در کنار هم داشته باشیم، می‌توانیم به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنیم. رهبر انقلاب هم در این سال‌ها بر واژه پیشرفت تأکید داشته‌اند، زیرا در مفهوم پیشرفت، کیفیت مدنظر قرار می‌گیرد و حتی می‌توان اشاره داشت که در مفهوم پیشرفت، کیفیت بر کمیت اولویت دارد. چه بسا کمیتی که در آن عدالت هم نباشد و بیشتر باعث ناعدالتی و عدم توازن



شیخی: در دهه نود توجهی به شکوفایی توانایی‌ها نشد و همه چیز را به ناز کشورهای غربی گره زدند. در واقع هیچ برنامه‌ای برای احیای بخش مولد اقتصاد نداشتند

مردم قطعا خودش را نشان خواهد داد و باعث رفاه و رضایت مندی مردم نیز خواهد شد.

● **شیخی:** وقتی اقتصاد رشد می‌کند، در حقیقت یک تغییراتی در متغیرهای اقتصادی رخ می‌دهد. شاخص‌ترین و ساده‌ترین این است که ارزش افزوده در اقتصاد ایجاد می‌شود و تولید از یک سطحی به سطحی بالاتری افزایش پیدا می‌کند. رشد تولید ناخالص ملی و یا رشد تولید ناخالص داخلی یک شاخص از رشد ارزش کل کالا و خدمات در دوره زمانی یک ساله در کشور ایجاد شده است. این رشد می‌تواند به همراه خودش، افزایش درآمد را داشته باشد. افزایش درآمد می‌تواند به دلیل افزایش تولید و افزایش قدرت خرید باشد که آن هم متعاقب افزایش اشتغال ایجاد می‌شود. طبعا اگر افزایش درآمد ایجاد شود، این افزایش درآمد باعث افزایش سطح رفاه و بهبود الگوی مصرف توسط مصرف‌کننده می‌شود که کیفیت و کمیت نظام مصرفی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، رشد می‌تواند در نظام تولید نشان داده شود. زیرا ارزش افزوده فعالیت‌های توزیعی در محاسبات تولید ناخالص داخلی لحاظ می‌شود. رشد نظام توزیع هم می‌تواند افزایش سطح رفاه عوامل توزیع‌کننده را بالا ببرد. بنابراین در سه مقوله تولید، توزیع و مصرف عملا این رشد محسوس خواهد بود.

یک دهه گذشته رشد اقتصادی نزدیک به صفر را پشت سر گذاشتیم. رشد کدام یک از بخش‌های اقتصادی متوقف شد و چرا نتوانستیم به اهداف برنامه پنج ساله توسعه دست یابیم؟

● **محقق نیا:** باید در نظر داشت که در مدت یاد شده، رشد اقتصادی نزدیک به صفر رقم خورد اما سفره و زندگی توده و عامه مردم طبق آمارهای اعلام شده، ۲۴ درصد کوچک‌تر شد. این به معنای آن است که سهم فقرا کم و سهم ثروتمندان بیشتر شد. وقتی نرخ رشد حدود صفر درصد است، باید همه درجا بزنند، اما یک عده‌ای پس رفت داشتند که به معنای آن است که سفره یک عده‌ای بزرگ‌تر شد. یعنی به رغم شرایط بد اقتصادی، به دلیل اقداماتی که صورت گرفت، اوضاع یک گروهی بهتر شد و در عوض اوضاع معیشتی و سفره عامه مردم بدتر شد و یک چهارم آن آب رفت. به بیان دیگر در دهه گذشته، بی‌عدالتی مشاهده شد و اگر



می‌کند، این عبارت چه معنا و مفهومی دارد؟ پیرو سوال قبلی، بالاخره چگونه رشد اقتصادی فعلی برای مردم ملموس خواهد شد؟

● **محقق نیا:** وقتی تولید ناخالص یک کشور را اندازه‌گیری می‌کنیم، تمام اتفاقاتی که در یک سال گذشته افتاده است تبدیل به ارزش ریالی می‌شود و پس از محاسبه، مشخص می‌شود که به فرض سال قبل A تومان تولید داشتیم و امسال این رقم به $A+2$ رسیده است. اینجا می‌گویند که رشد اتفاق افتاده است. اگر $A-2$ شده بود، از در جازدن رشد سخن گفته می‌شود و در حقیقت پس رفت داشتیم. بنابراین پیشرفت یا رشد به معنای افزایش تولیدات یک کشور است. نتیجه این افزایش تولید در زندگی



که در اقتصاد ایران می‌بینیم و کالاهایی که می‌توان در داخل تولید کرد و تحریم ناپذیر هم هستند، ما به راحتی می‌توانستیم تحریم‌ها را پشت سر بگذاریم.

به عنوان مثال، یکی از بانک‌های کشور در دهه نود یک مجتمع اقتصادی و تجاری در انتهای یکی از اتوبان‌های تهران با رقم ۴۰ هزار میلیارد تومان ساخت، در حالی که پالایشگاه ستاره خلیج فارس را با ۳۰ هزار میلیارد تومان راه‌اندازی کردند. حال اگر دولت قبل به مالک آن بانک و سهامدارانش می‌گفت که به شما نفت خام به قیمت ۵ دلار زیر قیمت فوب می‌دهم و به من بنزین تحویل بده و با اینکه بنزین را صادر کن و دلار صادراتی را به دولت تحویل بده، در نتیجه با این ۴۰ هزار میلیارد تومان می‌توانستیم یک پالایشگاه ستاره خلیج فارس ۲ بنزیم و صادرات بنزین داشته باشیم و تحریم‌ها را کاملاً دور بنزیم. زیرا بنزین یک کالای تحریم ناپذیر است و اطراف ایران همه متقاضی بنزین هستند. اما در حال حاضر

با توجه به برابری مصرف و تولید بنزین در داخل، مازاد صادرات و ارزآوری از این ناحیه نداریم. بنابراین اگر در ده سال گذشته مثلاً یک پالایشگاه ستاره خلیج فارس ۲ داشتیم، واقعا بخشی از تحریم‌ها بی‌اثر می‌شد. یعنی با یک تدبیر کوچک، مجتمعی که قرار بود هاب واردات شود و برندهای مختلف بیابند آنجا و نمایندگی بزنند، اما به جای این اتفاق، می‌توانستیم به منبعی برای هاب صادرات در منطقه تبدیل شویم و برای کشور درآمدزایی داشته باشد. اما الان به یک مضرلی تبدیل شده و باعث ناترازی همان بانک نیز شده است چون درآمدزایی ندارد. این مشکلات قابل تدبیر بود، به شرط آنکه اگر دولت وقت به سمت هدایت اعتبار می‌رفت. در شرایطی که در حال جنگ هستیم، نباید ۷۰ درصد تسهیلات بانکی به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی و دلالی و غیرمولد برود. این رویه یعنی ضد رشد تولید و توسعه و همراهی با تحریم‌هاست. به جای اینکه به واردات بپردازیم باید به صادرات کمک می‌کردیم. نباید اجازه دهیم منابع بانکی به دست کسی برسد که به دنبال دلالی و سودجویی است. چرا باید به دست کسانی برسد که فعالیت‌های غیررسمی دارند و مالیاتی هم پرداخت نمی‌کنند؟ بنابراین باید برای این مسائل چاره‌اندیشی شود که در حقیقت همان اقتصاد مقاومتی است که در گذشته توسط رهبر انقلاب مورد تأکید قرار



ما همان رشد صفر را داشتیم، اما برای همه به یک شکل اتفاق می‌افتاد شاید وضعیت نگران کننده نبود. چرا این اتفاق افتاد و رشد اقتصادی کشورمان در دهه گذشته متوقف شد؟ برای پاسخ به این سوال باید توجه داشت که وقتی رئیس دولت قبل، همه چیز را به تحریم و ارتباطات با خارج گره می‌زند و از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های گسترده اقتصادی داخل کشور غافل می‌شود، نتیجه می‌شود همین رشد اقتصادی حدود صفر درصد. این در حالی است که می‌دانیم که یک کشور پهناور و بسیار پرپتانسیل هستیم و ظرفیت‌های زیادی داریم؛ به نظر بنده ما بیشتر از اینکه از تحریم‌ها آسیب ببینیم از خودتحریمی‌ها آسیب دیدیم که این خودتحریمی نتیجه عملکرد دولت گذشته بوده است. فرض کنید ما یک کالایی را به هزار مصیبت از تحریم‌ها دور می‌زنیم و به گمرک می‌رسانیم، بعد باید شش ماه معطل ترخیص آن باشیم یا آنقدر می‌ماند که فاسد می‌شود. بنابراین ما در سال‌های اخیر دچار خودتحریمی شده‌ایم و قوانین داخلی ما متناسب با شرایط تحریم نبود و بایستی به سرعت بازبینی می‌شد، ولی این اتفاق نیفتاد و در نتیجه اقتصاد ما به شدت ضربه خورد. زیرا به دلیل سیاست‌های دولت قبل، اقتصاد ما به مسائل بین‌المللی گره خورد. البته می‌دانیم که مسائل بین‌المللی تأثیرگذار است و نمی‌توان نفی کرد، اما با توجه به پتانسیل‌هایی





گرفت. باید پایه اقتصاد داخلی را تقویت کنیم. اگر تسهیلات بانکی در سال‌های گذشته به سمت تولید و صادرات هدایت می‌شد، امروز بازار اطراف کشورمان برای صادرات و ارزآوری فراهم بود. به عنوان نمونه الان کشور روسیه آماده است تا از کشورمان تا ۸۰ میلیارد دلار کالا وارد کند، اما با مشکل زیرساخت‌ها مواجه‌ایم. اگر جلوی نشتی‌های اقتصاد را بگیریم، اقتصاد ایران مثل یک شیرخفته است که سراز خواب برمی‌دارد و توانایی بروز و ظهور در منطقه و کل دنیا را دارد.

عدم فروش نفت در دولت گذشته به بهانه تحریم، تا چه اندازه به اقتصاد کشور ضربه زد؟

● **محقق نیا:** نفت در اداره جاری اقتصاد موثر است. اما باید توجه داشت که در خصوص نفت دچار تحریم بودیم اما آیا برای فروش و صادرات فرآورده‌های نفتی هم تحریم بودیم؟ چرا که فرآورده‌های نفتی قابل تحریم نیست. چون اطراف ایران برای دریافت بنزین، اسکناس می‌دهند. به صورت مکرر از سوی عراق مراجعه می‌کنند و تقاضای بنزین از ایران دارند. خوب اگر امروز پالایشگاه ستاره خلیج فارس ۲ را داشتیم، روزانه ۱۰۰ میلیون لیتر بنزین صادر می‌کردیم، از سویی روزانه ۷۰ میلیون دلار و ماهانه ۲ میلیارد دلار و سالانه ۲۴ میلیارد دلار ارزآوری برای اقتصاد کشورمان داشتیم. مگر از فروش نفت بیشتر از این رقم درآمد داریم. اگر فروش نفت توسط آمریکا تحریم و بسته شده است باید خودمان راه بهتری باز کنیم، ولی دولت قبل این کار را نکرد. ایران کشوری پهناور با حداقل ۱۵ همسایه، پتانسیل و ظرفیت بالایی برای ایجاد درآمد و ارزآوری دارد. تمام کشورهای همسایه امروز از ایران بنزین می‌خواهند؛ از ترکیه تا افغانستان و پاکستان و عراق همه بنزین می‌خواهند، اما ما به دلیل قوانینی که در گذشته داشتیم از تولیدکننده و سرمایه‌گذار داخلی حمایت نکردیم که به سمت تولید بنزین و امثال آن بروند.

● **شیخی:** دلیل عقب ماندگی دهه نود در رشد اقتصادی را بایستی به دو دسته عوامل تقسیم کرد. عواملی که سلبی بودند و عواملی که ایجابی بودند. عوامل سلبی در واقع منع دولت از پیاده‌سازی برنامه جامع برای کمک به بخش حقیقی اقتصاد و در واقع باز کردن فضا برای بخش غیرمولد اقتصاد بوده است.

تورم یک پدیده رفتاری است و نه یک پدیده مکانیکی. نقدینگی ابزار ایجاد تورم است. در اقتصاد اسلامی پول هویتی ندارد و پول سایه سار پیگیری به نام بخش مولد اقتصاد است. پول سایه کالاست و با خلق کالا بایستی یک واحد پول تولید شود و با گردش کالا هم باید یک واحد پول گردش پیدا کند ولی برخلاف این اتفاق افتاده است. ما اقتصادی داشتیم که میراث گذشته بود و پول نفت در آن تزریق می‌شد و از عرق جبین کالا خلق نمی‌شد. پول نفت همراه با کالا به داخل کشور می‌آمد و مردم را هم به یک گروه مصرفی با یک سبک زندگی غرب زده تبدیل کرده بودند. اجمالا نیاز به یک تحول اساسی داشتیم تا توانایی‌های داخلی را شکوفا کنیم. در دهه نود توجهی به شکوفایی توانایی‌ها نشد و همه چیز را به ناز کشورهای غربی گره زدند. در واقع هیچ برنامه‌ای برای احیای بخش مولد اقتصاد نداشتند. بنابراین مریضی عمده اقتصاد ما این است که حجم عمده نقدینگی در دست بخش غیرمولد است. خوب فضا هم در دهه نود برای فعالیت‌های غیرمولد فراهم شده بود و فعالیت‌های مولد نیز سرکوب شد. در نتیجه با توجه به تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی در دولت قبل، ظرفیت تولید به شدت کاهش یافت و رشد منفی داشتیم و ضرورت دارد که به سراغ اقتصاد مقاومتی برویم تا به رشد اقتصادی قابل قبول دست یابیم.





کامران سلطانی زاده، دبیرکل کانون صرافان در یادداشتی بررسی کرد

چرا دیگر جلوی صرافی‌ها صف خرید ارزش تشکیل نمی‌شود؟

- تدبیربانک مرکزی صف‌های خرید ارز را جمع کرد
- در مرکز مبادله سیاست‌گذار ارزی به دنبال شناسایی بسیاری از نیازهای ارزی متقاضیان به صورت سرفصل‌های جدید بوده تا بتواند متقاضیان واقعی دریافت را به سمت بازار شفاف مرکز مبادله سوق دهد
- در گذشته تشکیل صف خرید ارز در مقابل صرافی‌ها، بعضاً به دلیل خرید احتیاطی ارز و اختلاف نرخ ارز آزاد و دولتی با کارت ملی بود



۶۴



افرشاه

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •

ثبات نرخ ارز از هر چیزی مهم‌تر است و فعالان اقتصادی برای تداوم و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کارها، نیاز به ثبات نرخ ارز دارند، چرا که تحت فضای باثبات در بازار ارز، می‌توان به یک پیش‌بینی پذیری

معقول از روند شاخص‌های اقتصادی و کسب و کار دست یافت و برای آینده فعالیت اقتصادی نیز برنامه‌ریزی مشخص و موثری داشت



ملی بود؛ اما با تدبیر بانک مرکزی و تغییر در نحوه فروش ارز با کارت ملی به متقاضیان، شاهد برجیده شدن صف خرید ارز در بازار و صرافی‌ها هستیم، به گونه‌ای که با سازوکار جدید، هر متقاضی دریافت ارز با کارت ملی، بایستی ابتدا حساب ارزی در بانک افتتاح کند و سپس برای خرید به صرافی‌ها و در نهایت به شعب ارزی بانک‌ها مراجعه کند که این فرآیند با وقفه‌ای همراه است تا اسکناس به دست متقاضی برسد، در نتیجه خبری از تشکیل صف در برابر صرافی‌ها نیست. بازار ارز ایران به صورت سنتی از دهه‌های گذشته نیاز به تزریق ارز و دخالت بازارساز دارد و این نیاز همواره احساس می‌شود. صرافی‌ها همیشه نقش مهمی در طرح‌های فروش ارز داشته‌اند و می‌توان با ایجاد بستر مناسب برای خرید و فروش آنلاین ارز، بسیاری از مشکلات در بازار ارز رادر عمل حل نمود.

با توجه به اهمیت اجرای سیاست تثبیت ارز بانک مرکزی در دوره جدید، همواره ثبات نرخ ارز از هر چیزی حتی قیمت ارز مهم‌تر است و فعالان اقتصادی برای تداوم و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار، نیاز به ثبات نرخ ارز دارند، چرا که تحت فضای باثبات در بازار ارز، می‌توان به یک پیش‌بینی پذیری معقول از روند شاخص‌های اقتصادی و کسب و کار دست یافت و برای آینده فعالیت اقتصادی نیز برنامه‌ریزی مشخص و موثری داشت.

مدتی است که خبری از تشکیل صف خرید ارز در مقابل صرافی‌ها نیست. اتفاقی مهم که باعث شده تا انتظارات منفی در بازار ارز کمتر شود و خریداران هیجانی رغبتی برای ورود به بازار ارز نداشته باشند.

فعالان بازار معتقدند برنامه‌ریزی بانک مرکزی در هفته‌های پایانی سال گذشته و همزمان با راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران، مهم‌ترین دلیل کم‌رنگ شدن فضای ملتهب و صف‌های خرید ارز در مقابل صرافی‌هاست. یکی از این اقدامات تأثیرگذار، کاهش سهمیه خرید ارز با کارت ملی و همچنین شرط افتتاح حساب ارزی در بانک برای دریافت اسکناس ارز است.

این در حالی است که در مرکز مبادله نیز سیاست‌گذار ارزی به دنبال شناسایی بسیاری از نیازهای ارزی متقاضیان به صورت سرفصل‌های جدید بوده تا بتواند متقاضیان واقعی دریافت را به سمت بازار شفاف مرکز مبادله سوق دهد. مسلماً در این شرایط، با توجه به عمق کم معاملات در بازار آزاد و غیررسمی، توسعه هر چه بیشتر مرکز مبادله ایران، به کشف نرخ واقعی ارز منجر خواهد شد.

در گذشته تشکیل صف خرید ارز در مقابل صرافی‌ها، بعضاً به دلیل خرید احتیاطی ارز و اختلاف نرخ ارز آزاد و دولتی با کارت





چرا رشد نقدینگی کاهش شده است؟

دکتر حسین جعفری /

پژوهشگر اقتصادی



- نرخ رشد سالانه نقدینگی در خرداد ماه سال ۱۴۰۲ به ۲۹ درصد کاهش پیدا کرد که این نرخ از بهمن ماه سال ۱۳۹۸، پایین ترین نرخ برای رشد نقدینگی شناخته می شود

۶۶



اقتصاد

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●



به عبارت دیگر افزایش نقدینگی اثر خود را در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نشان خواهد داد.

نکته دیگری که در خصوص نقدینگی قابل ذکر است، اینکه نقدینگی جزو متغیرهای انباره بوده و مقدار آن در طول زمان و به طور پیوسته به ارقام قبلی افزوده خواهد شد. بنابراین آنچه که در مورد متغیر نقدینگی از اهمیت بسیاری برخوردار است و باید در تحلیل‌ها به آن توجه شود؛ مربوط به رشد این متغیر است و از نظر کارشناسی توجه صرف به مقدار مطلق این متغیر در طول دوره مورد بررسی، روش دقیقی نخواهد بود. همچنین به واسطه ارتباط نزدیکی که میان نقدینگی و پایه پولی یا همان پول پر قدرت وجود دارد؛ لازم است که در هنگام بحث در مورد نقدینگی به پایه پولی نیز توجه شود. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط بانک مرکزی، نرخ رشد سالانه نقدینگی در خرداد ماه سال ۱۴۰۲ به ۲۹ درصد کاهش پیدا کرده است که این نرخ از بهمن سال ۱۳۹۸ پائین‌ترین نرخ برای رشد نقدینگی شناخته می‌شود. از طرفی همگام با کاهش این نرخ، آمارهای بانک مرکزی گویای رشد ۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی در پایان سال ۱۴۰۱ است که این شواهد حاکی از عزم جدی بانک مرکزی برای دستیابی به تورم‌های پائین‌تر در پایان سال ۱۴۰۲ است. در خصوص پایه پولی نیز شواهد آماري نشان می‌دهد که هر چند این متغیر پولی تا پایان بهمن ماه سال ۱۴۰۱ با رشد ۳۹/۲ درصدی مواجه بوده است، ولی نکته امیدوار کننده مربوط به ضریب فزاینده پولی است که ۵/۷ درصد کاهش یافته است. در این گزارش سعی شده است که ضمن بررسی آخرین تحولات پولی اقتصاد ایران، به طور مفصل در مورد وضعیت نقدینگی، پایه پولی و ارتباط بین این دو متغیر صحبت شود.

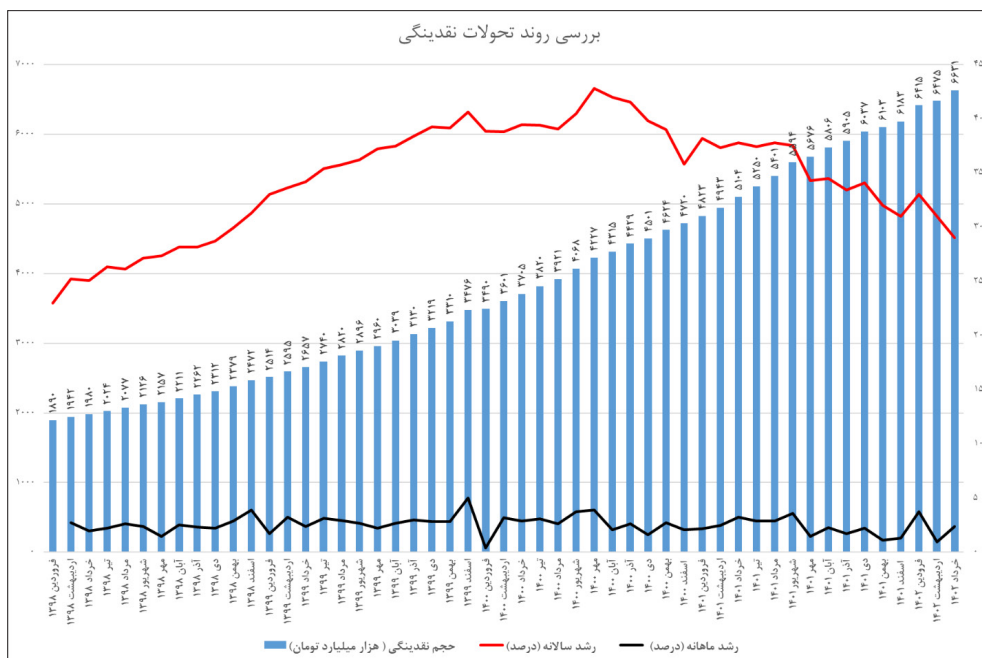
کنترل نقدینگی

طی دهه‌های گذشته، رشد نقدینگی بلندمدت کشور به طور متوسط بین ۲۵ تا ۳۰ درصد نوسان داشته است، ولی با آغاز دهه ۹۰ و به طور ویژه نیمه دوم این دهه، رشد نقدینگی از مقدار متوسط فراتر رفت و رشد‌های بالاتر از ۴۰ درصد را نیز تجربه نمود. از این رو در دوره جدید مدیریت بانک مرکزی، مهار نقدینگی به یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های این نهاد تبدیل گشت و بر اساس شواهد موجود به نظر می‌رسد که این نهاد با اعمال سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه توانسته

هدف بانک مرکزی برای دستیابی به نرخ ۲۵ درصد رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۲ در دسترس خواهد بود. اما دستیابی به چنین هدفی تمام‌مآجر نبوده و کنترل نقدینگی در اقتصاد کشور به معنی بالا رفتن قدرت سیاست‌گذار برای کنترل تورم بوده است و در سایه دستیابی به چنین هدفی می‌توان کنترل تورم و بازگشت نرخ تورم به کانال ۳۰ درصدی را نیز متصور بود



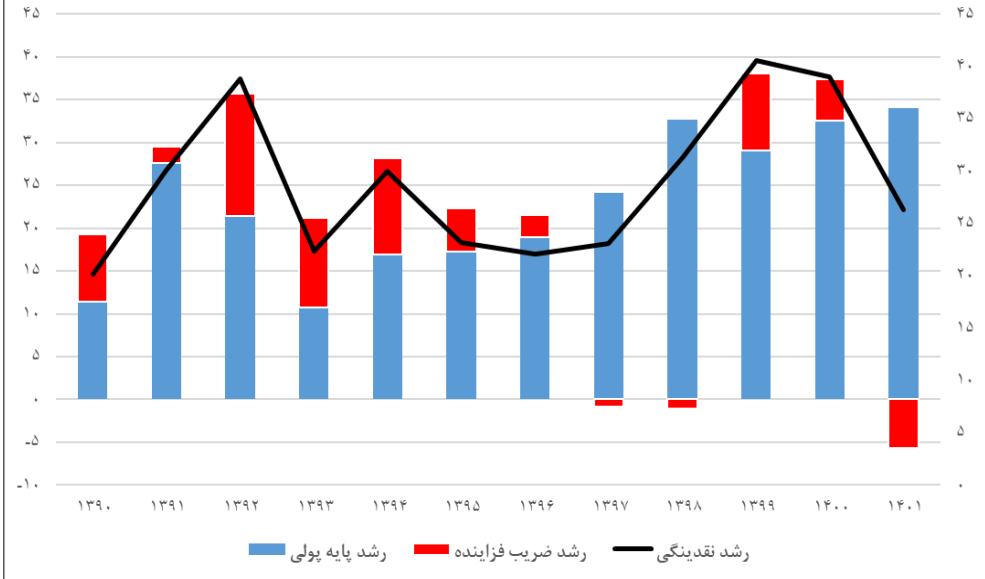
در ادبیات اقتصادی، یکی از مهم‌ترین متغیرهای پولی در اقتصاد هر کشوری، نقدینگی است. مفهوم نقدینگی به مجموع پول (اسکناس و مسکوکات) و شبه پول (حساب‌های پس‌انداز و حساب‌های مدت‌دار) در اقتصاد اشاره دارد و هر چقدر بازار مالی یک کشور گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، نهادهای منتشر کننده نقدینگی نیز افزایش خواهد یافت. در حال حاضر در ایران نهادهای منتشر کننده نقدینگی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی هستند. طی سالیان اخیر یکی از عمده‌ترین مشکلات اقتصادی ایران مربوط به متغیر نقدینگی و ناتوانی دولت‌ها در کنترل نقدینگی بوده است و نقدینگی یکی از مهم‌های اصلی تورم‌های بالا در اقتصاد ایران شناخته می‌شود، زیرا که بر اساس نظریه مقداری پول ($MV = PY$)، اگر متناسب با افزایش نقدینگی در یک اقتصاد، تولید کالا و خدمات افزایش پیدا نکند؛ شاهد بروز تورم خواهیم بود و



دنبال خواهد نمود. براین اساس، بانک مرکزی برای پایان سال ۱۴۰۲ نرخ رشد نقدینگی ۲۵ درصد را هدف گذاری کرده است. نکته دیگری که در این بین، امیدواری‌ها را برای دستیابی به چنین هدفی بیش از پیش کرده است؛ مربوط به تولید ناخالص داخلی است. تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ از ۱۴۵۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۱۵۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است و این به آن معناست که در طی این مدت، تولید ناخالص داخلی به میزان ۴ درصد رشد پیدا کرده است. به عبارت دیگر و با توجه به وضعیت کلی اقتصاد ایران، شواهد آماری گویای آن است که اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته با رشد اقتصادی مواجه بوده است. با توجه به آمارهای ارائه شده و همچنین امیدواری‌ها بر بهبود بیشتر تولید کالا و خدمات در کشور و افزایش گشایش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، هدف بانک مرکزی برای دستیابی به نرخ ۲۵ درصد رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۲ دسترس خواهد بود. اما دستیابی به چنین هدفی تمام ماجرا نبوده و کنترل نقدینگی در اقتصاد کشور به معنی بالا رفتن قدرت سیاست‌گذار برای کنترل تورم

است تا حدودی به این هدف دست پیدا کند. جدیدترین آمارهای نقدینگی در درگاه بانک مرکزی مربوط به خرداد ماه سال ۱۴۰۲ است که بر اساس آن همچون ماه‌های گذشته، روند رشد نقدینگی کاهشی بوده است. در حال حاضر، نقدینگی کل کشور در خرداد ماه سال ۱۴۰۲ به میزان ۶۶۳۱ هزار میلیارد تومان بوده است که نسبت به پایان سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۹ درصد رشد داشته است. روند کاهشی نرخ رشد نقدینگی از مهرماه سال ۱۴۰۰ آغاز شد و طی این مدت نرخ رشد نقدینگی از محدوده ۴۵ درصد تا ۲۹ درصد کاهش یافته است که رقم بسیار چشمگیری است و این نرخ پائین‌ترین نرخ رشد نقدینگی از بهمن سال ۱۳۹۸ است. همچنین میزان رشد نقدینگی در فصل اول سال ۱۴۰۲ برابر با ۳/۹ درصد بوده است که در مقایسه با فصل اول سال‌های اخیر نیز کمتر بوده است. طی این مدت و بر اساس اعلام بانک مرکزی، این نهاد، کنترل رشد نقدینگی را در سیاست کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها و جریمه نمودن بانک‌های متخلف از طریق افزایش نرخ سپرده قانونی جست و جو کرده است و با توجه به توفیق نسبی در چنین امری به نظر می‌رسد بانک مرکزی همچنان این سیاست‌ها را پیگیری و

ترکیب رشد نقدینگی، ضریب فزاینده و پایه پولی



نمودار ۱۲

است که این رشد، بیشترین رشد سالانه پایه پولی در بازه هفده ماهه منتهی به بهمن ۱۴۰۱ بوده است. همانطور که پیش تر نیز گفته شد؛ افزایش در نرخ پایه پولی در سال ۱۴۰۱ را باید در مسیر بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی جست و جو کرد و در دیگر اجزای تشکیل دهنده پایه پولی رشد کمتری اتفاق افتاده است. از این رو بسیاری از کارشناسان بنابر آمارهای موجود، همچنان خطر رشد تورم در اثر افزایش پایه پولی را از جانب افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی گوشزد می‌کنند، ولی در این بین نکته امیدوار کننده‌ای که وجود دارد مربوط به ضریب فزاینده پولی است. ضریب فزاینده پولی در واقع ضریب تبدیل پایه پولی به نقدینگی است که در سال ۱۴۰۱ روند کاهشی را طی کرده است و در این سال بیش از ۵/۷ درصد کاهش یافته است. در این خصوص نیز بار دیگر نقش سیاست‌های سخت‌گیرانه بانک مرکزی بر کنترل ترانزنامه بانک‌ها نمایان شده و کنترل ترانزنامه بانک‌ها که یکی از سیاست‌های جدی بانک مرکزی برای در راستای کنترل پایه پولی و نقدینگی از محل عدم بسط ترانزنامه بانک‌هاست؛ یکی از دلایل مهم توفیق در کنترل متغیرهای پولی است. (نمودار ۲)

بوده است و در سایه دستیابی به چنین هدفی می‌توان کنترل تورم و بازگشت نرخ تورم به کانال ۳۰ درصدی را نیز متصور بود. (نمودار ۱)

روند پایه پولی

پایه پولی بخشی از کل عرضه پول است که دارای بالاترین قدرت نقدشوندگی است. از پایه پولی به عنوان پول پر قدرت نیز یاد می‌شود. زیرا که هرگونه افزایش در پایه پولی منجر به افزایش چند برابری آن (معادل ضریب فزاینده پولی) در کل عرضه پول می‌شود. همانند دیگر متغیرهای پولی، پایه پولی نیز طی سالیان اخیر نوسان‌های متعددی به ویژه در نیمه دوم دهه ۹۰ را تجربه کرده است. در حال حاضر، بنا بر اطلاعات موجود در درگاه بانک مرکزی، پایه پولی در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ برابر با ۸۰۸ هزار میلیارد تومان بوده است که در دوازده ماه منتهی به پایان بهمن ماه سال ۱۴۰۱ معادل ۳۹/۲ درصد افزایش یافت که نسبت به رشد مشابه سال قبل (۳۳/۲ درصد) ۶ درصد افزایش داشته است. این رشد ماهانه در پایه پولی در ماه‌های اخیر، عمدتاً متأثر از افزایش اضافه برداشت بانک‌ها و موسسات اعتباری بوده است. در این بخش آمارها حاکی از آن



گزارش تازه‌های اقتصاد از تاثیر تسهیلات بر رشد اقتصادی

تسهیلات دهی در خدمت رشد اقتصادی

• آمارها نشان می‌دهد که سیستم بانکی یکی از عوامل اصلی در تحقق رشد اقتصادی مثبت است

امیرحسین موسوی /

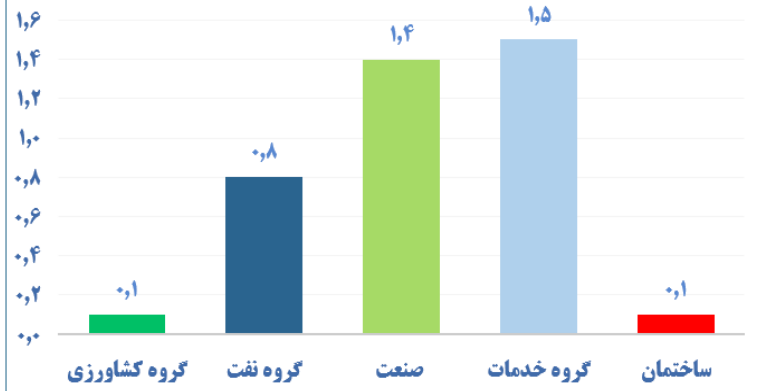
پژوهشگر اقتصادی



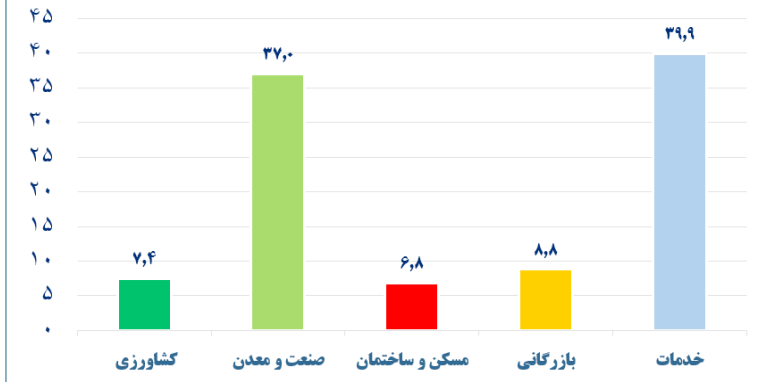
اقتصاد
تازه‌ها

شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲

سهم برخی فعالیت‌های اقتصادی در رشد تولید ناخالص داخلی



سهم تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱



میلیون و ۳۸۶ هزار و ۳۶۰ میلیارد تومان، معادل ۴۵.۳ درصد افزایش داشته است.

نگاهی به سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از میزان دریافت تسهیلات شبکه بانکی و مقایسه با سهم آن فعالیت از رشد تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد در بخش‌های خدمات، صنعت، ساختمان و کشاورزی همبستگی بالایی میان این دو متغیر وجود دارد. به بیان دیگر، اولویت بندی بخش‌های مختلف بر اساس بازدهی اقتصادی نسبت به مقیاس و میزان تخصیص بهینه اعتبارات بانکی می‌تواند اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد. (نموداریک و ۲)

سهم تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد عمده

مطالعات متعددی گواهی این گزاره است که تسهیلات اعطایی سیستم بانکی برارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی همچون صنعت، خدمات، مسکن و ساختمان و کشاورزی اثرگذار است و نظام بانکی از این کانال می‌تواند بر رشد اقتصادی موثر باشد. به عبارتی تسهیلات اعطایی غیر تکلیفی و تکلیفی بانک‌ها (با رعایت ملاحظاتی) تأثیر مثبتی برارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی دارد. بررسی آمارهای بانک مرکزی از عملکرد تسهیلات پرداختی بانک‌ها و هدف از دریافت تسهیلات در سال ۱۴۰۱ حاوی نکات قابل توجهی است. تسهیلات پرداختی بانک‌ها در ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۱ مبلغ چهار میلیون و ۴۴۸ هزار و ۵۳۰ میلیارد تومان بوده است که در مقایسه با سال قبل از آن، به میزان مبلغ یک

نمودار ۱
سهم برخی فعالیت‌های اقتصادی در رشد تولید ناخالص داخلی

نمودار ۲
سهم تسهیلات پرداختی به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱



خدمات	بازرگانی	مسکن و ساختمان	صنعت و معدن	کشاورزی	هدف دریافت تسهیلات/بخش (واحد میلیارد ریال)
۲,۱۰۲,۶۵۱	۱۳۱,۷۴۱	۱,۱۷۵,۵۴۶	۳,۳۲۵,۰۶۲	۵۶۸,۲۳۰	ایجاد
۱۱,۴۳۲,۰۴۵	۲,۸۹۰,۴۹۸	۱,۱۷۳,۹۳۶	۹,۹۳۶,۴۱۴	۱,۹۸۴,۰۹۱	تامین سرمایه در گردش
۹۸۴,۲۴۷	۲۱۷,۳۳۷	۷۲,۴۴۷	۵۵۹,۶۸۰	۱۵۷,۰۲۵	توسعه
۳,۱۸۳	۱۱۷	۲۸۶	۴۷۶	۱,۱۴۴	قرض الحسنه اشتغال
۱,۶۹۲	۲۵۲	۶۲	۱۷۹	۵۹۹	قرض الحسنه اینترگران
۲۴,۷۸۵	۱,۷۳۶	۲۳۹	۲,۰۵۵	۱۱,۳۶۵	قرض الحسنه بهزیستی
۹۲,۱۹۲	۵,۴۱۷	۵۸۶	۳,۶۶۴	۴۲,۱۳۵	قرض الحسنه کمیته
۴۱,۵۱۰	۱,۵۵۵	۳۱۳	۱,۰۲۱۹	۲۸,۱۲۲	قرض الحسنه سایر اشتغال
۱۷۳,۵۳۸	۵۰۴	۱۱۷,۴۴۹	۲,۱۴۶	۴۰	تعمیرات
۴۱,۴۹۴	۲۱۴	۲۰	۱,۵۳۱	۰	جعاله تعمیر مسکن
۱,۹۶۲	۱۲	۹,۶۲۲	۱۱۶	۲۶	خرید مسکن غیر نوساز
۴۳,۹۸۵	۱۳,۳۱۶	۷,۶۴۸	۴۴,۱۴۹	۵۴۹	خرید مسکن نوساز
۶۹,۹۶۸	۴۷,۶۸۸	۱,۱۱۲	۳۷,۲۹۷	۳,۴۵۰	خرید کالای شخصی
۲۶۰	۵۰	۰	۱۷۲	۴	خرید خودرو شخصی
۸,۰۸۵	۲,۴۲۵	۱	۱,۵۰۲	۱۲۷	قرض الحسنه ضروری
۲۸	۰	۱۴	۲۰۰	۰	ودیعہ مسکن

فعالیت‌های خود نیاز به سرمایه مالی دارند و به دلیل هزینه‌های مالی بالای تدارکات مواد اولیه و تامین و تجهیز ماشین آلات، وجود نقدینگی کافی نیازی ضروری است. به عنوان نمونه تامین مالی واحدهای تولیدی بخش کشاورزی چه از نگاه سرمایه در گردش و چه از دیدگاه توسعه فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید، از جمله مواردی است که در ساختار نظام تسهیلات دهی باید به آن توجه ویژه‌ای شود. در واقع دریافت وام و اعتبار مالی نقش محوری در تامین مالی بنگاه‌های مختلف دارد و بررسی آمارهای هدف دریافت تسهیلات توسط بنگاه‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز بر این موضوع گواهی می‌دهد. (جدول یک)

همانطور که مشاهده می‌شود اصلی‌ترین هدف تسهیلات اعطایی در بخش‌های اقتصادی به منظور تامین سرمایه در گردش بنگاه‌های مختلف بوده است. آنالیز تسهیلات پرداخت شده در بازه یکساله ۱۴۰۱ نشان می‌دهد سهم تامین سرمایه در گردش از کل اهداف تسهیلات پرداختی در بخش کشاورزی، صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، بازرگانی و خدمات به ترتیب ۷۰.۹ درصد، ۷۱.۴ درصد، ۴۵.۹ درصد، ۸۷.۳ درصد و ۷۶.۱ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. (نمودار ۴، ۵ و ۶)

ضرورت توسعه بازار سرمایه برای کاهش قضا در بازار پول
بررسی سهم اهداف تسهیلات پرداختی

تسهیلات به بخش خدمات و صنعت تخصیص داده شده است و در عین حال این دو بخش نیز سهم قابل توجهی از رشد اقتصادی سال گذشته را به خود اختصاص داده‌اند.

بر اساس گزارش تحولات بخش واقعی اقتصاد ایران، بانک مرکزی برآورد ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که علت عمده افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را باید در افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های صنعت، عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیر وسایل نقلیه موتوری، حمل و نقل و انبارداری، نفت و گاز و اطلاعات و ارتباطات جستجو کرد؛ به طوری که سهم ارزش افزوده هر یک از فعالیت‌های مذکور در نرخ رشد ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی طی سال ۱۴۰۱ به ترتیب معادل ۱.۴، ۰.۸، ۰.۸، ۰.۸ و ۰.۴ واحد درصد برآورد شده است.

نظام بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد در قالب بازار پول، نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. یکی از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی سامان‌دهی نحوه تخصیص اعتبارات مالی، جذب نقدینگی و تخصیص آن به فعالیت‌های تولیدی و صنعتی است. بنابراین سیستم بانکی را می‌توان یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی برشمرد.

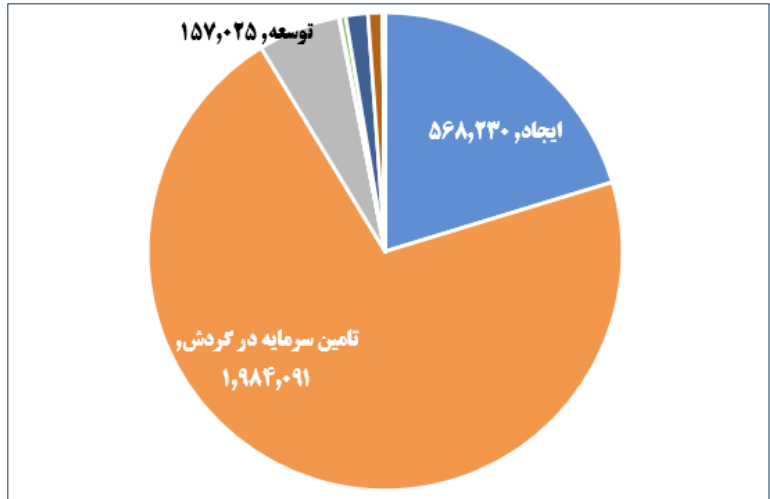
بخش‌های تولیدی، صنعتی و خدماتی در مسیر رشد اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردارند و تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران برای ادامه



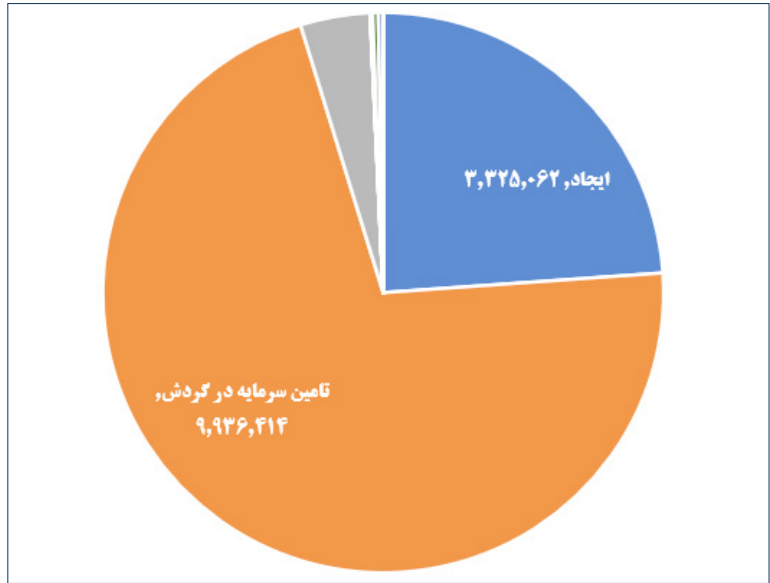
جدول یک



نمودار ۳
سهم اهداف تسهیلات
پرداختی بخش کشاورزی



نمودار ۴
سهم اهداف تسهیلات
پرداختی بخش صنعت
و معدن



۷۳



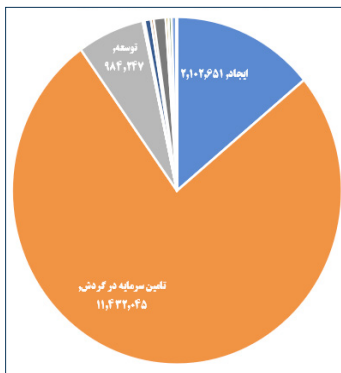
اقتصاد

شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲

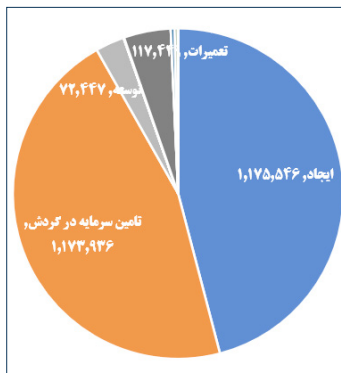
تداوم رشد اقتصادی با استفاده از کانال اعتباردهی

همانطور که مشاهده شد همبستگی بالایی میان میزان تسهیلات بانکی و ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی و به دنبال آن رشد اقتصادی وجود دارد. می‌توان بخش‌های صنعت، خدمات، مسکن و کشاورزی را به عنوان بخش‌هایی که بیشترین تأثیر را از تسهیلات اعطایی شبکه بانکی پذیرفته‌اند برشمرد. البته ذکر این نکته

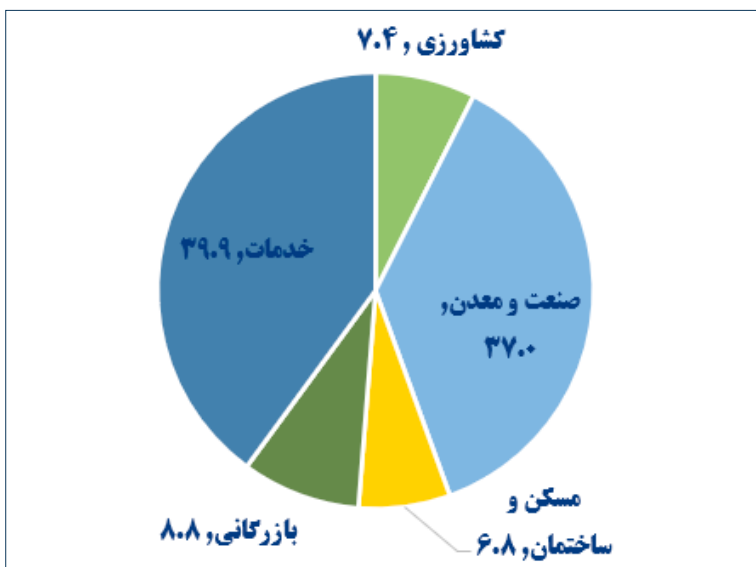
بخش‌های مختلف نشان می‌دهد علاوه بر نیاز نقدینگی برای تأمین سرمایه در گردش، موضوع ایجاد و احداث واحد در بخش‌های گوناگون نیز از اهداف اصلی اخذ تسهیلات از شبکه بانکی است، در حالی که این تقاضا می‌توانست در بازار سرمایه پاسخ داده شود به دلیل عدم توسعه ابزارهای مالی و بانک محور بودن ساختار اقتصاد ایران این نیاز وارد بازار پول شده و موجب مخاطراتی در نظام بانکی می‌شود.



▲ نمودار ۶
سهم اهداف تسهیلات پرداختی بخش خدمات



▲ نمودار ۵
سهم اهداف تسهیلات پرداختی بخش مسکن و ساختمان



● نمودار ۷
سهم تسهیلات پرداختی به بخش‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱

بخش‌های مختلف که توانمندی رشد اقتصادی بالا را دارند بدون استفاده مانده است و بازدهی بالای سرمایه در این بخش‌ها می‌تواند اثر مثبت فزاینده‌ای بر رشد اقتصادی و ارزش افزوده این بخش‌ها بگذارد. تمرکز نظام بانکی بر میزان اثربخشی تسهیلات اعطایی در رشد اقتصادی بخش‌های مختلف و سعی در اولویت قرار دادن اعطای تسهیلات به فعالیت‌هایی که اثربخشی بالایی در رشد اقتصادی دارند می‌تواند مسیر رشد تولید، افزایش اشتغال و بهره‌وری را هموار کند. (نمودار ۷)

ضروری است که همبستگی بالا به معنای علیت نیست و در این گزارش تمرکز بر بررسی روند کلی تسهیلات‌دهی شبکه بانکی به فعالیت‌های مختلف اقتصادی بوده است و سعی شد سهم این بخش‌ها در رشد اقتصادی کشور در سال گذشته مورد ارزیابی قرار گیرد. اما به طور کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد اگر دولت قصد تحریک رشد اقتصادی از طریق کانال اعتبارات باشد باید مسیر توزیع تسهیلات به سمت بخش‌هایی حرکت کند که دارای بازده فزاینده نسبت به مقیاس هستند؛ به عبارتی بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی در

سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از میزان دریافت اعتبارات بانکی و مقایسه آن با سهم آن فعالیت در رشد تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد در بخش‌های خدمات، صنعت، مسکن و کشاورزی اعطای تسهیلات نقش موثری بر رشد ارزش افزوده آن بخش داشته است

قائم مقام باشگاه تجار ایران و آفریقا در گفتگو با تازه‌های اقتصاد از فرصت طلایی تجارت با قاره سیاه می‌گوید

تجار ایرانی برای صادرات به آفریقا مشکل دارند

- در سال ۱۴۰۱ نزدیک به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار با کشورهای آفریقایی تجارت داشتیم که ۹۵ میلیون دلار واردات و مابقی آن صادرات بوده است
- سیاست‌های اخیر دولت و بانک مرکزی در بحث ارز دیجیتال به توسعه روابط ما با آفریقا و رفع موانع جابجایی پول کمک کرده و باعث شده افزایش تجارت با کشورهای آفریقایی سرعت بگیرد
- تراز تجاری به نفع ایران مثبت بوده و این تراز تجاری ناتراز هم نگرانی‌هایی را به وجود می‌آورد که ممکن است رغبت تجارت را در طرف مقابل کاهش دهد



۷۵



اقتصاد تازه‌های

● شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ ●



قاره آفریقا در سال‌های گذشته به عنوان یک بازار بکر و گسترده مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته و کشورهای آفریقایی اولیویتهی مهم در سیاست خارجی قدرت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. آفریقا سرزمینی غنی از لحاظ مواد خام، زمین‌های مستعد کشاورزی و معادن ارزشمند است و براساس آمارهای منتشرشده توسط نهادهای بین‌المللی، ۹۶ درصد الماس، ۹۰ درصد کروم، ۸۵ درصد پلاتین، ۵۰ درصد کبالت، ۵۵ درصد منگنز، ۴۰ درصد بوکسیت، ۱۳ درصد مس، ۵۰ درصد فسفات، ۶۵ درصد طلا و ۳۰ درصد توریوم و اورانیوم جهان به صورت طبیعی در این قاره ذخیره شده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران هم سیاست خارجی خود را در این قاره بر مبنای بسط و گسترش روابط با کشورهای آفریقایی قرار داده و هفته گذشته نیز دکتر سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان به دعوت رسمی روسای جمهور ۳ کشور کنیا، اوگاندا و زیمباوه با هدف تقویت روابط و گسترش همکاری‌ها با کشورهای دوست راهی این قاره شد. هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد برای بررسی بیش‌تر فرصت‌ها و مزیت‌های تجارت با قاره سیاه گفتگویی را با روح‌الله لطیفی، قائم‌مقام باشگاه تجار ایران و آفریقا و سخنگوی سابق گمرک ایران ترتیب داد که در ادامه می‌خوانید.

سفر رئیس‌جمهور کشورمان به آفریقا چه پیامدهای مثبتی را به همراه دارد؟

اراده سیاسی کشورها در هر سطحی که باشد می‌تواند مسیرها را در همان سطح هموار کند، وقتی بالاترین مقام اجرایی یک کشور از کشور دیگر بازدید و مذاکره انجام می‌دهد، نشان‌دهنده اهمیت آن برای کشور بازدیدکننده است. سفر رئیس‌جمهور کشورمان پس از ۱۰ سال، نشان‌دهنده اهمیت قاره آفریقا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای حضور در بازارهای بکر و استفاده از همه ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری در راستای منافع ملی با نگاه احترام متقابل است.

سابقه فرهنگی و سابقه ارتباطی با مناطق

در حوزه صادرات به ۵۰ کشور از ۵۴ کشور آفریقایی صادرات داریم و واردات ما هم از ۲۴ کشور، انجام می‌شود، بیشترین صادرات را به آفریقای جنوبی، کنیا، غنا، موزامبیک و تانزانیا داریم و بیش‌ترین واردات ما از تانزانیا، کنیا، آفریقای جنوبی و غنا انجام می‌شود

مختلف برای کشورهای آفریقایی اهمیت دارد، برای این کشورها بسیار مهم است که سابقه استعماری یا سابقه نژادپرستانه نداشته باشید و از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران هیچ سابقه استعماری در آفریقا نداشته و نگاه مثبتی به فرهنگ جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، حضور دکتر رئیسی و هیئت همراه در سه کشور کنیا، اوگاندا و زیمباوه می‌تواند بسیار اثربخش باشد.

ظرفیت‌های اقتصادی آفریقا چقدر است و الزامات حضور در بازار آفریقا چیست؟

کشورهای آفریقایی نگاه ویژه‌ای به آینده خود دارند و از طرفی در تولیدات برخی محصولات توانمندی خاصی را از لحاظ جغرافیایی و





رابطه برقرار کنند که هم از لحاظ فرهنگی نگاه استعماری و نژادپرستانه نداشته باشند و در کنار آن بیشتر از کشورهایی پذیرا هستند که در افریقا ۲۰۶۳ این قاره مشارکت فعال در انتقال تکنولوژی و تولید مشترک داشته باشند. بنابراین برای حضور در این بازار علاوه بر اراده سیاسی باید بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری مشترک و اقدام مشترک در حوزه خدمات و تولید و تجارت در این قاره را در دستور کار قرار دهیم و از طرفی نیاز به شناخت در بازارهای طرفین وجود دارد، یعنی هم آفریقایی‌ها نسبت به تولیدات و نیازمندی‌های ما واقف باشند و هم ما نسبت به تولیدات، مزیت‌ها و نیازمندی‌های قاره آفریقا آگاه شویم که براساس مزیت‌ها و امکانی که طرفین دارند، تجارت را در یک فضای رقابتی انجام و تبادل

پیشینه دارند. از طرفی آفریقا بازار بکری برای بسیاری از کشورهای است و اکنون شاهد تلاش کشورهای برای ورود به بازار آفریقا هستیم. قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های اقتصادی دنیا به دنبال ورود به بازار آفریقا هستند، آمریکا مشوق‌های ویژه‌ای را جهت ورود به بازار آفریقا برای تجار خود فراهم کرده و ترکیه و امارات هم برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای برای حضور در این بازار انجام داده‌اند، هندی‌ها نیز نسبت به کشورهای منطقه سابقه بیشتری در ورود به بازار آفریقا دارند و همچنین چینی‌ها برای ورود به آفریقا هم حضور فعالی دارند و هم برنامه‌های بلندمدتی در بحث زیرساخت‌ها، خدمات فنی و مهندسی و حوزه تجارت تدارک دیده‌اند. آفریقایی‌ها هم مشتاق هستند با کشورهای

۷۷



اتصالات

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •

می توانیم در
قبال صادراتی
که به کشورهای
آفریقایی داریم
به جای ارز،
طلا دریافت
کنیم و از طرفی
برای سایر
کشورها هم که
محدودیت های
سوئیفت یا
موضوعات
دیگری در
جابجایی پول
با ایران دارند
به عنوان کشور
واسط عمل
کنند و ما در
قبال صادرات به
کشورهای دیگر،
از آفریقایی ها
طلا دریافت
کنیم

۷۸



اقتصاد

• شماره ۲ - تیر ۱۴۰۲ •

تجاری را افزایش دهند. علاوه بر این باید
حتما نگاه ما به قاره آفریقا براساس افق ۲۰۶۳
باشد و ما مشارکت بیشتری را در مباحثی مثل
کشت فراسرزمینی، تولید انرژی، سوخت، مواد
غذایی و مباحث مرتبط با محصولات پزشکی
و درمانی و گردشگری داشته باشیم. آفریقا
نیز می تواند برای ما تامین کننده محصولات
کشاورزی مثل ذرت، حبوبات، گندم و ...
باشد. چرا که عمده کشورهای آفریقایی دارای
آب فراوان و خاک حاصلخیز هستند و به دلیل
سنتی بودن، بهره‌وری کشت در برخی از این
کشورها بسیار پایین است و اگر سرمایه‌گذاری
مشترک در آنجا اتفاق بیفتد امکانی را برای
کشورمان فراهم می‌کند که ضمن تامین
نیازهای خود بتواند ارزآوری در قبال صادرات
به سایر کشورها داشته باشد. حدود بیش از ۶۴
درصد واردات ما به کشور محصولات کشاورزی و
نهاده‌های دامی و مواد خوراکی است که اگر ما
در این بازار بکرو و در این منطقه خاص حضور
منطقی داشته باشیم می‌توانیم به صورت
مشترک با این کشورها از مزایای تجارت منتفع
شویم.

تجارت ایران با آفریقا در گذشته چه مقدار بوده و در حال حاضر به چه میزان رسیده است؟

با روی کار آمدن دولت سیزدهم شاهد رشد
۱۰۰ درصدی صادرات به آفریقا بودیم که این
سفر می‌تواند مقدمه‌ای برای حل مشکلات
زیرساختی روابط تجاری با این قاره و نهایتا
گسترش روابط تجاری با آفریقا شود.
در سال ۱۴۰۱ نزدیک به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون
دلار با کشورهای آفریقایی تجارت داشتیم که
۹۵ میلیون دلار واردات و مابقی آن صادرات
بوده است.

تراز تجاری به نفع ایران مثبت بوده و این
تراز تجاری ناتراز هم نگرانی‌هایی را به وجود
می‌آورد که ممکن است رغبت تجارت را در
طرف مقابل کاهش دهد. می‌توانیم با بحث
کشت فراسرزمینی، واردات محصولات مورد
نیاز مثل گوشت، ذرت، گندم، حبوبات، چای
و قهوه تعادل تراز تجاری را شاهد باشیم و این
باعث رغبت بیشتری در کشورهای آفریقایی
برای تجارت با ایران شود.

مشکلات تجار ایرانی در آفریقا چیست؟

در حوزه حمل و نقل مشکلاتی وجود دارد

که با افزایش تجارت رغبت بیشتری برای
شرکت‌های حمل و نقل به وجود خواهد آمد.
از طرفی هم دولت‌ها می‌توانند یارانه‌هایی را
برای حوزه حمل و نقل و تجارت با آفریقا داشته
باشند که این می‌تواند یکی از موضوعات مهم
همکاری‌ها با آفریقا باشد.

عدم شناخت هم مشکل دیگری در تجارت
با آفریقا است. اراده سیاسی و فراهم آوردن
بسترهایی برای معرفی ظرفیت‌های تجاری،
انتقال دانش و فناوری و مزیت‌های خاص و
کار ویژه کشورها با جمهوری اسلامی ایران از
موضوعاتی است که دولت‌ها باید فراهم کنند.
در دولت سیزدهم با افزایش رابطنان بازرگانی
در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای
آفریقایی و راه‌اندازی مراکز تجاری در کشورهای
هدف، بخشی از این نیاز را در حال پیگیری
هستند.

همچنین برگزاری نمایشگاه‌ها، فراهم کردن
بستر حضور در نمایشگاه‌ها و معرفی کالاهای
ایرانی از دیگر موضوعاتی است که دولت دنبال
می‌کند. از سوی دیگر باید از ظرفیت‌های
الکترونیکی در تبادلات تجاری استفاده شود
و در کنار آن برای اینکه حضور ایران در این
بازارها رقابتی شود دولت باید بحث موافقتنامه
تجارت ترجیحی و به حداقل رساندن
تعرفه‌های حقوق ورودی کالا را هم در دستور
کار خود قرار دهد که بتوانیم با کشورهایی که
با تعرفه صفر یا حداقلی با کشورهای آفریقایی
تبادل کالا می‌کنند، رقابت کنیم که این اتفاق
می‌تواند در کنار تحقق سایر شرایطی که ذکر
شد، حجم تجارت با آفریقا را افزایش دهد.
مشکل سوم که دولت‌ها می‌توانند حمایت
کنند، بحث انتقال پول است، موانع توسعه
تجارت با خیلی از کشورها به ویژه کشورهای
آفریقایی موضوعات مرتبط با جابجایی پول
است.

بانک مرکزی در دولت سیزدهم، دیپلماسی بانکی و توسعه همکاری‌ها با کشورها را دنبال می‌کند. اقدامات مربوط به رفع موانع نقل و انتقالات پول، تا چه میزان می‌تواند در امر تجارت تسهیل کننده باشد؟

تصمیمات اخیر که در دولت سیزدهم گرفته
شده مبنی بر تهاوت و ورود طلا به کشور به جای
ارز ناشی از صادرات و یا ورود بدون محدودیت

طلا به کشور می تواند کانال های مالی مناسبی را در این زمینه ایجاد کند. یکی از موضوعاتی که در حوزه تجارت با آفریقا می توانیم به عنوان راهکار حوزه تجارت با سایر کشورهای دنیا از آن بهره بگیریم، استفاده از ظرفیت های وجود معادن غنی طلا در کشورهای آفریقایی است که می توانیم در قبال صادراتی که به کشورهای آفریقایی داریم به جای ارز، طلا دریافت کنیم و از طرفی برای سایر کشورها هم که محدودیت های سوئیتت یا موضوعات دیگری در جابجایی پول با ایران دارند به عنوان کشور واسط عمل کنند و ما در قبال صادرات به کشورهای دیگر، از آفریقایی ها طلا دریافت کنیم و مشتری غیر آفریقایی با کشورهای آفریقایی طرف حساب باشد.

از طرفی سیاست های اخیر دولت و بانک مرکزی در بحث ارز دیجیتال نیز به توسعه روابط ما با آفریقا و رفع موانع جابجایی پول کمک کرده و باعث شده افزایش تجارت داشته باشیم. البته این ها کافی نیست و دولت ها باید راهکارهای ویژه تری را دنبال و کانال های امنی را برای جابجایی پول فراهم کنند تا نگرانی تجار را در این حوزه کاهش دهند و کاهش ریسک تجارت را در پی داشته باشد که منجر به افزایش تجارت با کشورهای آفریقایی خواهد شد.

با کدام کشورهای آفریقایی تجارت گسترده تری داریم و بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی کدام اند؟

در حوزه صادرات به ۵۰ کشور از ۵۴ کشور آفریقایی صادرات داریم و واردات ما هم از ۲۴ کشور انجام می شود، بیشترین صادرات را به آفریقای جنوبی، کنیا، غنا، موزامبیک و تانزانیا داریم و بیشترین واردات ما از تانزانیا، کنیا، آفریقای جنوبی و غنا انجام می شود. محصولات فولادی و آهن بیش از نیمی از صادرات ما به آفریقا را تشکیل داده و قیر و کود اوره هم در رده های بعدی هستند.

مصالح ساختمانی، مشتقات نفتی، دارو، ماشین آلات صنعتی، پوشاک، کفش، فرش، مواد غذایی، شیرینی و شکلات، ماکارونی، لوازم الکترونیکی، صنایع دستی و مواد شوینده دیگر اقلام صادراتی ایران به کشورهای آفریقایی است. بیشترین سهم از واردات ما از آفریقا هم به جای اختصاص دارد و کالاهایی مانند قهوه، حبوبات، سنگ منگنز، برخی

اقلام معدنی، ماشین آلات، لوازم الکترونیکی، قطعات خودرو و کاتابیشترین اقلام وارداتی بوده است.

وضعیت تجارت ما با سه کشور مقصد سفر رئیس جمهور (کنیا) اوگاندا و زیمباوه) به چه صورت است؟

بازار ۱۱۵ میلیون نفری کنیا، اوگاندا و زیمباوه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در سال قبل بیش از ۱۲۸.۵ هزار تن کالا به ارزش ۷۳ میلیون و ۷۸۱ هزار دلار، حجم تجارت ایران با این سه کشور بود که ۱۲۴ هزار و ۲۱۴ تن کالای ایرانی به ارزش ۵۴ میلیون و ۶۶۷ هزار دلار، سهم صادرات ایران و چهار هزار و ۳۵۱ تن کالا به ارزش ۱۹ میلیون و ۱۱۴ هزار دلار، سهم واردات ما از این سه کشور بوده است. صادرات ایران به کنیا ۵۳.۲ میلیون دلار، به اوگاندا ۱۰.۲ میلیون دلار و به زیمباوه ۲۳۶ هزار دلار بوده و قیر با ۴۱ میلیون دلار، ۷۵ درصد ارزش صادرات ایران به این سه کشور را به خود اختصاص داده است و بعد از آن روغن صنعتی با ۳.۷ میلیون دلار، سایر فرآورده های نفتی با ۲.۳ میلیون دلار و رشته های خوراکی با ۱.۹ میلیون دلار و پلی اتیلن با ۹۵۵ هزار دلار قرار دارند. عسل، پسته، کشمش، میوه خشک، زعفران، کنسرو ماهی، شیرینی و شکلات، بیسکویت، رب گوجه، مکمل غذایی، گچ و سیمان، دارو، واکسن و تجهیزات پزشکی، اوره، محصولات آرایشی، کانوچو، چمدان، فرش و گلیم، کفش و کلاه، ظروف شیشه ای، ماشین آلات صنعتی، سیم و کابل، تراکتور، مبل، سایبان و شیرآلات از دیگر کالاهای صادراتی ایران به سه کشور کنیا، اوگاندا و زیمباوه بودند که ۹۷ درصد صادرات انجام شده به مقصد کنیا بوده است. در سال ۱۴۰۱ کنیا ۱۷.۳ میلیون دلار، زیمباوه ۱.۴ میلیون دلار و اوگاندا یک میلیون دلار کالا به کشورمان فروختند که ۸۵ درصد آن صادرات کنیا به ایران بوده است.

چای با سهم ۸۴ درصدی به ارزش ۱۶ میلیون دلار در صدر کالاهای وارداتی از این سه کشور قرار دارد و بعد از آن توتون با یک میلیون دلار و قهوه با ۸۸۶ هزار دلار در جایگاه بعدی هستند و آب آناناس، نباتات معطر، مرکب چاپ، ورق رول تولید ظروف، کانتینر و میمون برای تحقیقات پزشکی از دیگر کالاهای وارداتی از این سه کشور بودند.

تصمیمات
اخیری که در
دولت سیزدهم
گرفته شده
مبنی بر تهاتر
و ورود طلا به
کشور به جای
ارز ناشی از
صادرات و یا
ورود بدون
محدودیت
طلا به کشور
می تواند
کانال های مالی
مناسبی را در
این زمینه ایجاد
کند





رسانه مرجع بانک مرکزی

سریع ترین و دقیق ترین

اخبار و تحلیل های

پولی، بانکی و ارزی